



پیام فدایی

مرکز بر امپریالیسم
وسنگهای زنجیریش

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

بها ۵۰ ریال

بهمن ۶۵

سال اول شماره ۲

در ۴۲ صفحه

"اعتراف به وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم برای توجیه یورش جدید به توده‌ها"

چرا رژیمی که به انحاء گوناگون نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را به چوبه‌های قمار می‌آویزد و فریبکارت خود را "ضد امپریالیست" جلوه میدهد، در تبلیغات خود به وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیستها اذعان میکند؟ این امر را همانا وابستگی از آن شرفندهای مودیانهای دانست که از شاراتناهایی چون بهرادیسیویها ساخته است!

مدتی است که دوباره سردمداران مزدور جمهوری اسلامی بیاد وابستگی بودن اقتصاد ایران به نظام امپریالیستی افتاده‌اند و در هر کنفرانس و جلسه‌ای بر این امر تاکید مینمایند؛ اینکه چه عوامل و انگیزه‌هایی مزدوران امپریالیسم را واداشته تا سررغم هباهوهای ضد امپریالیستی خود را از ۷ سال حاکمیت شاه جمهوری اسلامی به این امر اعتراف نمایند، بدون شک باید مورد توجه قرار گیرد.

بقیه در صفحه ۱۱



پیام چریکهای فدائی خلق ایران
بمناسبت دوازدهم بزرگ تاریخی

۱۹ بهمن سال ۴۹ (شروع مبارزه مسلحانه)
۲۲ بهمن ۵۷ (قیام نکوهمند خلق)

در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ با حمله به پاسگاه سپاهک، چریکهای فدائی خلق بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه اعلان جنگ دادند. مبارزه مسلحانه پیشا هنگام مسلح سپاهک که باعث شکست بن بست مبارزاتی آن سالهای شاه گردید. در تداوم خود بوسیله یارانانش، از یکسو راه انقلاب را به توده‌ها شناساند و از سوی دیگر چریکهای فدائی خلق را در قلب توده‌ها جای داد؛ و در نتیجه پیام آن روزمندگان مسلح در فریاد "ایران را سراسر ساجد نکنیم" توده‌های ملیونتی در قیام بهمن پژواک گردید. ۱۹ بهمن سالروز آغاز مبارزه مسلحانه و ۲۱ و ۲۲ بهمن سالروز قیام نکوهمند خلقهای ایران به اعتبار نقش عظیمشان در مبارزه خلقهای مبارز در واقع بزرگ تاریخ میهنمان

بقیه در صفحه ۲

در صفحات دیگر

گزارشی از پادگان عجب شیر

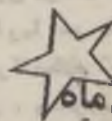
عجب شیر شهر بسیار کوچکی است که در استان آذربایجان شرقی واقع شده و یکی از مراکز مهم سرکوبگر رژیم در آن مستقر میباشد که رژیم جمهوری اسلامی از آن بعنوان پادگان آموزشی نیز استفاده نموده و میکند.

در دوران شاه مزدور شیر، شهر عجب شیر از همین موقعیت ویژه بقیه در صفحه ۱۹

- اجپار ۳۱ صفحه
- گفته‌ها و نکته‌ها ۲۷ صفحه
- گفته‌های از
- رادیو صدای چریکها صفحه ۲۱
- روزگار بهمن ماه صفحه ۴۱

کنترل و هدایت جنگ
ایران و عراق
در دست کیست؟

سازشکاران و مشکد تسخیر
سفارت امریکا
صفحه ۴۲



شهادت بهمن ماه
چریکهای فدائی
خلق ایران

- زندگینا مرفیق شهید قایم سیادت از اعضای کادر مرکزی سازمان صفحه ۲۶
- ۲۲ ری بنیان سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان صفحه ۴۲

زندیه باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

از صفحه ۱

پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت دو روز بزرگ تاریخی ۱۹ بهمن سال ۴۹ (سرآغاز مبارزه مسلحانه) و ۲۱ بهمن ۵۷ (قیام مشکوهندخلق)

میباشند ، و ما هر ساله بمناسبت این روزهای بزرگ سعی کرده ایم با تکیه بر تئوری انقلابی راهنمای پیشاهنگان سیهکل و تجربیات خونین توده های میلیونی در قیام بهمن به بررسی شرایطی که بر آن قرار داریم پرداخته و مسائل پرچسته شرایط کمونی را با طبقه کارگر و توده های ستمدیده مان در میان گذاشته و با ردیگر وظایف مبارزاتی خود را طرح و بررسی نمائیم .

روشننگان سیهکل کمونیستهای راستینی بودند و بروشنی میدانستند که چنین اندیشمند کبیر کارگران گفته است : " مسئله اساسی هر انقلاب موضوع قدرت حاکمه در کشور است . بدون توضیح این مسئله نمیتوان از هیچگونه شرکت آگاهانه در انقلاب و بطریق اولی از رهبری بر آن صحبت کرد . " [درباره قدرت دوگانگی در نتیجه قبل از هر چیز به تحلیل شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه و در نتیجه تعیین ماهیت " قدرت حاکمه " پرداخته تا بر آن اساس فن " تحلیل مشخص از شرایط مشخص " کشورمان ، راه انقلاب ایران را در یابند . و در نهایت همین برخورد علمی با واقعیات جامعه به سازمان توانائی تدوین تئوری انقلاب ایران را داد ، تا در پرتو آن حرکت مبارزاتی و قهرمانانه رفیقهای سیهکل ، نه حرکتی خود بخودی و کور بلکه " شرکت آگاهانه در انقلاب " و در جهت " رهبری بر آن " باشد و توانائی تغییر انقلابی در جامعه را داشته و امکان رهبری پرولتاریا بر انقلاب را تامین نماید . تئوری راهنمای انقلابیون سیهکل ، تئوری مبارزه مسلحانه ، یعنی تنها شکل خلاق انقلابی مارکسیسم لنینیسم با شرایط انقلاب ایران بود .

هرآن مقطع تاریخی از آنجا که تحلیل مسئله " انقلاب سفید " و خلفه اساسی آن " اصلاحات ارضی " سال ۱۳۴۱

به یکی از مهمترین مسائل جنبش کمونیستی تبدیل گردیده بود . تئوری مبارزه مسلحانه با تحلیل علمی این " اصلاحات " ماهیت امپریالیستی آن را نشان داده و علیرغم ادعاهای اپورتونیستی و سردرگمی روشنفکران ، عدم تغییر در ماهیت قدرت حاکمه را اثبات نمود . و بر این اساس استراتژی و تاکتیک پرولتاریا در انقلاب ایران را معین کرد .

رهبر کبیرمان رفیق مسعود احمدزاده در رابطه با هدف " انقلاب سفید " شاهانه در کتاب " مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک " نوشت : " هدف با اصطلاح " انقلاب سفید " عبارت بود از بسط نفوذ امپریالیسم در کشور و روستا " (صفحه ۴۶) و در رابطه با ماهیت قدرت سیاسی دولت جدید از اطلاعات ارضی توضیح داد : " آیا باید نتیجه گرفت که نابودی فئودالیسم صرفاً یک دروغ است ؟ یا باید گفت که فئودالیسم تکیه گاه عمده رژیم نبود ؟ اگر فئودالیسم تکیه گاه عمده رژیم نبود ، پس قدرت سیاسی دولت انعکاس کدام قدرت اقتصادی ، و در جهت پیشبرد منافع کدام قدرت بطور عمده کار میکرد ؟ حقیقت را بخواهیم این قدرت امپریالیسم جهانی است . پایه های تسلط سیاسی فئودالیسم با انقلاب مشروطه سست شد و با کودتای رضاخان ، فئودالیسم قدرت سیاسی خود را اساساً به امپریالیسم تفویض کرد . منافع اقتصادی فئودالها را تنها قدرت مرکزی حمایت شده و هدایت شده از جانب امپریالیسم میتوانست حفظ کند " [صفحه ۴۶ و ۴۷] و در توضیح پروسه رشد سلطه امپریالیسم در کشورمان رفیق مسعود میگوید : " بدین ترتیب ما از یکطرف با یک رویتای سیاسی بورژوازی با قطع نفوذ قدرت فئودالهای محل مواجهیم ، و از طرف دیگر شاهد ادامه استثمار فئودالی میباشد و اینک هنوز رشد سرمایه داری آغاز نشده ، ما شاهد قدرت انحمارات سرمایه داری میباشیم ، شیوه تولید فئودالی عوض میشود ،

بدون آنکه در حاکمیت سیاسی هیچگونه تغییری ایجاد شود . فئودالیسم از میان میرود بدون اینکه دهقانان فرصت داده شود لحظه ای احساس آزادی کنند ، فئودالیسم از میان میرود در حالیکه بورژوازی ملی هم پیش از پیش سرکوب میشود . در حقیقت ، با استقرار سلطه امپریالیستی ، تمام تفادهای درونی جامعه ما تحت الشعاع یک تفاد قرار گرفتند . تفادی که در مقیاس جهانی گسترش دارد ، تفاد خلق و امپریالیسم . در نیم قرن اخیر ، مبین ما شاهد گسترش این تفاد ، سلطه روزافزون امپریالیسم بوده است . هرگونه تحولی میباشد این تفاد را حمل کند " [صفحه ۵۶ و ۵۷]

بنابراین چریکهای فدائی خلق با تشخیص درست تفاد اصلی جامعه و پاسخ علمی به ماهیت قدرت حاکمه و اثبات این نکته که شاه جز سنگ زنجیری در دست امپریالیستها نبوده نیست ، دشمن اصلی خلقهای ایران را به آنها نشان داده و حرکت آنان را به آنها خود در جنگهای سیهکل را آغاز نمودند . و این دشمن سرزود را آماج ضربات مرگبار خود قرار دادند . چریکها بر اساس این تئوری و عمل به آن ضمن شکستن بن بست مبارزاتی جامعه تقبی به قدرت تاریخی توده ها رسیده و راه انقلاب را با جانفشانی های خود به طبقه کارگر و توده های ستمدیده نشان دادند ، و آنان را به این راه فراخواندند . اگر امپریالیستها و نظام سرمایه داری وابسته به آنها ، با تکیه بر تمامی امکانات تبلیغی خود ، تبلیغات جهمی ای را بر راه انداخته بودند تا توده ها را فریب داده و سیاست شاه را " مستقل ملی " جلوه دهند و به این وسیله واقعیت مزدوری شاه را کتمان نمایند ، در همان حال اپورتونیستهای رنگارنگ نیز به انحاء گوناگون بر علیه تئوری انقلابی پرولتاریا سم پاشی نموده و با " تصفیر " اصطلاح " سنگ زنجیری " در این تئوری ، و تحریف تبلیغی وابده های چریکها ، در واقعیت زرادخانه پرولتاریا را خالی ساخته و برندگی سلاح راهنمای را از او میکرفتند و به این وسیله او را در مقابل دشمنان طبقه اتی اش آسیب پذیر می ساختند . اگر چریکها با کلیت سلاح " سنگ زنجیری " واقعیت هیئت حاکمه

پیام چریکهای فدائی خلق ایران به ...

را عربان میساختند و نشان میدادند که این هیئت حاکمه بر اساس برنامه و نقشه‌ای عمل میکند که خطوط کلی آن توسط امپریالیستها طرح ریخته‌گری گردیده ، و در همان حال این هیئت حاکمه تحت کنترل و هدایت امپریالیسم میباشد ، اپورتونیستها میکوشیدند برای شاه نقش مستقل از امپریالیستها قائل شده و به این وسیله ادعا نمایند که شاه توانائی قدرت "مانور" در بین امپریالیستها را داراست . تا بیکان مبارزه را به جای نبرد بر علیه امپریالیسم و یک‌های زنجیرش مرفا در جهت مبارزه با "دیکتاتوری، فردی شاه" سوق داده و دامنه آن را محدود سازند .

اگر این سالها ، سالهای مبارزه خونین چریکها با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه بود ، در عین حال سالهای تلاشهای مذبوحانه اپورتونیستها و درازگوشی‌هایشان بر علیه آنها نیز بود . اپورتونیستهایی که ناتوان از درک واقعیات عینی ، با بیم پاشی بر علیه تئوری انقلابی پروولتاریا به وظیفه تاریخی خود که همانا ائتلاف انرژي انقلابی توده‌هاست مشغول بودند . اپورتونیستهایی که میکوشیدند با تحریف واقعیت اطلاعات ارضی ، ثابت نمایند پتانسیل انقلابی دهقانان بوسیله این اطلاعات تضعیف گشته و تضاد اصلی جامعه ، مخفی گردیده است . اپورتونیستهایی که میکوشیدند با تخطئه مبارزه مسلحانه چریکها ، که از سیاه‌گل آغاز شده بود ، آن را اقدامی آنارشستی و غیرسوسیالیستی قلمداد نمایند که بوسیله جوانانی پر شور ولی ماجراجو سازمان یافته است ؛ و با اشک تمساح ریختن برای جانبا زبهارا ز جان گذشته‌گانشان ، آنها را روشنفکرانی چپ‌رو که بسه توده‌ها و قدرت تاریخی آنها ایمانی ندارند و راهی خطا پیشه کرده‌اند جلوه داده و به این وسیله خاک به چشم توده‌ها بپاشند .

اما از آنجا که تئوری مبارزه مسلحانه بر اساس واقعیات عینی جامعه و تکیه بر مارکسیسم لنینیسم تعیین

گردیده بود ، از آنجا که معتقدین به این تئوری همه هستی خویش را در جهت تحقق آن در کارزاری نابرابر بکار گرفته بودند ، راه و نام آنها در قلب طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده جای گرفت و پس از ۸ سال مبارزه خونین ، پیام این انقلابیون در فریادهای توده‌های میلیونی انعکاس یافت . و شعارهای "بیروکراسی آمریکا" ، "ایران را سراسر سیاه‌کبیل میکنیم" به شعارهای توده‌ها تبدیل گردید . وقتی فریاد "مرگ پرتاب" ایران را فراگرفت و در مقابل چشمان توده‌ها ، امپریالیستها شاه را چون "موش مرده‌ای" به بیرون پرتاب کردند ، این واقعیت که شاه یک زنجیری ای بیش نیست هر چه بیشتر عربان گردید و جهت تحلیل زمنندگان سیاه‌گل با و دیگر اشکالات شد و از آن پس تمامی استادان و مدارکی که منتشر گردید ، به روشنی حیرت‌انگیزی مهر ناشد بر این "تحلیل" زده نشان داد که سرسپردگی شاه به امپریالیستها تا چه حد واقعی بوده و چگونه این امپریالیستها بودند که در رابطه با سرنوشت او تصمیم میگرفتند ؛ و زمانی که متوجه شدند وجود او برای منافع و مصالح آنها دیگر ارزشی ندارد ، برای قریب توده‌ها او را از صحنه به بیرون پرتاب کردند تنها توانائی با و کبری جدیدی برای تعرض و جشانه به انقلابی‌رایانند . همان زمانی که توده‌های میلیونی درست در روز فرار شاه فریاد برآوردند "بعد از شاه نوبت امریکا است" از زاویه آنچه که واقع شده بود نشان دادند که دشمن اصلی خود ، یعنی امپریالیسم امویکا را بروشنی شناخته و تحلیل زمنندگان سیاه‌گل را راهنمای حرکت خود ساخته اند .

پیام چریکهای فدائی در سیاه‌گل به اعتبار ۸ سال مبارزه ، خونین ، حال به پیام توده‌ها تبدیل گردیده بود و توده‌ها اکنون همچون آن زمنندگان ، شاه مزدور و ماشین دولتی وابسته به امپریالیسم را آماج ضربات خود قرار داده و با حمله به

زرادخانه‌های دشمن و سلاح برگرفتند نشان میدادند به این واقعیت دست یافته‌اند که "تنهاراه" رسیدن به آزادی مبارزه مسلحانه است" و به این ترتیب پیام سیاه‌گل در قیام بهمن تجلی یافت .

اعمال محیله ، ترین تاکتیکها از سوی امپریالیسم بر علیه انقلاب در بستر شکست قیام بهمن رژیم را بر سرکار آورد که میکوشید خود را حاصل انقلاب توده‌ها ، رژیم مردمی و مترقی و در نتیجه خدا امپریالیست و خدا آمریکا جا بزند . و با تکیه بر مذهب و استفاده از احساسات مذهبی بخشی از توده‌ها ، آنها را فریب داده و موفقیت خود را تحکیم نماید .

سردرگمی عمومی به وجود آمده بود ، توده‌های قیام کننده ، مدینه که بر اثر مبارزات قهرمانانه آنها و یاد دادن بیش از ۶۰ هزار شهید ، افرادی که تا دیروز در کنار آنها بودند حال فرسوده قدرت قیام را گرفته اند . ولی بر عمل بنیادین انقلاب ، انقلاب را برکوب نمینمایند . این شرایط بفرنج و ظایف بس بزرگی در مقابل کمونیستها و پیشانی‌نگشان انقلابی قرار داده بود که در برابر آنها تعیین ماهیت طبقاتی رژیم جدید و توضیح و تشریح آن برای توده‌ها و بر آن اساس ، مشخص کردن استراتژی و تاکتیک مورد لزوم شرایط جدید قرار داشت .

چریکهای فدائی خلق یعنی ادامه دهندگان راستین راه با رانشان در سیاه‌گل ، با درک این وظیفه بزرگ در همان آغاز با اتکا به تئوری مبارزه مسلحانه یعنی تئوری راهنمای زمنندگان سیاه‌گل و تحلیل مشخص از شرایط جدید اعلام کردند :

"دولت ابزار طبقه حاکمه است چون در ایران بورژوازی وابسته به همچنان در تولید نقش مسلط را دارد دولت فعلی هر چه میکند در جهت تثبیت این موقعیت است خود بخود دولت نیز ابزاری در دست بورژوازی وابسته است" (مباحثه با رفیق اشرف دهقانی ۸ خرداد ۵۸)

در نتیجه با پاسخ درست و علمی به "موضوع قدرت حاکمه" اولاتوانستند تمامی دسیسه‌های نواستعماری که امپریالیسم در ایران پیاده نمیشود

دشمن سهی، سازماندهی، مسلح توده‌ها

پیام چریکهای فدائی خلق ایران به ...

را درک و افشاء نموده و واقعیت مزدوری و سرسپردگی رژیم جدید که خود را "جمهوری اسلامی" مینامید را به توده‌ها نشان دهند و به این وسیله توده‌ها را نسبت به حیل‌ها و فریبکارانه‌های مزدوران جدید امپریالیسم در ایران که بنام انقلاب و زورگفاه مذهب و هیاهوهای "فدائیه" مینامند در جهت تعمیق و گمراهی آنها میکوشید، آگاه سازند. و در همان حال با اثبات عدم تغییر تضاد اصلی جامعه و ماهیت قدرت حاکمه، برنقشش انحراف تزئین مبارزه مسلحانه یعنی جنگ توده‌ای طولانی تاکید نموده و با بودن سخنانی را که میکوشیدند با دستاویز تغییر شرایط، تئوروی انقلابی پرولتاریا را مودود اعلام کنند را به اثبات رسانند و در جهت بسط و انطباق تئوری مبارزه مسلحانه هم اعتراضی هم تاکتیک با شرایط جدید که همانا توده‌ای کردن آن میباشد، تلاش و رزند.

از آنجا که هدف تئوری مبارزه مسلحانه سرنگونی سلطه امپریالیستی و بورژوازی وابسته به آن بوده و هست و این تئوری، مبارزه مسلحانه را تا حدیک جنگ توده‌ای برای نابودی قطعی سلطه امپریالیسم در نظر میگیرد، با توجه به شرایط جدید ما اعلام کردیم که "شرایط توده‌ای شدن مبارزه مسلحانه بر علیه امپریالیسم" [در باره تئوری مبارزه مسلحانه صفحه ۱۸] فراهم گردیده است و با تعیین و اعلام شعار "پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها" بعنوان وظیفه اصلی پیشاهنگ انقلابی در شرایط جدید بمنظور رشد و گسترش مبارزه مسلحانه، در جهت تشکیل ارتش خلق را نشان داده و تداوم راه سیاهکل را در شرایط جدید پیش پای خلقها بمان قرار دادیم و با تکرار به قیام بهمن بمثابة روز آغاز تیزدم مسلحانه خلقها بمان بر علیه امپریالیسم، تداوم این مبارزه را در مبارزه مسلحانه توده‌ای خلق کرد روشن نموده و بار دیگر بر اساس تجربیات خونین طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده، حقاقت و صحت همان راه را آشکار نمودیم. راهی که تجربیات ۸ سال مبارزه مسلحانه پیش از آن چریک فدائی و دیگر مبارزین در زمان شاه و ۸ سال مبارزه مسلحانه خلق کرد بروشنی بر صحت

آن تاکید نموده است. اما اپورتونیستهای که تئوری و راه رزمندگان سیاهکل را تخطئه میکردند و اتفاقاً در موقعیت سهیل نسبی شرایط مبارزه پس از قیام بهمن، به خیلشان نیز افتزوده گشته بود و هریک میکوشیدند در این امر "خبر" بودیگری پیشی گیرند و با نفی دیگران وجودنا مبارک خود را اثبات نمایند و منافسانه حتی در سازمان ما نیز رسوخ کرده و بخش بزرگی از آن رایه منجلباب اپورتونیسم و سرانجام خیانت و در یوزگی کشا دهند؛ بجای تحلیل طبقاتی رژیم جدید و روشین نمودن اهداف و شبهه‌های مبارزه، یا رتدانه از زیر بار این وظیفه خطیرانه خالی کرده و با "ملی" و "مستقل" و "مردمی" و "ضد امپریالیست" نامیدن رژیم جدید، همگام با او در فریب توده‌ها شرکت نمودند. چنانکه در هر مسئله مهم اجتماعی این سازشکاران رنگارنگ به ساز این رژیم خدمت رقیبند و همگام با این رژیم توده‌ها را نیز دعوت به این رقص نمودند. چه در جریان "انتخابات" مختلف جمهوری اسلامی که زیر پوشش "انتخابات آزاد و دمکراتیک" تبلیغ میشد، چه در شصده بازی با مصالح تسخیر سفارت آمریکا، چه در جریان جنگ امپریالیستی ایران و عراق و چه در هر مسئله مهم دیگری. بهرحال این سالها، سالهای خوش رقصی اپورتونیستها و همگامی آنها با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در جهت فریب توده‌ها بود و هدف البته کسه بازهم در این میان چریکهای فدائی خلق ایران به آنارشیزم و پوپولیسم و کوتاه نظری و عقب ماندگی و صدها لقب و مارک نایسته خودشان نامیده شدند. چریکهای که از نظر آنها آنقدر "عقب مانده" بودند که هنوز هم در رابطه با خمینی و رژیم "مستقل" او از اصطلاح یک زنجیری استفاده میکردند. چریکهای که آنقدر "دگماتیست" و لجوج بودند که بعد از همه این "تغییرات" بازهم از تداوم سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم در ایران سخن میگفتند و نمیتوانستند درک کنند که "امام بزرگوار" و "رهبر انقلاب فدا امپریالیستی" نه یک زنجیری که نماینده "خرده بورژوازی سنتی"، "قشر فوجانی خرده بورژوازی سنتی"

"بورژوازی ملی"، و "کاست روحانیت" و غیره و غیره میباشد و بهرحال وابسته به امپریالیسم نبوده و ملی و مستقل است. بخشی از آنها در این تحلیلها و سخنان خود تا آنجا پیش رفتند که برای تقویت "اما فدا امپریالیستشان" رهنمود لو دادن انقلابیون را هم دادند و عملاً به صف ضد انقلاب پیوستند.

و منجکتر از همه وضع آن اپورتونیستهایی بود که ادعا میکردند و میکنند که نظام اقتصادی موجود، سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میباشد. ولی جمهوری اسلامی از استقلال سیاسی برخوردار بوده و وابسته به امپریالیسم نیست. اینها نمیتوانند درک کنند که وقتی سرمایه وابسته بخشی از گانیک از سرمایه امپریالیستی است، دیگر امپریالیسم را نمیتوان بمثابة یک عامل خارجی که بهرحال نقشی دارد در نظر گرفت. بلکه امپریالیسم یعنی "سرمایه داری انحصاری" را باید بمثابة عاملی که نقش تعیین کننده در حیات جامعه دارد، در نظر گرفت. در چنین حالتی با توجه به واقعات موجود، دیگر سخن گفتن از استقلال جمهوری اسلامی و وابسته نبودن او به حرفی بوج که تنها باعث تطهیر چهره امپریالیسم در ایران میگردد تبدیل شده و گوینده را عملاً در موضع واقعی جلوه دادن شعار رباگازانه "نه شرقی و نه غربی" جمهوری اسلامی قرار میدهد.

اما شیر رویدادها و حرکت تاریخ توده‌های محکمی به این حرفان حرفهای زد و بروشنی وابستگی این رژیم به امپریالیستها و صحت نظر چریکهای فدائی را اثبات نمود. و توده‌ها هر روز که از عمر این رژیم منحوس میگذشت، حذها دلیل جدیدال بر صحت این مدعا در زندگی روزمره خود میبافتند.

سیر تاریخ بروشنی نشان داد که خمینی و رژیم او جز یک زنجیری امپریالیسم نبوده و نیستند و اتفاقاً در آستانه هشتمین سالروز قیام و در شرایطی که همه واقعات صحت تئوری چریکها را به اثبات رسانده است، بر اثر حدت باسی تضادهای درون هیئت حاکمه آمریکا، آنچنان اسناد و مدارک جدیدی ذال بر مزدوری و سرسپردگی این رژیم افشاء گردیده است که تنها "کودنهای سیاسی" را برای مقاومت در مقابل این سیل

پیام چریکهای فدائی خلق ایران به ...

واقعیات میباشد. واقعیاتی که بروشنی وابستگی کامل رژیم جمهوری اسلامی را به امپریالیستها نشان داده و در همانحال درستی و صحت تئوری مبارزه مسلحانه را بار دیگر برای تودهها اثبات مینماید.

با افشای سفر مک فارلین به ایران موجی از افشاگریها آغاز گردید که هبشت حاکم آمریکا را تکان داد. بر اساس این افشاگریها آشکار گردیده است که جمهوری اسلامی سالهاست به انحاء گوناگون با اسرائیل و آمریکا در ارتباط بوده و سیل سلاحهای آمریکائی بسوی ایران جاری بوده و علیرغم هیا هوهای با صلااح" ضد صهیونیستی" و "غذا بریکائی" جمهوری اسلامی، این رژیم در رابطه ای تنگاتنگ با آمریکا قرار داشته، ولی بعینت شرایط جامعه و ضرورت تودهها از آمریکا، بمناب دشمن اصلی شان، فزینکاراته نقاب فدا آمریکا بی پرچم زده است و طالب است که بدانیم ما یکل بودیم خصوصاً شورای امنیت ملی آمریکا در محاسبه با "تلویزیون سی.بی.اس" (CBS) آمریکا در رابطه با این افشاگریها و شرایط کنونی ایران میگوید: "در شرایط کنونی ایران، مشهور شدن بعنوان یک فرد متعادل به آمریکا چندان خوب نیست" و با این سخنان خود، بهتر از همه اپورتونیستهای وطنی ما، ماهیت واقعی شمارهای ضد امپریالیستی بران جمهوری اسلامی را آشکار میسازد. و اگر توجه کنیم که این سخنان حدود ۸ سال پس از استقرار این رژیم و تمام جنایات و زوایاها پیش بیان میگذرد بهتر میتوانیم به ضرورت شعیده بازیهای سردمداران دزدوریا کار جمهوری اسلامی در بدو روی کار آمدنشان پی ببریم.

لگژ ۸ سال پس از قیام و پس از همه فجایعی که جمهوری اسلامی بسیار آورده و پوچ بودن همه شمارهای پیش اثبات گردیده، باز هم فضای جامعه مملو از نفرت بر علیه امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی خلقهای ماست که آنها را مجبور میسازد روابط وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیسم را کتمان نموده و از مزدوران نشان بخواهند که

شمارهای ضد آمریکا میگردند. پس در فضای ملت به قیام، امپریالیستها به درستی شرایط را درک نموده بودند و در این زمینه از اپورتونیستهای وطنی ما نیز، "پیشروتر" بودند. چرا که با درک واقعیات جامعه ما رژیم مزدور خود را با نقاب "فدا امپریالیستی" به صحنه آورده و در مقابل تودهها به نمایش گذاشتند تا هم تودهها را بفریبند و هم اپورتونیستهای عقب مانده را به همگامی با تبلیغات ریاکارانه خود بکشانند.

بهر حال ۱۶ سال پس از رستاخیز سیا هکل و ۸ سال پس از قیام شکوهمند بهمن آنچه بروشنی اثبات گردیده، این امر است که تا سلطه امپریالیسم در مین ما برقرار است، چه شاه و چه خمینی و چه هر مزدور دیگری جز بگهای زنجیری در دست امپریالیستها برای حفاظت از منافع آنها در ایران نبوده و نیستند و انقلاب ما اکسر بخواهد واقعا پیروز گردد باید این

دشمن اصلی را که رزمندگان سیا هکل با آتش سلاحهای خود به آن اعلان جنگ دادند، و تودههای میلیونی در قیام بهمن آنرا زیر ضربات خردکننده خود گرفتند، آماج اصلی ضربات مرکبا خود قرار دهند و انقلاب پیروز نخواهد شد مگر با نابودی امپریالیسم و بگهای زنجیریش و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر. هدفی که تحقق آن به گواهی تجربیات مبارزاتی رزمندگان سیا هکل و تودههای میلیونی جز از طریق جنگ توده ای طولانی امکانپذیر نمیشود.

جاودان باد خاطره رزمندگان سیا هکل و شهدای قیام بهمن! مرگ بر امپریالیسم و بگهای زنجیریش! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان چریکهای فدائی خلق ایران ۶۵/۱۱/۱۹



گزارش کوتاهی از رویدادهای نبرد تاریخی سیا هکل

داده شده بود که دسته پارتیزانی هنگام عبور از مناطقی که در کره های آن مناطق رفقای بومی سکن داشتند با شهر تماس برقرار کند. "این هفته حدود ۵ ماه بطور مداوم براسر جنگلهای شمال، از شرق مازندران گرفته تا غرب گیلان را در بروردیده وضعیت اقتصادی - اجتماعی و وضعیت جغرافیائی منطقه را بطور علمی شناسائی کرد و خود را با شرایط سخت زندگی در کوه و جنگل، بسا راهبیمائی های طولانی و غیره، در تابستان و زمستان تطبیق داد" (۸). قرار بود بلافاصله پس از تکمیل شناسائی ابتدائی، که امکان تحرک حساب شده را به دسته کوهستان میداد، عملیات نظامی آغاز شود. این عملیات

چریکهای فدائی خلق ایران با تجزیه و تحلیل شرایط ایران به این نتیجه رسیده بودند که وظیفه هر گروه انقلابی آغاز مبارزه مسلحانه چه در شوره چه در روستاست. با این اعتقاد بود که چریکهای فدائی خلق دست اندرکار تدارک مبارزه چریکی در شوره روستا شدند. یک هفته مسلح چریکی سازمان داده شد، و این هفته به فرماندهی رفیق شهید علی اکبر صفائی فراهانی، رهسار جنگلهای شمال شد. در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۴۹ دسته ۶ نفری رزمندگان سیا هکل از دره "مکار" در نزدیکی چالوس حرکت خود را به سمت غرب آغاز کرد، قوارهای ارتباطی طوری سازمان

پای درآوردند .

رژیم مزدور شاه بلافاصله پس از حمله به پاسگاه سیا هکل هتیک ژاندارمری گیلان و تمام نیروهای پلیس و ارتش در منطقه را بسیج نمود و یک گردان ارتش نیز از یگان منجیل به منطقه اعزام شد تا رزمندگان سیا هکل را معرزه و سرکوب نماید . دشمن آنچنان نیروی عظیمی را وارد صحنه کرد که تصورش برای کسی مقدور نبود . سپهبدان و فرمانده ژاندارمری کل کشور شخصاً در سیا هکل ستاد عملیات را تشکیل داده و عملیات را رهبری میکرد . غلامرضا برادرشاه برای بازرسی و سرکشی به سیا هکل فرستاده شد ، بنا براین دشمن با تمرکز نیروی عظیمی کوشید تا دسته پارتیزانی را در همان آغاز حرکت نابود سازد .

رزمندگان سیا هکل پس از عملیه به پاسگاه سیا هکل به ارتفاعات جنوبی عقب نشینی کردند . از آنجا که رفیق هوشنگ تهری در جریان درگیری ها دستش تیر خورده بود ، فرمانده دسته



مقالی فراوانی فرمانده مبارزان سیا هکل

اعضای دسته کوه پس از یک درگیری مسلحانه با دشمن بوسیله نیروهای دشمن اسیر میگردد .
رفقائی که در ارتفاعات بودند با شنیدن صدای تیراندازی از واقعه مطلع میشوند و فوراً تصمیم میگیرند که طبق طرح قبلی حمله را شروع کنند تا در همان حال موجبات رهائی رفیق زندانی را نیز فراهم کرده باشند .
در شانگماه ۱۹ بهمن دسته پارتیزانی سیا هکل از مواضع خود

گزارش کوتاهی از ...

بعورت حمله به یک پاسگاه و خلع سلاح آن در نظر گرفته شده بود و رفقا میبایست پس از عملیات بدون درنگ منطقه را ترک کرده تا از عکس العمل احتمالی دشمن معون باشند .
مسائل مهمی از قبیل آشنائی و خو گرفتن با مناطق و معابر جنگلی و کوهستانی ، تهیه آذوقه ، تهیه ملزومات انفرادی و جمعی و غیره بتدریج حل گردید . بتدریج دسته پارتیزانی با پیوستن رفقائی از شهر به ۱۰ نفر افزایش یافت که از این عده یک نفر در جنگل مفقود گردید . در نتیجه دسته پارتیزانی با ۹ نفر به حرکت خود ادامه داد . و در دو برنام (دوماهه) و (یک ماه و نیمه) از دره چالوس تا منطقه خلخال در غرب گیلان ، و از دره چالوس تا منطقه رامیان واقع در شرق مازندران را شناختی کرده و بصورت پارتیزان هائی مقاوم و باتجربه آماده عمل گردیدند .



محمد رحیم سماهی

هادی بنده خدا لنگرودی

احمد فرهودی

محمد هادی فاضلی

عباس دانش بهزادی

اسماعیل محبی عراقی

رفیق صفائی به اتفاق چند رفیق به سوی روستای "چهل ستون" حرکت کردند تا امکانائی برای معالجه رفیق به دست آورند و بقیه رفقا نیز از آنجا که میخواستند از انبارک آذوقه واقع در قله "کاکو" استفاده کنند بسوی این انبارک حرکت نمودند ولی متأسفانه محل انبارک قبلاً توسط معلم دستگیر شده لورفته و منطبقه در محاصره نیروهای رژیم بود .

متأسفانه رفیق صفائی و رفقای همراهش به دلیل عدم رعایت مسائل امنیتی در روستای "چهل ستون" به وسیله روستائیان ناآگاه که از اهداف رزمندگان سیا هکل هنوز اطلاعی نداشتند دستگیر شدند و رفقائی هم که بسوی قله "کاکو" رفته بودند در محاصره دشمن قرار گرفتند و پس از ۴۸ ساعت نبرد قهرمانانه با قوای متمرکز دشمن ، و آنگاه که مهاجمان به پایان رسیده دینفرشان (رفقا مهدی

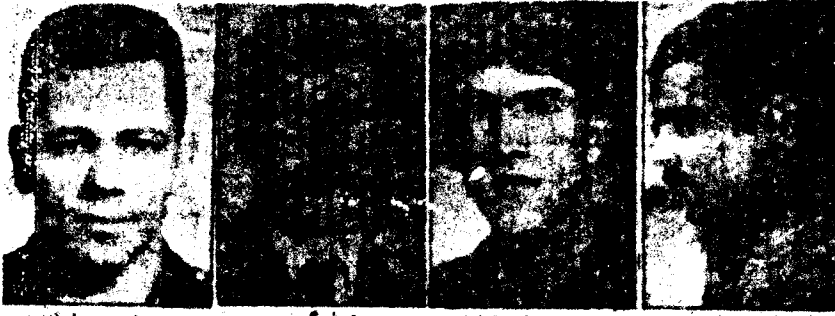
خارج شده و پس از تصاحب یک مینی بوس در جاده سیا هکل - لونک بسوی سیا هکل رفته ، پاسگاه ژاندارمری سیا هکل را مورد حمله قهرمانانه خود قرار دادند .

در این حمله تمام موجودی سلاحهای پاسگاه که عبارت از ۹ قبضه تفنگ برتو و مسلسل بود بنفع خلق مبادره گردید . در این عمل معاون پاسگاه سیا هکل و فرد دیگری که رئیس خانه ائمه سیا هکل بود کشته شدند و رفقا بدون دادن تلفات به ارتفاعات جنوبی عقب نشینی کردند . در ضمن رفیق زندانی در پاسگاه نبود و همراه رئیس پاسگاه به رشت منتقل گردیده بود .

از ۱۹ بهمن تا ۸ اسفند ۴۹ دسته پارتیزانی سیا هکل مورد حمله متمرکز نیروهای دشمن قرار گرفت . آنها دلبهرانه نبرد کردند و بیش از ۶۰ نفر افسر و درجه دار و سرباز دشمن را از

در ۱۳ بهمن رفقای شهر مورد یورش سازمان یافته و سراسری سازمان امنیت قرار گرفتند و عده ای از کادرهای سازمان دستگیر شدند در ۱۶ بهمن در جنگلهای سیا هکل (کوهستانهای دیلم) ارتباط رفقای شهر با دسته جنگل برقرار گردید و رفقای جنگل از ضربات وارده به سازمان مطلع گردیدند ولی هنوز نمیدانستند که رفیقی کس در کوهها به های سیا هکل معلم بود و محل انبارک آذوقه در آن منطقه را میدانست نیز لو رفته است در نتیجه برای نجات او از زیر ضربات ساواک رفیق شهید هادی بنده خدا لنگرودی از دسته پارتیزانی راه دهکده "شاغوزلات" فرستادند تا با معلم جوان دهکده ارتباط گرفته و او را از خطری که تهدیدش میکرد آگاه سازند . اما این رفیق دستگیر شده بود و خانه اش در محاصره مزدوران رژیم قرار داشت و در نتیجه رفیق هادی بنده خدا لنگرودی از

گزارش کوتاهی از ...



محمد علی مجدث فدایی هوشنگ تیری ناصر سلف دلیل فراهانی حلیل انفرادی

اسحاقی و رحیم سعادی (با دست زدن به عمل فدائی با انفجار نارنجک خودشان را با چندتن از عوامل دشمن نابود ساختند و دور فریق دیگر که رمقی در تن نداشتند به اسارت دشمنان درآمدند . یکی از رفقا توانست از محاصره خارج شود که چند روز بعد در ۸ اسفند در حوالی روستائی بطور نیمه جان و بیخ زده یافته شده و بدین ترتیب از این دسته کوچک پارتمیزی ۹ نفره کوه ۲ نفر به اسارت دشمن درآمدند و ۲ تن نیز در جنگل به شهادت رسیدند .

در نتیجه رفقای سیاهکل با عدم توجه به تحرک لازم در اینگونه شرایط و ماندن در منطقه محاصره شده بوسیله دشمن و عدم رعایت مسائل امنیتی در رابطه با توده های ناآگاه ، بوسیله مزدوران رژیم فریب خورده و دسته چریکی با شکست مواجه گردید . "ما شکست هسته چریکی بسنگ تصادف بود ، تصادفی کاملاً اجتناب پذیر . اما مبارزه انقلابی همیشه با نوعی ریسک (در لحظه نبود) همراه است و پیش آمدن چنین

تصادفهاشی هم طبیعی اند و هم اجتناب پذیر . بهر حال از همین تجربیات است که انقلابیون با پسند درس بگیرند و همین شکستها پندگانه پله های صعود به پیروزی خواهند شد . ما دیدیم که جنبش سیاهکل با آن عمر کوتاهش و با وجود شکستش ، به انقلابیون ، و به خلق چه شوری بخشید و چه امید داد ." (۱۱۱)

گرامی باد راه سرخ و پیروز منند ز زمیندگان سیاهکل !
زنده باد مبارزه مسلحانه کسبه تنها راه رسیدن به آزادی است !

(۱۱) و (۱۱۱) از مبارزه مسلحانه هم استراتژی وهم تاکتیک



غفور حسن پور اصل اسکندر رحیمی



شجاع الدین مشیدی محمد مهدی اسحاقی

"گوشه های از مصاف انقلاب و فدا انقلاب در روزهای قیام"

۲۰ بهمن ماه ۵۷ - "گسارده جاویدان" از ارتش امپریالیستی با تانکها و نفرات پیاده ، همافران انقلابی پادگان فرح آباد را محاصره میکند تا باطر همراهی و هنگامی با جنبش توده ها آنها را کوشالی دهد . همافران دست به مقاومت میزنند ، فدای شلیک گلوله ها توده های انقلابی راه پادگان فرح آباد میکشاند ، مردم در تدارک کمک و یاری بسهم همافران اند و همافران مقاومت میورزند ، غذا ، لباس و کمکهای داروئی مردم به همافران میرسد و مقاومت ادامه مییابد . ساعت ۷/۵ صبح تانکهای جدیدی برای سرکوبی وارد میشوند ، شعار "رهبران ما را مسلح کنید" جوانان و توده های جمع شده در اطراف پادگان را فرا میگيرد ، بالاخره مردم دیوار تانکها و گسارده



گوشه‌های آرزو

جاریان را می‌کشند و به همافران می‌پیوندند. همافران با تمسک و گنودن اسلحه خانه پادگان، جوانان و توده‌ها را مسلح می‌کنند. گلوله‌ها از عرسو برگاردها و پست‌ها باریدن می‌گیرد و سیل قیام در حال گسترش و جاری شدن است.

۲۱ بهمن ماه ۵۷ - راهپیمایی سازمان چریک‌های فدائی خلق از دانشگاه تهران به سمت پادگان فرح آباد جریان دارد. در جریان راهپیمایی اخبار درگیری همافران و کسارده جاریان هر لحظه اعلام می‌شود. چریک‌های فدائی مسلح بوار بموتور به صفوف راهپیمان نزدیک شده و مورد استقبال توده‌ها قرار می‌گیرند. راهپیمان به سمت پادگان فرح آباد حرکت می‌کنند، دسته‌دسته و گروه‌گروه از راهپیمان سیر به کمک همافران

می‌تابند. سیل روان می‌شود، توده‌ها به قیام کشیده می‌شوند. پادگان‌های دیگر و کلانتری‌ها، مراکز سرکشی و ساراک و شرکتها و موسسات امپریالیستی مورد پورش توده‌ها واقع می‌شوند و سنگرها ساخته می‌شود. سلاح‌های بدست آمده آموزش داده می‌شود، باز هم سلاح تازه مبادره می‌گردد. در هر گوشه‌ای از تهران انقلاب و هدا انقلاب مسلحانه درگیر می‌شوند. حتی زنان و مسردان سالن‌ها کوکتل می‌پازند، کمپسای داروشی می‌پازند، خلق بی‌حاشیه خشم و نفرت خود را در صدای گلوله‌ها و دودباروت متبلور می‌سازد، تمام‌شده جا را فرا می‌گیرد، به شهرستانها گسترش می‌یابد. تبریز، مشهد، رشت، مهاباد، سنندج، سقز، کرکان، ساری و غیره و غیره. درهمه جا توده‌ها به ارتش و پلیس و دیگر مراکز سرکشی امپریالیستی پورش بوده و آنها را محاصره می‌کنند و در بسیاری از جاها به خلق سلاح آنها موفق می‌شوند.

ارتش به دستور اربابان در اعلامیه‌ای که به تصویب شورای عالی ارتش آمریکائی رسیده است اعلام می‌کنند که: "بیطرفی در امور سیاسی و پشتیبانی از تمام خواستهای ملت را همیشه کرده است. خمینی مزدور و دارودسته‌اش با مینوی بوسها و بلندگوهای در خدمت گذاشته شده اعلام می‌کنند که: "امام دستور جهاد نداده است. اما، توده‌های انقلابی بکار قیام مشغولند. سیلاب آهن و آتش جاری است، رهبران مزدور گرچه محلی از اعراب ندارند ولی از تلاش باز نمی‌مانند.

۲۲ بهمن ماه ۵۷ - قیام مداوم می‌یابد. رادیو و تلویزیون بدست توانای خلق به‌مراه چریک‌های فدائی خلق تصرف می‌گردد. رفیق قاسم سیادت عضو کمیته مرکزی سازمان در راه پله‌های ساختمان رادیو به شهادت می‌رسد. در بنای خلق مسلح از رادیو تهران شنیده می‌شود: "این صدای

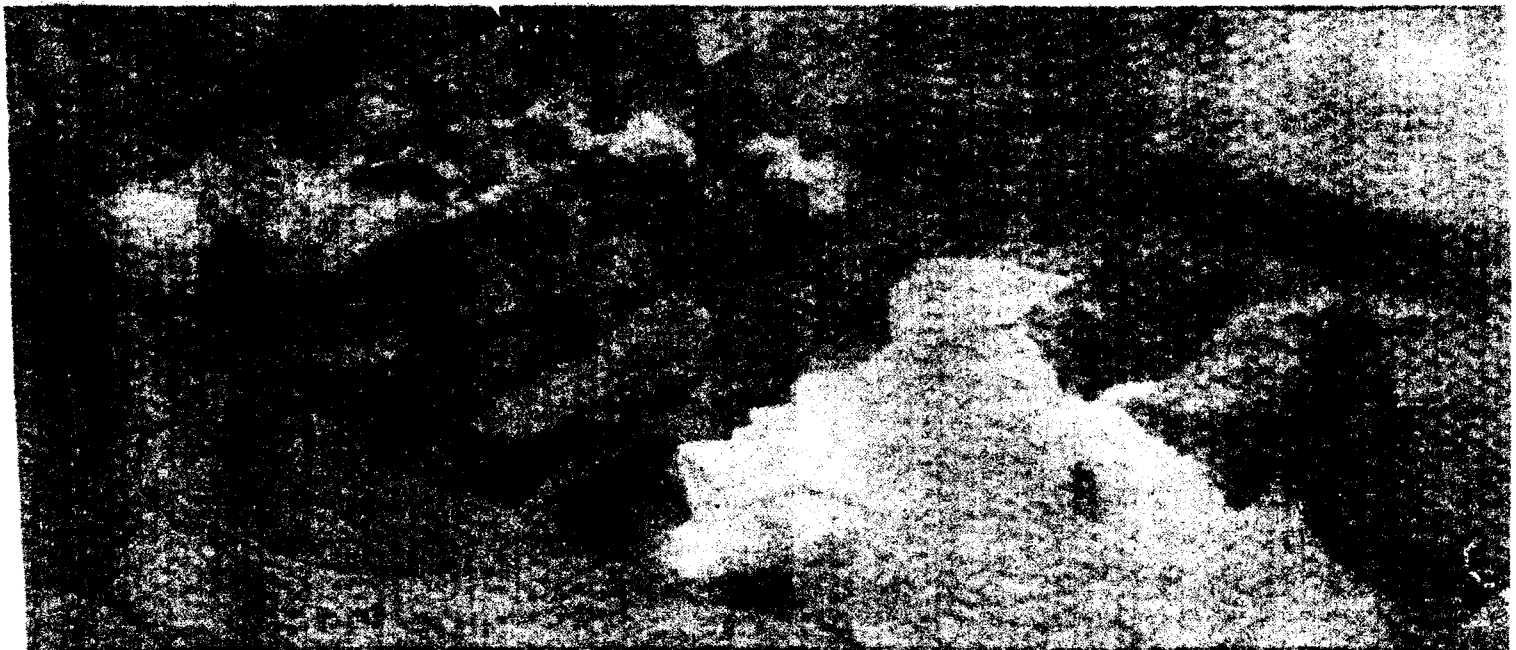
افراد نیروی هوایی با کمک گروه‌های مسلح مردم حلقه محاصره گارد را شکستند و آنها را عقب راندند

دهها مجروح زده و خورده در کیهان امروز

کیهان

تک شماره - ۱۵ ریال

شماره ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ - ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۹۹ - شماره ۱۰۶۳۴



اجساد گسرویی از کشته‌شدگان نبردهای خونین پادگان نیروی هوایی در سره‌خانه بیمارستان جرجانی فر عسکری دیده شده می‌شود.

"گوشه‌های از..."

راستین انقلاب ایران است. ولی ضد انقلاب تازه به قدرت رسیده قطب زاده مزدور را در همین روز سه سرپرستی رادیو و تلویزیون می‌کارد. خلق با یورش به زرادخانه‌های امپریالیستی همچنان بیشتر مسلح می‌شود. خمینی و دولت موقت در همین روز ندای شوم خلق سلاح توده‌ها را سر میدهند و بارها اعلام میدارند که: "مردم باید اسلحه را هر چه زودتر به ستاد موقت نخست وزیر دزدی در دبیرستان رفاه" تحویل دهند و با از مردم تقاضا میکنند که سلاحها را به "قراگاه کسل آیت الله خمینی" تحویل دهند، ولی توده‌ها ایجاد تشکل‌های مسلح، سلاحها را عمدتاً در دست خود نگه میدارند.

۲۳ بهمن ماه ۵۷ - مرکز ساواک سلطنت آباد بدست توانای توده‌ها گشوده میشود. بخشی از اسناد و مدارک جنایت آمیز آن بدست مردم و سازمانهای انقلابی می‌افتد. از جانب خمینی مزدور، بنی صدر در همین روز بعنوان مسئول جمع آوری سلاحها از توده‌ها و خلق سلاح سازمانهای سیاسی تعیین میگردد.

زندان اوین، این شکنجه‌گاه ساواک در همین روز به وسیله خلق مسلح تسخیر میگردد و بدینگونه توده‌های مسلح یکی از مراکز ساواک شاه را آماج ضربات خود قرار میدهند. بمنظور فریب مردم در همین روز بختیار ظاهرا دستگیر میشود تا بعداً به کمک بازگان بگریزد و بدینگونه طنز تاریخی "بختیار از مرز بازگان گذشته" شکل گرفت.

۲۴ بهمن ماه ۵۷ - توده‌های مسلح در تپو تاب‌اند و کارها و اقدامات خود را کامل احساس نمیکنند. خمینی مهره جدید امپریالیسم، در فتوای دیگر میگوید: "با ایتتمام اسلحه‌هایی که در دست مردم است جمع شود".

شورای محلات، ثوراهای کارگری، تشکلهای دفاعی مسلح در مقیاس وسیعی شکل میگیرند.

۲۵ بهمن ماه ۵۷ - سفارت آمریکا توسط توده‌ها به همراهی چریکهای فدائی

سربازان، درجه‌داران، پرسنل انقلابی ارتش!

اکنون بیش از ۶ سال از جنگ ارتجاعی و خانمان برانداز ایران و عراق میگذرد. اکنون بیش از ۶ سال از جنایات بیشماری که امپریالیستها در میداهای مرگ و نیستی این جنگ، در حق خلقهای ستمدیده ایران و عراق برآه انداخته‌اند سپری شده است و به دنبال والفجرها، بدرها، خیبرها اخیر نیز با شعله و تر شدن آتش نا بود کننده آن در کربلاهای ۲ و ۵ و ۶، دیکر بار دهها هزار تن از جوانان و مردم بیگناه قربانی منافع و مظاهر سرمایه‌داران و کمپانیهای بین‌المللی‌ای شده‌اند که جیب خود را با فروش سلاحهای مرگبارشان به دولتتین ایران و عراق پر میکنند. پس از ۶ سال شما دیگر اکنون بخوبی دریافته‌اید که این جنگ ارتجاعی هیچگونه نفعی برای توده‌های زحمتکش و محروم ایران و عراق ندارد. شما دریافته‌اید که جنگ "حق علیه باطل" یا "اسلام علیه کفر" یک دروغ است. این جنگ، جنگی است امپریالیستی که تنها و تنها توسط امپریالیستها و بوسیله مزدوران در جهت منافع و اهدافشان در منطقه، سازماندهی شده و در هر مرحله با قصابی و قتل عام هزاران تن از زحمتکشان، جوانان و دانش‌آموزان تداوم مییابد و این در حالیست که سردمداران پست و جنایتکار جمهوری اسلامی شما را فریبکارانه به اسم اسلام و بهشت، تشویق به قربانی شدن در قربانگاههای این جنگ بی سرانجام میکنند تا از برکت مکیدن خونتان کیسه سیری نا پذیر خود و اربابان‌شان را انباشته‌تر سازد.

پس وظیفه شماست که بر علیه این جنگ جنایتکارانه و غیر عادلانه بپا خیزید! متحد و یکپارچه از رفتن به جبهه‌های مرگ خودداری کنید و با تترک جبهه‌ها، آدمکشان جمهوری اسلامی ضد خلقی را در رسیدن به اهداف پلید خویش ناکام سازید. در هر کجا که میتوانید به تخریب و انهدام و ضربه زدن به ماشین جنگ و کشتار جمهوری اسلامی بپردازید. از شرکت در این جنگ ضد خلقی و ویرانگر خودداری ورزید. لوله تفنگهایتان را بسوی امپریالیسم و یک زنجیرش یعنی حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی نشانه روید و به مقوف جنگ عادلانه و رها شیبخش خلق بر علیه امپریالیسم و مزدوران‌ش بپیوندید.

بیشک اتحاد و یکپارچگی شما و عزم و اراده‌تان در پیشبرد این وظایف انقلابی نقش بس موشری در نابودی این جنگ امپریالیستی و مجریسان و ترتیب دهنده‌گان آن یعنی امپریالیستها و آدمکشان جلا د و وابسته جمهوری اسلامی و نیل به آزادی از سلطه غارتگران و رهائی مردم ایران از این بدبختی و فلاکت ایفاء خواهد کرد.

مرگ بر امپریالیسم و سکهای زنجیرش!
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران و عراق!

هما فران و انقلابیون جریان عمیما بعد. در این تظاهرات شعار داده میشود: "توبه فرماندهان یک حیلہ جدید است - کشتار خلق تبریز خود بهترین دلیل است". و با "کشته ندادیم که سازش کنیم - امیر ارتش را سوازش کنیم". بدین ترتیب بخشی از خلق آگاه نشان میدهد که، هم جهت اصلی ضربه انقلابی خود را میدانند و هم برای خلق، انقلاب هنوز پایان نیافته است.

خلق مورد یورش و تسخیر قرار میگیرند. ویلها م سولیهوان سفیر آمریکا و ۷۰ تن دیگر بدست مردم اسیر میشوند، ولی بزدی، توسلی و ماثا الله قصاب از جانب مزدوران جدید امپریالیسم به دفاع از سفارت آمریکا و افراد دستگیر شده میپردازند و تلاشهای بسیار آنها رانجات میدهند.

۲۷ بهمن ماه ۵۷ - یک راهپیمایی علیه اشتباهای مهره‌های سرسپرده ارتش با شرکت بخشی از مردم،



پیش بسوی سازماندهی هسته‌های سیاسی نظامی در شهرها

"خط مشی"

میدانیم ، میدانیم
که روز
دردل تیرگی
وبهار
در زمهریز
نطفه میبندد
میدانیم که شک
در بسترتلاش
به یقین میرسد
و آفتاب
از افق تیرگی
سرمیزند
و آزادی
با اولین شلیک
آغاز میشود.
میدانیم ، میدانیم
آغازی این چنین را
با سنگفرش کوچه ها مان
سنگر
و با طناب دار دژخیمان
فلاخن میسازیم
ما رانه درین بی درنگ میکشاند
ونه حسرتی به پاس
جاری شدیم و میدانیم
آزادی
نه جلوه ایست قریبا
رویائی نیست
این سرزمین موعود
خواستگا هست
که با شلیک گلوله ها پیمان
آغاز میشود.
و پیش از این
آغازی این چنین را
پویا نها و مسعودها و حمیدها
براین پهنه تا ختنند
که ستاره وجودشان نه
که آفتاب هستی شان
برجاده های عبور
شب را به اختفای رگشانداده است
دیدند و خواندند و رانند
برهوج قبیله تا تار
جاری شدند و بتناوب
ما را به صبح روشن فردا
پیوند داده اند.
شلیک کن رفیق
با فلاخن ، با تفنگ
حتی با واژه ها
تفرت را برسینه استعمارگر
شلیک کن
که گرازهای مزوعه

از چهارول خویش آگاهند

ما را هزار خاطره
از عاشقان خطه آزادی
درجاده های سخت رسیدن
نوریست را هیر
ما را اراده ایست سترگ
عزمی است که از ستاره جنگل گرفته ایم
ما از غریب و صامت خلق اسپرمان
ایمان بسراه مان
ما از خروش تندتر جنگل
نور عبورمان
ما در صدای سوخ گلوله
راه رهایی مان را
دیدیم
دیگر نه ، برمدار سخن نیست
ما را مسلسلی ایست
گویا ترا ز کلام
دیگر نه حتی -
نه دریائی از کلام
نه کتایی از اخلاق
نه مصیبت نامه استعمارمان
ونه صبر
که رهایی -
دروگیا را مسلسل مان چار بست
میدانیم
براین عبور
خوشین ترین حماسه
از جنگل سپاه کل
تا لحظه رهایی
تا صبح روشن فردا
جای پای استواری و ایمان
بر بزرگ برگر صفحه تاریخ
راه عبورمان را
هموار میکند
شلیک کن رفیق
ما را مسلسلی است
گویا ترا ز کلام.

از صفحه ۲۵

کنترل و هدایت جنگ...

مقابل این دسیسه امپریالیستها و رژیم مزدور خمینی مقاومت و رزند و جنبش ضد جنگ را هر چه بیشتر قدرت و فزونی بخشیده و صدای اعتراض خود را هر چه رساتر سازند و فعالانه در جنگ انقلابی که مدتهاست در میهن ما بر علیه امپریالیسم و مگرهای زنجیرش جریان دارد شرکت کنند. و از هر طریق ممکن و شیوه های کار ساز بدان باری رسانند. این وظیفه کارگران و زحمتکشان است که با کمترین مبارزات خود بر علیه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی بار این جنگ انقلابی و عادلانه را بر علیه جنگ ارتجاعی و امپریالیستی بسدوش کنند. و بویژه کارگران ما باید آماده شوند تا رهبری این مبارزات را از اعتراضهای محدود و محلی بر علیه جنگ گرفته، تا رهبری جنگ انقلابی بر علیه سلطه امپریالیستی در دستهای توانای خود گیرند. و این وظیفه پرسنل انقلابی و آگاه ارتش است که لوله تفنگهای خود را به سمت این رژیم مزدور برگردانند و با پیوستن به صفوف نیروهای انقلابی و بویژه چریکهای فدائی خلق ایران به تقویت صفوف انقلاب ضد امپریالیستی خود بپردازند.

مرکز جنگ امپریالیستی ایران و عراق
زنده باد جنگ عادلانه
تا بودیاد جنگ غیرت عادلانه

رفقای هوادار!

بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی هر چه فعالانه تر بیا خیزید. صفوف خود را متشکل نموده و با ایجاد هسته های سیاسی - نظامی این رژیم ددمنش را آماج ضربات مرگبار خود قرار دهید.

از صفحه ۱

"اعتراف به وابستگی اقتصاد ایران

به امپریالیسم

برای توجیه یورش جدید به توده‌ها"

رژیم مزدور چپ اسلامی هر کجا که می‌خواهد فشار را بر توده‌ها فزونی بخشد و بار بحران عمیق اقتصادی و جنگ ارتجاعی را هر چه بیشتر بر دوش توده‌ها سرشکن سازد، از احساسات ضد امپریالیستی توده‌ها استفاده کرده و با اعتراف به وابستگی اقتصاد کشور و ایجاب چشم‌انداز باصلاح استقلال‌و خودکفائی، می‌کوشد توده‌ها را فریب داده و آنها را برای تحمل فقر و فلاکت و بیکاری نظام سرمایه‌داری وابسته آماده ساخته و ضمن انداختن بار همه بدبختی‌های مردم بردوش اقتصاد وابسته، نقش ضد خلقی خود را در حفظ و حراست این اقتصاد پنهان سازد و از آنجا که به نفرت توده‌ها نسبت به رژیم آگاه است؛ می‌کوشد رباکارانه ایده‌ها و شعارهای درست را از محتوا خالی ساخته و توده‌ها را نسبت به آنها بی تفاوت سازد.

آخوندهائی که میگفتند ما برای خریزه و اقتصاد انقلاب نگرده‌ایم، هر کجا در تنگنا قرار می‌گیرند، بجای حواله دادن مصیبت و بدبختی توده‌ها بهمان "رژیم اسلامی" که از قرار آنها برایش مثلا "انقلاب" کرده‌اند، بیاد اقتصاد می‌افتند و فراموش میکنند که قبلا گفته بودند "اقتصاد مال خیر است!" و به این طریق با توسل به بخشی از واقعیت، به کتمان تمامی واقعیت می‌نشینند.

در این میان سخنان بهزاد نبوی در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران که به تحلیل باصطلاح "شرایط نوین اقتصادی" ایران پرداخته است قابل تعمیق و بررسی است. وزیر صنایع سنگین رژیم از زاویه منافع جمهوری اسلامی که در بالا توضیح داده شد، ضمن بررسی اوضاع اقتصادی کشور، به وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیستها اذعان نموده و می‌کوشد با فریب افکار عمومی، نقش خود و همپالکی‌هایش را در حفظ و حراست از این وابستگی - با بقول خودش این امانت به ارت رسیده آژانه - لاپوشانی نماید. این مزدور که گویا فراموش کرده است ۷ سال است جمهوری اسلامی با هیا هوهای باصلاح ضد امپریالیستی اش

از "خودکفائی صنعتی" و "عدم وابستگی" دم می‌زنند حال با سقوط قیمت نفت و تشدید ورشکستگی اقتصادی رژیم برای تأکید بر "تغییر الگوی مصرف" به وابستگی اقتصاد ایران اذعان می‌نمایند و البته از زاویه محدود و مورد نیاز خودش، تا شرایط را برای ریاضت‌کشی هر چه بیشتر توده‌ها آماده سازد.

بهزاد نبوی با گفتن اینکه: "مردم ما ظرفیت تحمل و پذیرش واقعیتها را بیش از بعضی از مسئولین دارند و باید ما مسئولین باشیم که جرئت بیان حقایق را نداریم و نیز اینکه مردم از شنیدن این حقایق هراسی به دل راه نمی‌دهند و ما مسئولین بیشتر از آنها نگران هستیم" (اطلاعات دهم دیماه ۱۳۶۵ سخنرانی بهزاد نبوی در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران) توده‌ها را آماده می‌سازد تا مشکلات موجود را نه ناشی از سرسپردگی جمهوری اسلامی به امپریالیسم که ناشی از عزم راسخ دولت به قطع وابستگی از امپریالیسم تلقی نمایند. بهزاد نبوی سپس باصطلاح تحلیلش از "شرایط نوین اقتصادی" را با مسئله کاهش ارزش قیمت نفت آغاز کرده و بروشنی اعتراف نمود که چگونه مسئولین جمهوری اسلامی چوب‌حراج به ذخائر نفتی ایران زده و آنرا حتی تا بشکای ۵ تا ۶ دلار فروخته‌اند؛ و از آنجا که "شرایط نوین اقتصادی" از نظر این خائن خودفروخته همانا تاثيرات کاهش قیمت نفت در اقتصاد کشور میباشد

سخنانش را اینچنین آغاز میکند: "میدانید که این شرایط پس از سقوط ناگهانی بهای نفت از حدود ۲۸ دلار رسمی و ۲۶ و ۲۵ دلار غیررسمی (در هریسکه) به ۱۴ دلار تا ۱۵ دلار و سپس به حدود ۵ تا ۶ دلار شروع شد؟ البته لازم به توضیح نیست که این باصطلاح "شرایط نوین اقتصادی" مورد نظر بهزاد نبوی ناشی از بحران عمومی سرمایه‌داری است که بنوبه خود و با توجه به اینکه نفت در اقتصاد وابسته ایران نقش درجه اولی را بازی میکند، تاثيرات تعیین کننده‌ای را بر اقتصاد ایران وارد میکند و از آنجا

که ایران بعنوان جزئی ارگانیک از نظام امپریالیستی است نه تنها نمیتواند از تاثيرات مخرب آن بی بهره بماند بلکه بار بیشتر آنرا باید بردوش کند. نبوی در ادامه صحبتهايش پرسه عامل در زمینه مشکلات ارزی که در بخش صنایع تاثيرات مخربی داشته انگشت می‌گذارد و آنها را چنین فرمولبندی میکند:

۱ - کاهش ارزش قیمت نفت که با لطمه باعث کاهش درآمدهای دولت گردید.

۲ - فروش نفت به دلار و از آنجا شیکه بقول نبوی "ارزش دلار تابع یکسری بازیهای سیاسی است و در کارتلها و تراستهاى دنیا تعیین گرفته میشود بهای دلار عرض ۶ماه حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد نسبت به سایر ارزها افت داشته است" که این امر نیز خود به کاهش هر چه بیشتر درآمدهای ارزی دولت منجر گردیده است.

۳ - فشار بیش از پیش صدام به مناطق و مراکز اقتصادی ما که به قصد جلوگیری از تولید و صدور نفت انجام شد.

بر اساس گفته‌های بهزاد نبوی سه عامل فوق درآمدهای ارزی کشور - که تکیه عمده آن بر فروش نفت میباشد - را شدیداً کاهش داده و باعث کاهش شدید تولید ناخالص ملی گشته است. بنا براین در شرایطی که درآمد اصلی کشور از ارز حاصل از فروش نفت نیست تامین می‌گردد و از آنجا شیکه ارز حاصل از فروش نفت با دلار تعیین میشود و بهای دلار نیز "تابع یکسری بازیهای سیاسی در سطح جهانی است" که بقول بهزاد نبوی در کارتلها و تراستها روی آن تصمیم گرفته میشود، در نتیجه با هر "بازی" این انحصارات امپریالیستی اقتصاد وابسته ایران شدیداً تکان خورده و بهمین دلیل نیز همانطور که خود نبوی منکر این امر نمیشود؛ بطورکلی نه تنها صنایع ایران بلکه کشاورزی و سایر امور اقتصادی نیز به تبعیت از این وابستگی دچار همان بی‌نظمی‌هایی میگردد که حتی باعث "فقدان" آقبای نبوی گشته است.

در رابطه با دامداری و کشاورزی نیز او ضمن اعتراف به وابستگی این حوزه‌ها، مسئله را چنین فرمولبندی میکند: "دامداری هم در این کشور وابسته است چون تمام خوراک دام، علوفه و خوراک طیور از خارج می‌آید و حتی مرغ لاین و کاو را هم از خارج می‌آوریم" وی در اینمورد تا آنجا پیش میرود که اعتراف میکند در زمینه دامداری جنگ تا چه حد باعث تشدید

"اعتراف به وابستگی اقتصاد ایران به

وابستگی کشور به انحصارات امپریالیستی کشته است. نبوی در این زمینه در سخنرانی میگوید: "اخیرا بفاظسز کمبود گازوئیل نیز صنعت مرعداری به خارج وابسته شده است و اگر گازوئیل نباشد معلوم نیست وضع مرعداری چه میشود. یعنی خیالمان از این بابت هم راحت نیست اگر روزی نفت نبود، مرغها را که قند میکنند، سرشان را میبریم و میخوریم (خنده حاضر)."

اما مسئله وابستگی در سخنان بهزاد نبوی بهمین جا ختم نمیشود و بد نیست سایر سخنان او را در زمینه کشاورزی نیز بشنویم: "گندم هم کودشیمیائی اش از خارج وارد میشود، وابستگی تراکتور و موتورهای آب به قطعات و گازوئیل هم هست. نبوی در این مورد حتی بیستهای سردمداران رژیم در زمینه دادن جواژی از قبیل واقت نیمان به کشاورزان با مطلاع نمونه را با تاکید بر اینکه قصد انتقاد ندارد به باد استهزاء میگردد و میگوید که خود همین سیاستست نیز نه تنها باعث خودکفائی نمیکود بلکه باعث تشدید وابستگی رژیم به امپریالیسم میگردد و بدین ترتیب آب پاک نبوی دست همپالکیهایش ریخته و بی پایه بودن گوشهای ادعائی آنها برای خودکفائی کشاورزی را آشکار میسازد. او در این زمینه میگوید: "دو سه سال است که به کشاورزان هم جواژی میدهند که همایش وابستگی است به کشاورز واقت نیمان میدهند که از خارج میآید و من فکر میکنم که اگر روزی کشاورزان بخواهند ده میلیون تن گندم بفرروشند باید چند کارخانه خودروسازی هم بیاوریم. منظورم در زمینه اثبات وابستگی غنی در مورد گندم است." و البته منظور نبوی در متن زمینه سازی برای جلوگیری از دادن همین واقتهای نیمان نیز هست چراکه براساس "تغییر الگوی معرف" ادعائی رژیم، کشاورز چه نیازی به واقت نیمان دارد؟! از واقعیت چگونگی دادن همین واقتهای نیمان آنهم به چه کسانی و چه شیوه ای که بگذریم، منظور آقای نبوی را وقتی بهتر درک میکنیم که در انتقاد به زمان شاه وقتها نسه میگوید: "حتی کارگر ساختمانی ما

سیگار و بنستون دود میکرد چلوکیاب میخورد" بنا بر این برای مزدوری که انتقادش به الگوی مصرف زمان شاه، چلوکیاب خوردن کارگران ساختمانی است، نباید انتظار داشت که از دادن واقتهای نیمان دل خوشی داشته باشد. پیام نبوی به توده های محروم ما، نه خوردن چلوکیاب و داشتن واقت نیمان، که دست و پا زدن در فقر و بدبختی و فلاکت و بیچارگی است.

و بالاخره بهزاد نبوی با مراعات تمام وابستگی را به تمامی زمینه ها گسترش داده و چنین توضیح میدهد: "در هیچ زمینه و محصولی نمیتوان گفت مدد در عدم وابستگی در کشاورزی وجود دارد صنعت هم که هنوز مظهر وابستگی است. تجارت هم که ذاتا وابسته است، تاجر جنس را باید از خارج بیاورد." و سپس اینچنین سخنان خود را جمع بندی میکند: "ما از گذشته اقتصاد وابسته ای داشته ایم و این امانت را حفظ کرده ایم" این جمع بندی با هر انگیزه ای که طرح شده باشد، بیانگر واقعیت وجودی جمهوری اسلامی است که در سخنرانی نبوی مطرح میشود تا بوسیله ای برای فشار هر چه بیشتر به توده ها تبدیل گردد. برآستی هم جمهوری اسلامی وارث نظام وابسته به امپریالیسم شاهنشاهی است و حقا تمامی کوشش او در این سالها نیز در راستای حفظ و میانتاز آن و ترمیم ضربات ناشی از مبارزات توده ها به این دستگاه بوده است. چراکه علی رغم هیاهو و شعارهای بظاهر ضد امپریالیستی جهت فریب توده ها اتفاقا جمهوری اسلامی بارگیری جدید امپریالیسم برای حفظ همین اقتصاد وابسته و رشد و گسترش هر چه بیشتر این وابستگی به نظام جهانی امپریالیستی بود.

در خاتمه سخنرانی، نبوی مزدور برای تبلیغات هم که شده، هیچگونه طرح و برنامه ای برای رهائی از این وضعیت ارائه نمیدهد بلکه با وقاحت تمام، همپالکیهايش را دلداری میدهد و میگوید: "حال مسایل موفقیت آمیز را تشریح کنم که فکر نکنید وضع خیلی خراب است" او ضمن برشمردن خدمات صنایع در تامین نیازهای با مطلاع

دفاعی کشور میگوید: "به اولویست جنگ بهای خاصی داده شده و در نا لجاری ۱۵ تا ۱۶ میلیارد تومان قرارداد تولید با بخش دفاعی منعقد شده است" بلکه واقعا هم اینها باید جز افتخارات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نوشت. رژیمی که در جهت منافع امپریالیستها ایران را به عرصه جنگی چنین ویرانگر تبدیل کرده است باید هم در انعقاد قراردادی چنین کراف در این زمینه برخورد ببالد.

نبوی خاشن با نیمان داغستن چهره اصلی محنه گردان این جنگ یعنی آمریکا از چشم توده ها، قصد دارد تدارم جنگ و سوما به گذاریهای کلان در این زمینه را جدا از وابستگی جا بزند. مثل اینکه کالاهای مورد نیاز جبهه ها در همین صنایع وابسته ساخته نمیشود!! پیام نبوی بدینوسیله به همپالکیهایش جز این نیست که شما "سراداران" نگران کاهش درآمد ارز حاصل از فروش نفت نباشید!! نگران باشید که کشاورزی و دامداری نباشید!! که بفکر سود حاصل از اینهمه سوما به گذاریهای کلان در امر جنگ باشید. جنگی که به نفع امپریالیستهاست و سودآوریش نیز از هر جهت در شرایط بحران کنونی سرمایه داری بیش از هر رشته دیگر است.

پس بیایید هر چه بیشتر بر طبل جنگ بکوبیم و از این فرصت گرانبها بهره جسته و سودهای نجومی از سرمایه گذاری در این امر ببریم. و به اعتبار فقر و فلاکت توده ها جبهه های خود را پسر سازیم و زیر پوشش "ارتش شاه" بورش جدیدی به حداقل ما بحتاج توده ها را سازمان دهیم.

دو خاتمه لازم است نکاتی را در مورد سخنرانی بهزاد نبوی و رژیم صنایع سنگین رژیم که بقول خودش قدیمی ترین عضو کابینه میباشد را یادآوری کنیم:

در اینکه نظام اقتصادی-اجتماعی حاکم بر کشور سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میباشد و این نظام کشور را به جزئی ارکانیک از نظام امپریالیستی جهانی تبدیل نموده تنگی نیست و اتفاقا همین واقعیت وظیفه انقلابیون را در جهت دادن به مبارزات توده ها برای نابودی طبقه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته تعیین میکند. ولی تبلیغات رباکارانه

"اعتراف به وابستگی اقتصاد ایران به"

سردمداران رژیم همچون بهزاد نبوی در مورد وابستگی از چند زاویه بایده مورد دقت انقلابیون قرار گیرد.

اولاً: این مزدوران با تاکید بر وابسته بودن اقتصاد کشور با امپریالیسم، میکوشند درکی سطحی از وابستگی رابه توده ها القاء نموده و بر این اساس وابستگی سیاسی جمهوری اسلامی به امپریالیستها را کتمان نمایند. در حالیکه وقتی ما از وابستگی به امپریالیسم سخن میگوئیم، به مفهوم این اشتباه که ایران به جزئی ارگانیک از نظام امپریالیستی تبدیل گردیده و هر رژیمی هم این اقتصاد وابسته را حفظ و ضایع نکند جز رژیمی وابسته به امپریالیسم نمیباشد و رژیم خمینی هم بعینه نشان داده است که جز در جهت حفظ و حراست این نظام و دستگاه دولتی اش کار دیگری نکرده و در عمل ثابت نموده که جز یک زنجیر امپریالیسم نمیباشد.

ثانیاً: رژیم با تاکید بر وابستگی اقتصاد میخواهد بار همه معاشب و مشکلات کشور را از دوش خود برداشته و نقش ارتجاعی خود را در حفظ همین اقتصاد وابسته پس از ۷ سال حاکمیت ننکین و نقش جنگ امپریالیستی را در تشدید اوضاع بحرانی کنونی لایوشانی کرده و فقر و فلاکت توده ها را از دیدی محدود ناشی از سقوط قیمت نفت - که آنهم از اراده او خارج است - جلوه دهد. در حالیکه این رژیم برای تخفیف بحرانهای امپریالیستها مجری سیاستهای ارتجاعی آنها در زمینه جنگ و نفت و غیره است.

ثالثاً: با تاکید بر وابستگی منابع و اقتصاد کشور زیر پوشش شعارهای دروغین همچون "استقلال" و "خودکفائی" و "تغییر خط تولید" و ... به اخراجات وسیع کارگری و تشدید آخذهای گوناگون از توده ها مشروعیت بخشد.

رابعاً: با تکیه بر "تغییر الگوی مصرف" در "شرایط نوین اقتصادی"، توده های ما را از همین حداقل ما بحتاج زندگی نیز محروم ساخته و ضمن مخفی ساختن پوسیدگی و گندیدگی نظام موجود از انظار توده ها، آنها را برای ریاضت کشیها و محرومیت های بیشتر آماده سازد و در حقیقت پرورش جدیدی به حداقل ما بحتاج آنها وارد

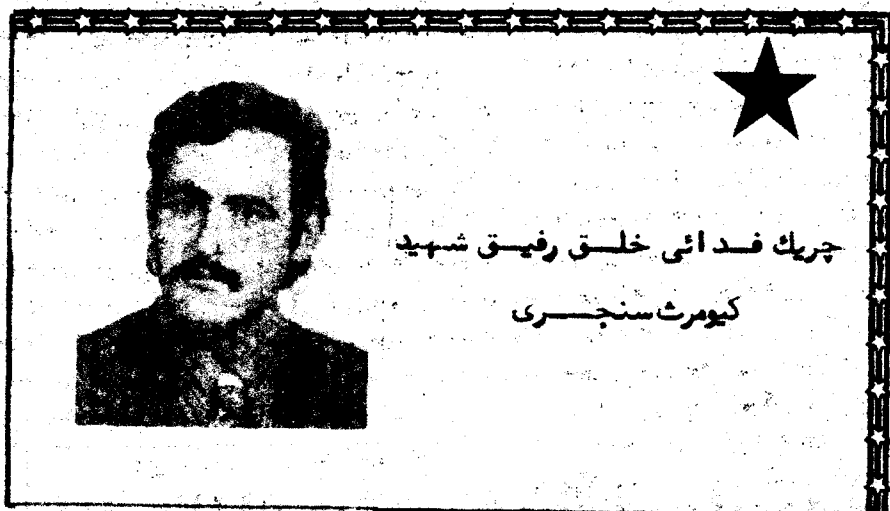
آورده و همین زندگی بخور و نمیر را نیز بر آنها سپاه تر سازد.

خامساً: از آنجا که یکسری از شیوه های جمهوری اسلامی استفاده از مفاهیم انقلابی برای تپه ساختن آنها از مضمون انقلابیستان میباشد؛ با تکیه بر واقعیت وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیستها و تمرکز تبلیغات بر روی آن، این رژیم به خیال خود میکوشد با استفاده از این مفاهیم و شعارهای انقلابی بقول خودش انقلابیون را خلع سلاح نموده و از آنجا که به نفرت وسیع توده ها نسبت به خودش آگاه است تلاش دارد تا با تاکید بر آنها توده ها را نسبت به این شعارها و مفاهیم، بی تفاوت و منزجر سازد تا در عین حال زمینه برای اشاعه عایدیه های ارتجاعی ای چون: "اگر خلاصی از اقتصاد وابسته به مفهوم گرسنگی، فقر و فلاکت میباشد؛ بهتر است همان وابستگی حفظ گردد"، در میان توده ها آماده گشته و شرایط برای مانورهای آینده اربابانش مهیا گردد.

این وضعیت بخصوص مسئولیت سنگینی را بر دوش کمونیستها میگذارد تا ضمن انشای پیکر این اهداف ارتجاعی و پالایش افکار توده ها از تاثیرات تبلیغات زهر آکین رژیم، خلقهای قهرمان ایران را که سالهاست یکی از سخت ترین شرایط زندگی و تحت سلطه یکی از سیاهترین استبدادها زندگی میکنند، به تنها پاسخ انقلابی به سیاستهای رژیم یعنی مبارزه بوی سرنگونی این رژیم مزدور و قطع قطعی سلطه امپریالیسم هدایت کنند.

معاشب و بدبختیهای موجود پرورشی گندیدگی نظام حاکم را ثابت نموده و زاه بیرون رفت از این بحران و فلاکت را در مقابل ما قرار میدهد و اینراه جز انقلاب برای نابودی این نظام و برقراری نظام اقتصادی - اجتماعی نوین نمیباشد. نظامی که در آن از فقر و فلاکت و استعمار و آوارگی و از جنگ ارتجاعی و سرکوب و اختناق خبری نباشد و این انقلاب، جز انقلاب دمکراتیک نوین برای گذار به سوسیالیسم هیچ نام دیگری ندارد. انقلابی که وحشت براندام پوسیده و فرتوت رژیم انداخته و آنرا مجبور ساخته است که به وحشیانه ترین شکلی و با دستاویز قرار دادن هر مسئله ای به مقابله بنا آن برخیزد.

واقعیت های موجود، خلقهای ایران و طبقه کارگر قهرمان کشورمان را در مقابل یک دو راهی قرار داده است: یا زندگی در زیر سلطه سپاه نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم که هر روزه همه نتایج و "مزایا" پیش را با پوست و گوشت لمس میکنند و یا زندگی در نظامی نوین، نظامی که با قطع وابستگی به امپریالیسم و نابودی سرمایه داری وابسته، راه را برای نابودی هرگونه استعمار انسان از انسان هموار میسازد و برای رسیدن به آن هیچ راهی جز انقلاب خونین بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش وجود نداشته و ندارد. با هر یک تدریجی توأم با رنج و مرارت و با انقلاب برای رهائی، کفویتها همه زحمتکاران و توده های ستمدیده را به گام گذاردن در راه انقلاب دعوت میکنند. راهی که رنجایش بمراتب از زندگی در نظام موجود کمتر و ضعیفتر میباشد.



چریک فدائی خلق رفیق شهید

کیومرث سنجری

سازشکاران و مضحکه تسخیر سفارت امریکا

این زمینه موضع گرفت که: "اما وقتی لانه جاسوسان امریکائی تسخیر شد از گوشه و کنار شنیدیم که برخی به ورود تمام عیار ما به صحنه و بویژه آمادگی نظامی در حمایت از خطوط فدائیمهرالیستی امام ابراد گرفته‌اند و مثلا بمسأ می‌گفتند: ... آیا این جریان بیک نقشه مثلا برای تحت‌الشعاع قرار دادن امر خطیر قانون اساسی نیست؟ و ما با زهم پاسخ داده و می‌دهیم که: ... اگر اقدامی درست و اصولی است باید به آن ارج گذاشت، همچنین اگر فرد یا گروهی در یک نیت و با عمل خیر بر ما پیشی جست از قضا ما باید بخاطر این پسندنازی و سبقت‌آوری او را دوچندان تقدیر کنیم..." [نشریه مجاهد شماره ۱۰ دوشنبه ۲۱ آبانماه ۵۸ مقاله مسئولیت شورای انقلاب]

و در این زمینه برای "تقدیر از" پیشتازی "دانشجویان پیرو خط امام" و "خطوط فدائیمهرالیستی امام" به دانش‌آموزان رهنمود دادند که: "گروهی از دانشجویان قهرمان موفق به تسخیر سفارت امریکا یعنی مرکز توطئه و فساد و طرح نقشه‌های شوم ... شدند... با توجه به لزوم حمایت هر چه بیشتر از بزرگواران و خواهشانی که در داخل سفارت هستند... لازم است که هر چه بیشتر با راهپیمائی بساطور انفرادی در مقابل سفارت جمع شده..." [نشریه مجاهد شماره ۱۱ مقاله "بزرگترین وظایف دانش‌آموزان در جریان مبارزه فدائیمهرالیستی- امریکائی"] این نقل قولها بروشنی مواضع آنزمان این نوع جریانات را نشان داده و در ضمن نشانگر این امر است که این سازمانها چگونه بجای روشن نمودن اذهان کارگران و زحمتکشان در مورد ماهیت این اقدام، آنها را به سینه‌زنی در جلوی در سفارت فراخواندند و همانند رژیم وابسته هرگونه مبارزه سیاسی و اقتصادی کارگران بر علیه جمهوری اسلامی را به عدول از "خط فدائیمهرالیستی امام" و همسوئی با امریکای جهان‌نوا و غیره و ذالک تعبیر نمودند. آری مبارزات

فدائیمهرالیستی "امام" و همدستان دیروزیش اینچنین بود. اما چریکهای فدائی خلق ایران در همان ابتدای جریان گروگانگیری طی اطلاعیه‌هایی به کارگران و همه توده‌های ستمدیده کشور هشدار دادند که فریب تبلیغات نواستعماری را نخورند و در این زمینه، در اعلامیه اول آذرماه ۵۸ گفتیم: "هیئت حاکمه با ترتیب جمله به سفارت امریکا، رزست فدائیمهرالیستی و فدائیمهرالیستی بخود گرفته و قصد دارد یکبار دیگر انرژی توده‌ها را در جهت منافع حقیر خویش بکار گیرد. اینان که از ابتدا سعی در سرکوب مبارزات فدائیمهرالیستی خلق قهرمان ما داشتند، حال یکباره گویا بنیاد "مبارزه فدائیمهرالیستی" افتاده‌اند و در حالیکه همچنان به حواست از سرمایه‌های انحصاری مشغولند، می‌بایست تا توده‌های زحمتکش ما، حمله به جاسوسخانه امریکا را بعنوان مبارزه با امپریالیسم تلقی نمایند."

و به این طریق ماهیت واقعی این مضحکه را برای کارگران و توده‌های ستمدیده تشریح کردیم و اتفاقا در همان هنگام "مبارزان" امروز و باوان دیروز امام شدیداً ما را سرزنش می‌کردند و بخاطر تعلیلهای و اقدامات انقلابیمان، ما را "چپ‌رو" و "آشوبست" خطاب کرده و به کارگران و زحمتکشان هشدار می‌دادند - رجوع کنید به همان مقاله در کار شماره ۲۷ - ولی امروز که دیگر کوس رسوائی این رژیم و اقدامات باصطلاح فدائیمهرالیستی‌اش در هر کوی و برون زده شده است، مدافعان دیروزی جمهوری اسلامی هم عده‌ای مان همان ابتدا هم گفتیم "شده‌اند از جانبان چکه‌لیس اکثریتی که بگذریم چه مجاهدین و چه اقلیتها و چه خیل رنگارنگ سازشکاران و اپورتونویستهای که تا دیروز در مقابل سفارت امریکا در برابر "دانشجویان پیرو خط امام" سجده می‌کردند، هر یک به شکلی و به درجه‌ای به این باور رسیده‌اند که اقدام جمهوری اسلامی در رابطه با اشغال سفارت امریکا چندین هم

"قهرمانان و فدائیمهرالیستی" نبوده!! و فقط قصد کول زدن توده‌ها را داشته است!! از اینرو همواره میتوان در نشریاتشان هر آنگاه که سخن از مسئله سفارت و گروگانگیری پیش می‌آید این جمله را بفرور باغت که: "ما از همان ابتدا هم گفتیم!! اینان ادعا میکنند که از ابتدا همه چیز را میدانستند همه چیز و همه‌کس را! میشناختند ولی با اینحال به توده‌ها نگفتند که ما میدانیم بلکه خیلی بافد و ساده آنها را فریب داده و آسوی قصبه را گرفتند. بعضیها هم امروز که مسئله روابط باصطلاح پنهانی امریکا با جمهوری اسلامی روضه است یاد آن داستان مولوی دربار لوطی و مخنث افتاده‌اند [نشریه اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان خارج کشور] هوا داران سازمان مجاهدین خلق ایران (مقاله هورا قدس فتح شد! بنقل از ماهنامه شورای ملی مقاومت شماره ۲۴ مهرماه ۱۳۶۵)

چریکهای فدائی خلق در اطلاعیه‌ای که در ۱۷ آبانماه سال ۵۸ بنام "مرکز امپریالیسم امریکا، مرکز بفریبکاران" دادند، نوشته بودند: "آینده با وضوح تمام نشان خواهد داد که آقای خمینی و بارانش این بازی را به چه منظوری براه انداخته‌اند. آینده نشان خواهد داد که هدف آقای خمینی از اینهمه هیاهو، نه پرورش روحیه انقلابی و فدائیمهرالیستی توده‌ها و نه پیشبرد مبارزه فدائیمهرالیستی، بلکه برای جلب حمایت هرچه بیشتر و تحکیم رابطه خود با امپریالیستهاست."

و آیا سیر وقایع پروشنی نشان نداد که مضحکه تسخیر سفارت با چه اهداف شومی سازمان داده شده بودی برای رژیم ددمنش و امپریالیستها و بویژه امپریالیسم امریکا ببار آورد. گرچه تا زمان حاضر تمام ریزه‌کاریهای مربوط به جریان گروگانگیری ۱۴ ماهه افشاء نشده است، ولی همانقدر هم که تاکنون افشاء گردیده، صحت و درستی نظرات و تعلیلهای ما را اثبات میکند ما بارها بر این نظر تاکید کرده‌ایم که یک عامل مهم در افت وخیزها و جا بجا شیهای انجام شده در حاکمیت کنونی در تضادهای جناحهای مختلف امپریالیستی بخصوص در امریکا ریشه دارد. در این زمینه در اعلامیه ۵۹/۹/۴ نوشته بودیم: "با اعتقاد داشتیم که

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونویسم نیست

سازشکاران و مضحکه...

"تسخیر جاسوسخانه آمریکا" توسط "دانشجویان پیرو خط امام"، نه تنها بکار زد و بندهای جناحهای درونی حکومت میاید و نه تنها از طریق فریب داده ها موقع حکومت را مستحکم میسازد و به نتیجه منافع امپریالیسم را بطور کلی تأمین میکند، بلکه همچنین در تفادهای ما بیسیس گروههای مالی امپریالیستی نیز بکار آنان میاید. و تقریباً سه سال بعد از "بحران گروگانگیری" برزیلینکی مشاور امنیتی کارتر در بخشی از کتاب "قدرت و اصول" که بصورت کتابی جداگانه به نام "اسرار سقوط شاه و گروگانگیری" به فارسی چاپ شده است اعتراف میکند که آن عامل اناسی و تعیین کننده در سیاست خارجی که منجر به شکست کارتر (دمکراتها) در انتخابات ریاست جمهوری بود همانا مسئله گروگانگیری و نقشی است که جمهوریخواهان در این زمینه ایفاء نمودند وی میگوید: "با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری، کاندید جمهوریخواهان (منظور ریگان است توضیح از ماست) و همکارانش برای از بین بردن امکان رسیدن به یک توافق سازنده، هر آنچه را که در توان داشتند انجام دادند" [صفحه

۱۸۹ - ۱۸۸]

و آقای ریگان در یکی از مصاحبه های اخیرش که در اواخر سال ۱۹۸۶ انجام گرفت اعتراف کرده که "حزب جمهوریخواه قبل از انتخابات آمریکا از دولت ایران خواست که گروگانها را در سفارت آمریکا برای مدت دیگری نگهدارد تا انتخابات آمریکا برگزار شود. به ایران قول دادیم که اگر انتخابات را ببریم روابط حسنه ای با ایران برقرار خواهیم کرد" (۳) [بمنقل از روزنامه ایالتی ایپل مانیتور ۲۳/۱۲/۸۶] سردمداران مزدور و ضد خلقی جمهوری اسلامی نیز در جنبه گروگانگیری و نزدیک شدن انتخابات سال ۸۰ در آمریکا برای نشان دادن ظاهراً به اصطلاح مستقل خود همواره بر این نکته تأکید میکردند که بین بد و بدتر و بین فاشیست

(۳) - ما در اعلامیه اول آذر سال ۵۸ گفته بودیم: "... از اینرو سفارت آمریکا میبایست "اشغال" شود. حال اگر این شرایط را با شرایط جامعه آمریکا ارتباط دهیم، مسئله بهتر درک میشود. اگر توجه کنیم که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نزدیک است و همواره در انتخابات مالی آمریکا تشدید میگردد.

و فاشیست تر، بد و فاشیست را انتخاب خواهند کرد بمثابه آن ضرب المثل فارسی که "کور، کور را میجوهره، آب گودال رو!"

اکنون نیز ماده اندیشی خواهد بود هرگاه تصور شود که افشای روابط جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا صرفاً بر اساس تفادهای درونی هیئت حاکمه کنونی و بمثابه پاسخی از جانب جناح منتظری - مهدی هاشمی به جناح رفسنجانی صورت گرفته است. بسیاری از جریانات سیاسی که در زمان گروگانگیری در سفارت آمریکا به نقش تفادهای گروههای مالی مختلف اهمیت ندادند و وابستگی رژیم موجود به امپریالیسم را درک نمیکردند، حال یکبار دیگر و اکنون در باب روابط با اصطلاح پنهانی جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل همان خطای بزرگ را دوباره تکرار میکنند اینگونه تحلیلها هیچ نتیجه ای جز خاک پاشیدن بچشم توده ها و همیاری با تبلیغات امپریالیستی برای گمراهی و فریب توده ها نداشته و ندارد. اگر

در سال ۵۸ اینگونه تحلیلها و ابدها تا حدی میتوانست باعث گمراهی توده ها گردد، اما حال در سال ۶۵ و در اوج دربوزگی و ددمنشی جمهوری اسلانی و در شرایطی که حدت با بی تفادهای درونی طبقه حاکمه در آمریکا باعث روشن خبلی از مسائل گشته دیگر جاشی برای اینگونه تحلیلها باقی نمیماند و اگر در سال ۵۸ اینگونه سخن بابت قریب بخشی از توده ها میگشت در سال ۶۵ تنها باعث بی آبرویی و رسوائی هر چه بیشتر سازمانهای میگردید که عقبتر از طبقه کارگر و توده های آگاه از درک وابستگی رژیم موجود به امپریالیسم عاجز بودند. و با منتقل جلوه دادن جمهوری اسلامی باعث تطهیر چهره امپریالیستها و در همان حال مضحکه دست طبقه کارگر میگردد. و بروشنی نشان میدهند که منافع طبقاتی سازشکاران و اپورتونیستها چگونه آنها را از درک واقعیتها عاجز ساخته و ریاپاتی جز اتلاف انرژی انقلابی توده ها برای آنها باقی نمیگذارد.



از صفحه ۲

گرامی باد ۲۲ ری بنندان سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان

اعمال و تدویم حاکمیت انقلابی توده ها تا توان ماند. این تجربه مبارزاتی علیرغم دستاوردهای مثبت و ارزشمند خود، از کمیها و کاستیهای درونی اساسی نیز رنج میبرد که نهایتاً موجب شکست آن گردید.

برای گرامی باد ۲۲ سالروز تأسیس جمهوری خودمختار، درست ترین و عمیق ترین شیوه مناسب، همانا برخورد با جنبه های مثبت و منفی این تجربه تاریخی میباشد. تا با تجربه اندوزی از شکست گذشته، زمینه سازی پیروزیهای آینده در شرایط فعلی، هر چه بیشتر فراهم گردد. اگر جنبش انقلابی سالهای ۲۵ - ۲۴ سنت مبارزه مسلحانه و پایداری و استقامت در تحقق خواست خلق را به توده های کردستان آموزش داد و به جریان مادی تبدیل نمود، اگر خون شهدای آن، سنت مبارزه را تداوم بخشید. اما کمبودهای اصولی ای نیز در خود داشت که از جمله میتوان از محدود کردن اهداف جنبش و عدم توجه به نقش امپریالیسم، محدود ماندن جنبش در یک منطقه، عدم اتکا به نیروی مطح خلق و سازماندهی مسلح

توده ها، نقش نیروهای متزلزل در آن و عدم حل قاطع مسئله ارضی، عدم وجود خط مشی صحیح مبارزاتی، و ضعیف اساسی رهبری و غیره را نام ببرد.

اکنون در شرایطی که بنیش از ۷ سال از مبارزه قهرمانانه تان سپر علیه امپریالیسم و سک زنجیریش، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، میگذرد. ۷ سالی که با مبارزه مسلحانه تان بر علیه سلطه امپریالیسم همچنان پرچمدار مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران باقی مانده اید و کردستان را بمثابه سنگر انقلاب ایران حفظ کرده اید، در شرایطی که با انواع برکوبها و دسایس امپریالیستی جمهوری اسلامی مقابله نموده و یکی پس از دیگری آنها را با شکست مواجه ساخته اید، در شرایطی که محاربه اقتصادی - کوچ اجباری، ویران سازی شهرها و روستاها، قتل عامها و کشتارهای دسته جمعی، توپ و خمپاره بارانهای شدید و وسیع، تهاجمات مکرر جاشا و پاسداران و ارتش امپریالیستی و

گرامی باد ای ری بندان...

کوچک و بزرگ نظامی هیچکدام نتوانسته است شما را به زانو درآورد. در شرایطی که پیشمرگان قهرمان در پناه حمایتهای بیدریغ خلتش فرسوبات مرکبای بی بر بیکر رژیم مزدور خمینی وارد می‌شوند، راز مبارزات گوناگونتان، جنبش ملیحانه نیرو میگیرد و بالاخره در شرایطی که ادامه ۶ ساله جنگ امپریالیستی ایران و عراق ماثب و مشکلات مبارزاتی را چند برابر نموده و با آنهمه بمبارانهای وحشیانه و آوارگی در اطراف شهرها و روستاها غللی هر روحیه انقلابیتان وارد نیامده است، باز هم باید به این حقیقت تلخ بیایدیشید که جنبش انقلابی و عادلانه‌تان علی‌رغم دامنه وسیع آن که به وسعت آحاد خلق کرد است، و علی‌رغم توده‌های بودن جنبش مللخانه‌تان، به ناراضیهای عمیق سیاسی و نظامی دچار است، که اگر با آن برخورد جدی و آگاهانه صورت نگیرد، متأسفانه موجب ضایعات اساسی خواهد گشت.

چه تجربه ای ری بندان، چه تجربه قیام بهمن، که جنبش خلق کرد ادامه و دنباله واقعی آنست - و چه تجربه بزرگ ۷ ساله مبارزه انقلابی کنونی‌تان در راه آزادی و خودمختاری نشان میدهد، مادامیکه جنبش خلق کرد قادر به برقراری پیوندی آگاهانه و عمیق با جنبش سراسری خلقهای ایران نگردد، تا مادامیکه نوک تیز حملات انقلابی خود را بر علیسه نظام امپریالیستی و طبعا سلطه همه‌جانبه‌اش نشانه نرود، تا مادامیکه وسیعترین طبقات یعنی کارگران و دهقانان سازماندهی مسلح توده‌ای نیابند، تا مادامیکه خط مشی صحیح سیاسی - نظامی جاری نگردد، تا مادامیکه ضعف اساسی نیروی جنبش، بر طرف نکشته و در دستهای توانای کارگران قرار نگیرد، و بالاخره تا مادامیکه پراکندگی و روحیه سازشکاری بخشی از نیروی انقلابیتان را به هوز برد، با تمام جانشانها و وسعت مبارزاتی، جنبش ملی - انقلابیتان با موفقیت واقعی توأم نخواهد شد. و ما ایمان داریم خلقی که اینچنین، به جنگ انقلابی، برخاسته است، دیریا زود، راه اصولی را خواهد یافت و

با حرکت آگاهانه، کیفیتی برتر به جنگ انقلابی اش بر علیه امپریالیسم و مزدورانش خواهد بخشید.

خلق رزم‌منده کرد!

در این سالروز تاریخی، بویژه روی دو نکته تاکید بسیار می‌ورزیم، اولین نکته ضرورت طرد روهیه سازشکاری و اعمال فشار توده‌ای بر سازشکاران در دژون جنبش انقلابی است. همانطور که تجربه کرده‌اید، باید بیاد داشته باشید که در شرایط استمرار سلطه امپریالیسم، چه رژیم پهلوی بوده باشد و چه رژیم خمینی، هیچ حقی حتی از ابتدائی ترین حقوق اجتماعی و سیاسی توده‌ها از تعرض آنها مصون نبوده و نیست تا چه رسد به پذیرش آزادی و خودمختاری. هرگونه توهم پراکنی در هر شکل و شمابلی که باشد و از جانب هر نیرویی که صورت پذیرد، چه خواستار با اصطلاح "تحمیل خودمختاری به رژیمهای بورژوازی" باشد و چه خواستار مذاکره آشکار، جز ائتلاف انرژی انقلابی خلق کرد و جز ضربه زدن به جنبش ملی نتایج‌ای نخواهد داد. و کسب آزادی و خودمختاری واقعی که مفهومی جز اعمال حاکمیت انقلابی کارگران و زحمتکشان کردستان ندارد، تنها و تنها در شرایط قطع سلطه امپریالیسم و برقراری جمهوری دیمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر امکانپذیر است.

دومین نکته، ضرورت برخورد با جنگی است که مدتی پیش از دو سال است بین حزب دمکرات و کومه‌له جوسبان دارد. جنگی که نتایج زیانبسار و ضایعات فراوان آن بر جنبش را بسا گوشت و پوست خود لمس کرده‌اید. جنگی که فقط و فقط به نفع رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی تمام شده و میشود. راه حل برخورد با آن نیز در دست شماست. با ابراز انزجار و با اعتراضات گسترده‌تر بهر شکل و سطحی که مقدور باشد، با جنگ حزب دمکرات و کومه‌له، هرچه بیشتر مخالفت ورزید. باید قبولاندن آتش بن بندون قید و شرط و قطع جنگ را به شما مبارزه خود در این زمینه تبدیل سازید. باید بگوئید که کسب رهبری جنبش نه با جنگ، نه با ضربه زدن به جنبش، و کشش پیشمرگان بدست همدیگر، که با پشتیبانی خلق و در میدان عملی مبارزه، با نشان دادن توانائی در

حل مسائل جنبش بدست می‌آید. باید بگوئید که تضعیف جنگ انقلابی بر علیه سلطه امپریالیسم و رژیم مزدور خمینی از جانب هر نیرو و بهر درجه‌ای که باشد بهمان میزان نیز ضیانت به خلق و انقلاب است.

خلق رزم‌منده کرد!

با گرامی داشت این سالروز تاریخی، بار دیگر شما را فرا میخوانیم که صفوف خود را متحدتر و یکپارچه‌تر سازید. حمایت بیدریغ و شایمان تحسین‌تان را از پیشمرگان قهرمان باز هم افزایش دهید و توطئه‌های گوناگون رژیم، در جدائی انداختن بین خلق و پیشمرگان مبارزش را خنثی سازید. بهر شکل و در هر سطحی که میتواند به جنگ انقلابی خود عمق و وسعت بیشتری ببخشید. اتحاد مبارزاتی با دیگر خلقهای میهنمان را گسترش دهید. برای سرنگونی رژیم مزدور خمینی فعالانه‌تر بکوشید، نابودی نظام امپریالیستی را هدف قرار دهید و برای تحقق واقعی همه این امور حول پرچم خونین چریکهای فدائی خلق متحد شوید. پیروزی از آن خلقهاست.

گرامی باد ای ری بندان سالروز تاسیس جمهوری خودمختار کردستان! جاودان باد خاطره تمامی شهدای بخون غخته خلق! زنده باد خلق رزم‌منده که برای آزادی میجنگند! برقرار باد اتحاد تمامی نیروهای انقلابی و تمامی خلقهای ایران! مرگ بر امپریالیسم و جنگهای زنجیریش!

با ایمان به پیروزی راهمان چریکهای فدائی خلق ایران - کردستان ۶۵/۱۱/۲



چریک فدائی خلق
کارگوشهید یوسف زرگار

خودمختاری خواست برحق خلق کرد است

جمهوری اسلامی

مجری سیاستهای امپریالیستی

در لبنان

فلسطینی در این کشور، این موقعیت همیشه بمثابة خطری بزرگ برای اسرائیل تلقی میشد. حضوری که نمیتوانست بر مبارزات فدا مپریالیستی توده‌های تحت ستم لبنان بی تاثیر باشد. از طرفی با اوج گیری مبارزات توده‌ها در لبنان و ناتوانی دولت مرکزی در سرکوب مبارزات خلقهای لبنان و فلسطین و در نتیجه رشد بحران عمومی، امپریالیستها وحشیانه به سرکوب این مبارزات پرداخته و هرجا که دستگاه دولتی مرکزی توانائی سرکوب را از دست داده بود، ارتشهای امپریالیستی اسرائیل و سوریه این وظیفه را برعهده گرفتند تا ناتوانی دستگاه سرکوب محلی را جبران نموده و در ضمن موانع بیشتری در راه نفوذ انقلابیون فلسطینی بدون خاک اسرائیل ایجاد کنند و با با تضعیف آنها امکانات زیاده‌تری برای جهت کنترل در آوردن سازمانهای فلسطینی بدست آورند.

گره خوردن تشادهای جناحهای مختلف امپریالیستی آنچنان شرایط بحرانی را در لبنان آفرید که منطقاً حامی جز فقر و ویرانی برای توده‌ها و ایجاد گروههای دست نشانده و نگارنگی که هر یک در جهت منافع جناحی از قدرتهای بزرگ وارد صحنه کارزار گشته بودند، در بر نداشت. و بر اساس همین سیاست بود که جمهوری اسلامی نیز در چارچوب طرحهای کلی امپریالیسم در منطقه فعالیتها در لبنان حضور یافت تا زهر پوش اسلام، گروههای وابسته‌ای چون حزب الله را برای پیشبرد دسیسه‌های نو استعماری سازمان دهد. و با تکیه به تبلیغات مذهبی و در نتیجه تحمیل توده‌ها در شرایط بحرانی منطقه، جای پای خود را محکم سازد.

در نتیجه اگر موسوی اردبیلی وقیحانه میگوید امریکا در لبنان

گسترده جمهوری اسلامی با اسرائیل و امریکا و نقش فعال این دو کشور در تامین اسلحه برای این رژیم، در جنگی که جمهوری اسلامی در جهت منافع امپریالیستها یکی از صحنه‌گردانهای آن است، امری نیست که بر کسی پوشیده بماند. اما جدا از این تبلیغات دروغین لازم است کمی بیشتر به واقعیت نقش جمهوری اسلامی در لبنان پرداخت تا عمق وابستگی این رژیم به امپریالیسم امریکایی و سیاستهای نو استعماری را بهتر درک نمود. برای آنهایی که امپریالیسم را میشناسند و به دسیسه‌های امپریالیستی واقف هستند، این سیاست ناشناخته‌ای در جهان امپریالیستی نبوده و نیست که امریکا هر کجا منافعش ایجاب کند، اهدافش را از طریق سکه‌های زنجیرش پیش میبرد تا هم از مزاحمتهای داخلی در امان باشد و هم نقش جنبانکارانه خود را از انظار جهان پنهان مخفی سازد. و جمهوری اسلامی درست در چارچوب همین سیاست است که در لبنان معرکه گرفته و بیکی از طرفهای ذینفع تبدیل گردیده است. البته با توجه به شرایط لبنان و اینکه امپریالیستهای مختلف و کشورهای مختلف در آن گروههای مسلح خاصی خود را دارا میباشند جمهوری اسلامی هم، "حزب الله" معروف عام و خاص خود را در این کشور سازمان داده است. و مدالبنته از نفوذ در سازمانهای دیگر و با ایجاد دستجات مسلح دیگر نیز کوتاهی نکرده و نمیکند.

با رشد روز افزون حضور ارگان فلسطینی در لبنان و با لطبع سازمانهای

اگر کسی به تبلیغات جمهوری اسلامی توجه کند بدون شک متوجه نقش "مسئله لبنان" در سیاستهای خارجی این رژیم خواهد شد. و به اهمیت که جمهوری اسلامی به "مسئله لبنان" میدهد بهتر پی خواهد برد و آنگاه امکان مییابد تا به واقعیت نقش این رژیم مزدور در لبنان بیندیشد و رکنه این تبلیغات را دریابد.

برای نمونه در اکثر نماز جمعه‌ها، آیت الله‌های رنگارنگ در رابطه با "مسئله لبنان" و نقش "سازنده جمهوری اسلامی در آن، داد سخن میدهند و گاه پیشرفتهای ارتجاعی رژیمشان را در لبنان به اعتبار "حمایت خدا" از خویش قلمداد مینمایند. و البته "حمایت خدا" در فرهنگ جمهوری اسلامی چیزی جز حمایت امپریالیسم معنسی نمیدهد که سردمداران جمهوری اسلامی میکوشند با لجه غلیظ اسلامی خود آن را چنین تلفظ نمایند.

در این زمینه موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور رژیم در نماز جمعه دوازدهم دیماه گفت: "از بیگانهات انقلاب اسلامی ایران در لبنان حرکتی ایجاد شد، حرکت بسیار درخشان و مهم، کاری که بعد از این حرکت در لبنان شد در طول تاریخ درگیری اسرائیل شاید باری نظیر بودیا کم نظیر بود. همین حرکت باعث شد امریکا سیلی خورد، فرانسه سیلی خورد، اسرائیل سیلی خورد که تا آخر عمرشان فراموش نمیکند". و در ادامه سخنانش در رابطه با اوضاع فعلی لبنان و با کارانه گفت: "تلاش جمهوری اسلامی چون خدا حامی آن بوده است با موفقیت‌های روز بروز گردیده است.

این سخنان جدا از بزه‌های میان تهنی با اصطلاح فدا اسرائیلی و فدا امریکائی آن، از یک زاویه قابل تعمق است و آن نقش فعال رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در سرکوب مبارزات توده‌ها در لبنان، در چارچوب اجرای سیاست امپریالیسم در منطقه میباشد. جمهوری اسلامی در تبلیغات خود همیشه میکوشد خود را مخالف امریکا و اسرائیل نشان دهد، و البته رباکارانه بودن این تبلیغات با توجه به شرایط شکل گیری این رژیم و واقعیت وابسته بودن آن به امپریالیسم و در نتیجه روابط



چریک فدائی خلق رفیق شهید محمد علی خسروی اردبیلی (داداشی) که در جبهه نبرد ظفار در عمان به شهادت رسید

← جمهوری اسلامی مجری ...

سیلی خورد اسرائیل در لبنان سیلی خورد، توده‌های آگاه باید این سیلی ها را از نوع همان سیلی هائی به حساب آورند که آمریکا و اسرائیل در ایران خوردند که بجای سوخ کردن صورتهایشان ، جیبهایشان را برنمود. والیته در زمانیکم به اعتبار حدت با بی تضادهای درونی هیئت حاکمه آمریکا هر روز مسائل جدیدی از واقعیت روابط جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا رو میشود و آشکار میگردد که چگونه میلیاردها دلار اسلحه از طریق اسرائیل و آمریکا به جمهوری اسلامی ارسال گردیده و اساسا این سه کشور چه نقش هماهنگی در پیشبرد جنگ امپریالیستی ایران و عراق ایفاء مینمایند ، بهتر میتوان به واقعیت سیلی خوردنهای ادعائی موسسوی اردبیلی جنایتکار پی برد. و جالب است در اینجا به این نکته اشاره کنیم که در ادامه همین افشاگریها بود که چند روز پیش اسحاق رابین مجبور گشت اعتراف نماید: "کشور متبوع وی بنا به درخواست آمریکا طی دو سال گذشته از جمله به چریکهای شیعه مذهب گروه حزب الله خودداری کرده است". آیا این سخنان بروشنی نقش هماهنگ

امریکا و اسرائیل و جمهوری اسلامی را در لبنان آشکار نمیسازد. و آیا بوضوح گوشه‌ای از روابط آمریکا با سگهای زنجیریش را برملا نمیکند؟ و دروغین بودن تبلیغات ریاکارانه جنایتکاری چون موسوی اردبیلی را افشاء نمیکند؟ موسوی اردبیلی در سخنانش میگوید فرانسه هم سیلی خورد؛ برای روشن شدن این مسئله لازم است اشاره نمود که با توجه به نفوذ سنتی فرانسه در کشورهای تحت سلطه منطقه همچون الجزایر، تونس و لبنان و غیره بدون شک رقابت سلطه جویانه سختی فیما بین امپریالیسم آمریکا و فرانسه در منطقه جریان دارد و آمریکا به اشکال گوناگون برای کسب منافع نفوذ فرانسه و خارج کردن آن کشور از منطقه میکوشد و همین واقعیت است که ریشه برخورد های جمهوری اسلامی و گروههای دست نشانده اش را با فرانسه آشکار میکند. هرکجا آمریکا لازم بداند در جهت منافع امپریالیستی اش به امپریالیسم فرانسه فشاری وارد سازد، در همانجا برای نمونه جمهوری اسلامی ناکهان ضد فرانسوی میشود و رسالت سیلی زدن به فرانسه را بردوش میکشد. اما خلقهای ما آنقدر ما هست

این رژیم را شناخته اند که فریب تبلیغات دروغین او را نخورند و اهمیتی برای اراجیف آخوندهائی چون موسوی اردبیلی قائل نشوند و واقعیت را درست در خلاف تبلیغات ریاکارانه موسوی اردبیلی ها و هاشمی رفسنجانی ها و خامنه‌ای ها جستجو کنند. تجربه روی کار آوردن خمینی بوسیله آمریکا و خیمه شب بازی "تسخیر لانه جاسوسی" و مدها تجربه دیگر توده‌های ما بروشنی نشان داده است که جمهوری اسلامی جز یک زنجیری امپریالیسم نبوده و ضمیمه آن در حالیکه یکبار دیگر محتای لبنان و نقش جمهوری اسلامی در آن واقعیت را به اثبات میرساند؛ در همان حال نشان میدهد که امپریالیستها هرکجا لازم ببینند این سگهای زنجیری را به آنجا گسیل میدارند تا با درنده‌خوشی تمام منافع آنها را تامین نمایند. وجود چنین سگهای زنجیری ای در دست امپریالیستها قدرت ما نور بسیاری برای پیشبرد سیاستهای نواستعماری در اختیار آنها قرار میدهد، امری که بدون تردید باید مورد توجه دقیق انقلابیون و توده‌های تحت ستم قرار گیرد.

پروزیاد مبارزات خلقهای تحت ستم بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش!

خلقهای قهرمان ، کارگران و زحمتکشان!

بار دیگر جنگ ضد خلقی ایران و عراق ناقوس مرگ را بر فراز خانه و کاشانه شما در آورده و هر روز و ساعت هواپیماها و موشکها و بمبها و سایر سلاحهای مرگبار، خانه و سرپناه شما را بر سران خراب کرده و فرزندان و عزیزانتان را جلوی چشمانتان قطعه قطعه ساخته و شما را آواره و بی خانمان میکنند. آتش این جنگ خانمانسوز هر روز شعله ورتر گشته و هم اکنون نیز با همان هواپیماها و موشکهای که با غارت دسترنج و مکیدن شیر جان کارگران و زحمتکشان از امپریالیستها و رویزبونیستها خرباری و به میدانهای جنگ سرازیر شده ، شهرها و مناطق مسکونی را ویران میکنند ، توده‌های بی دفاع، زنان و مردان و کودکان بیگناه را میکشند و همه چیز را به آتش میکشند. برای پایان دادن به این وضع دهشتناک ، برای پایان دادن به قتل عام هزاران انسان بیگناه تنها بگزار باقی است. باید این جنگ کثیف و غیر عادلانه را با جنگی عادلانه برانداخت ، باید شما توده‌های زحمتکش و تحت ستم با تمام توان خود بر علیه این جنگ ویرانگر و مسیبان و ترسید هندگان ش با خیزید، باید جنبش ضد جنگ را گسترش دهید و تمام نفرت و خشم خود را متوجه رژیم هار و مزدور خمینی سازید. تا با سرنگونی این رژیم وابسته به امپریالیسم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق از این اوضاع فلاکتبار نجات یابید .



چریک فدائی خلق رفیق شهید خسرو پناهی

رفقای هوادار:

اخبار و گزارشات محل کار و زندگی خود را جمع آوری نموده و به آدرسهای سازمان در خارج از کشور ارسال کنید.

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران و عراق!

از صفحه ۱

گزارشی از پادگان عجب شیر

برخوردار بود و بخاطر وجود همپسین پادگان، بعنوان یک شهر نظامی کوچک بشمار میرفت. در آنزمان، از این مرکز سرکوبگر بعنوان آموزشگاه نظامی استفاده میشد و سربازان در شرایط بسیار سخت و مشکلی، دوران آموزشی خود را از سرمیگذرانند. و به همین خاطر پادگان عجب شیر از نظر سختی شرایط و فشاریکه از سوی مزدوران رژیم بر سربازان تحمیل میگشت، زیانبرد سربازانی بود که دوران آموزش نظامی خود را در عجب شیر گذرانده بودند. مزدوران رژیم شاه، دانشجویان و با کسانی را که علیه پیدادگریها و مظلوم بیحد و حصر شاه خاشن بمبارزه بومیهاستند به این پادگان تبعید میکردند تا با اعمال فشار و سختی شرایط، روحیه مقاوم و مبارزهجویانه آنها را درهم شکنند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پس از قیام بهمن ماه و برای سرکوب مبارزات توده ها، پادگانها را در مناطق مختلف، پیش از پیش تقویت نموده و حتی در مقامیسه با زمان شاه، آنها را گسترش داد. پادگان عجب شیر نیز نسبتها از این قاعده مستثنی نبود بلکه با شروع جنگ امپریالیستی صورتها بر اهمیت آن بیش از پیش افزوده گردید. هم اکنون پادگان عجب شیر یکی از مهمترین مراکز آموزشی سربازان بمنظور آماده سازی و اعزام آنان به جبهه های جنگ ایران و عراق میباشد. بطوریکه در آن ۸۰۰۰ نفر در ۶ گردان مشغول دیدن آموزشهای اولیه نظامی جهت اعزام به جبهه های مرگ هستند. (با توجه به اینکه تاریخ نگارش این گزارش در اوائل آبانماه یعنی ۶۵/۹/۱۰ میباشد) در آن مقطع از این تعداد تقریباً ۵۰۰۰ نفر از گردستان دستگیر و جمع آوری شده بودند. دوره آموزشی سربازان تا اوائل سال ۶۴ به ماه (۱۳ هفته) بود، که به مرور و بدلیل شدت یافتن جنگ ضد خلقی ایران و عراق و تلاشهای رژیم مبنی بر اعزام هر چه سریعتر سربازان به جبهه ها این مدت به ۹ هفته تقلیل یافت. اخیراً نیز با سخنرانی رؤسناجانی مزدور مبنی بر اینکه ارتش وسپاه و بسیج هیچ فرقی با هم ندارند و بسا تاکید روی این مسئله که همه جزء سپاه محمدانند و باید هرچه سریعتر سربازان را آموزش داده و به جبهه ها

فرستاد. دوره آموزش گاهش بافته و به ۴۰ روز رسیده است. تا بدین ترتیب با کسپل امواج انسانی به قربانگاهها، تنور جنگ را هرچه بیشتر گرم نگه دارند.

لازم به تذکر است که اخیراً رژیم با یورشهای سبانه ای، بسیاری از جوانان را از مناطق کرد نشین دستگیر نموده و برای گذراندن دوره آموزشی به پادگان عجب شیر فرستاده است. از اینرو اینروزها در پادگان وسپا شایع گشته که رژیم تصمیم گرفته است همه کردها را به هوایبرد منتقل نماید و علت این امر، آشنائی کردها به اسلحه و ورزیده بودنشان در امور نظامی مطرح شده است. در همین رابطه یکی از عناصر سیاسی - ایدئولوژیک که تکاور بوده، در پادگان عجب شیر به سربازان کرد گفته است که "کردها برای جبهه جنوب مناسب هستند". اکثر این جوانان با زور سرنیزه و توسط مزدوران پاسدار و شهریانی که در ازای دستگیری هر مشمول پادشاهی از رژیم دریافت داشته اند، دستگیر شده و به پادگان عجب شیر اعزام گشته اند.

در پی همین سیاست ضد خلقی جمهوری اسلامی مبنی بر اعمال شدیدترین فشارها بر توده های ستمدیده برای کسپل فرزندان خود به مراکز نظامی، مزدوران رنگارنگ این رژیم ددمنش پس از آنکه جوانان را شکار نموده و به پادگانها اعزام داشته اند، در آنجا نیز با اعمال تضحیقات گوناگون چنان شرایط طاقت فرسایی را برای سربازان بوجود می آورند که حتی از حداقل امکانات اولیه زندگی نیز محرومند. بطوریکه پادگان عجب شیر از نظر مواد غذایی و سوخت و امکانات رفاهی شدیداً در مضیقه است. از آنجا که تدارکات آن بطور کلی از شهر تبریز تامین میشود و اینروزها در شهر تبریز نیز با وجود سرمای سخت، نفت و بطور کلی مواد سوختی کمیاب گشته، در پادگان عجب شیر نیز نه فقط برای روشن کردن بخاریها، نفت یافت نمیشود

بلکه حتی برای گرم کردن حمام وسماور هم نفت نیست و سربازان از فرط سرما و عدم استحمام در شرایط بدی بسر میبرند بخصوص که شهر عجب شیر در یک منطقه سرد سیر واقع گشته و سردی هوا در زمستانها بسیار زیاد است. مزدوران ضد خلقی رژیم در عین حال که به هیچ صورت در پی رفع اینگونه تضحیقات نیستند، از رفتن سربازان به داخل شهر عجب شیر برای حمام نیز، جلوگیری مینمایند که مبادا سربازان تحت چنین شرایطی که خود همین مزدوران برای سربازان فراهم ساخته اند، فرار کنند.

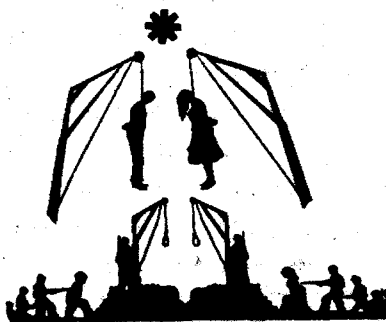
وضعیت غذایی پادگان از نظر کیفی و کمی در سطح بسیار پائینی است. مثلاً برنجی را که بعنوان غذای اصلی سربازان به خورد آنان میدهند و با حتی روغنی که در پادگان مصرف میشود کهنه و غیر قابل مصرف بوده و حتی بعضی از سربازان بچشم خود دیده اند که این مواد غذایی مارک و تاریخ زمان شاه را داشته و با وجود اینکه سالهاست در انبارها مانده اند، در شرایط بحرانی کنونی در پادگان از آن استفاده میکنند. کیفیت این برنج و روغن آنقدر پائین است که وقتی با هم بخته میشود برنج چنان رنگ سیاهی بخود میگیرد که سربازان از خوردن آن سرباز میزنند و نان خالی میخورند.

اخیراً در مدت کمتر از ۲ ماه، ۱۰ بار مزدوران ضد خلقی در پادگان عجب شیر، تحت نام کمک به جبهه ها و آوارگان سیل زده، سربازان را تحت فشار گذارده اند تا بخشی از حقوق اندک آنها را به جیب بزنند. این سربازان از همین اندک حقوق سربازان نیز نگذشته اند، آنان با یک دست به سربازان پول ناچیزی میپردازند و با دست دیگر تحت عناوین گوناگون همین اندک پول را از چنگشان میروایند. ولی سربازان به اشکال مختلف از دادن پول به این جیره خواران دزد و فاسد خودداری ورزیده و ضمن مقاومت در قبال اینگونه اخاذیهای رژیم، به افشاکسری وسیعی در سطح پادگان دست زده اند. در همین رابطه وقتی ابادی رژیم بسا مقاومت شدید سربازان روبرو گشتند به شیوه دیگر متوسل شده و اعلام

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق

انقلابی که در کردستان حضور دارند، میکنند تا با پیوستن به آنان انرژی انقلابی خود را در اختیار نیروهای مبارز قرار دهند. به سبب رشد روزافزون ناراضی در میان سربازان، آنان در همان محدوده خود به فعالیت انقلابی هر چند محدودی میپردازند از جمله دست به افشاگریهایی بر علیه سیاستهای رژیم میزنند و حتی در بعضی مواقع درجه داران ناراضی سربازان را به فرار و مقاومت در مقابل چوروستم فرماندهان تشویق و ترغیب مینمایند. سربازان شعارهایی بر علیه جنایات بی شمار رژیم با مژیک و خودکار و کچ بر در و دیوار حمامها، دستشوییها، توالتها و حتی در محوطه پادگان مینویسند و در همین رابطه شعارهای نگاشته شده بر در و دیوارهای پادگان بقدری زیاد است که رژیم را واداشته برای مقابله با چنین اقداماتی از سوی سربازان و شناسایی آنان به بهانه اینکه چه کسی خطش خوب است، از هرکسی یک نمونه از خطش را بگیرد، تا شاید بدین وسیله بتواند از شدت شعار نویسی جلوگیری نماید. ضمناً بخاطر بالا بودن جو انقلابی در میان سربازان پادگان عجب شیر، پادری رژیم در آنجا، داشتن رادیوی دو موج را برای سربازان ممنوع اعلام کرده اند تا سربازان نتوانند به رادیوهای مختلف گوش فرا داده و بویژه صدای نیروهای انقلابی را از طریق رادیو بشنوند.

بطور کلی محتوی شعارهای انقلابی نوشته شده بر در و دیوارهای پادگان و افشاگریهایی که توسط سربازان صورت میگیرد و اقدامات ضد خلقی ای که رژیم جمهوری اسلامی جهت سرکوب و به بند کشیدن سربازان در پادگان عجب شیر به آن دست می یازد، همه و همه بیانگر وجود جو انقلابی در میان سربازان ناراضی بر علیه ارتش ضد خلقی و امپریالیستی جمهوری اسلامی است.



بیاد تمامی
شهیدای گمنام

گزارشی از...

او داده خواهد شد. وی اخیراً مزدوران داوره سیاسی - عقیدتی پادگان، برای تامین خون با حمله و تزویر و به بهانه اینکه هرکسی خون بدهد، ورقه مرخصی ۴۸ ساعته دریافت خواهد کرد، سعی نمودند برای زخمیهای جنگ از سربازان خون بگیرند اما سربازان پادگان عجب شیر به این خواست ضد خلقی تن ندادند. بالاخره مزدوران با زور سرریزه از تمامی سربازان آموزشی پادگان خون گرفتند.

سربازانی که به پادگان عجب شیر اعزام گشته اند همواره در پی موقعیتی مناسب برای فرار از چنگ مزدوران ضد خلقی میباشند. آنان به بهانه های مختلف و به انتظار فرصتهای مناسب سعی میکنند که با از پادگان بیرون نهاده و از چنگ دژخیمان رهائی یابند. مرخصی گرفتن با شیوه های گوناگون، از جمله چنین موقعیتهایی است. در عین حال که سربازان به هر قیمتی و با بجان خریدن هرگونه خطری، مثلاً پریدن از روی سیم خاردار خود را به خارج از محوطه پادگان میروانند. برای نمونه از یکدسته ۱۲۴ نفری حدود ۶۵ نفر در مدت زمان خیلی کوتاهی فرار کردند. رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با موج فرار در مسیرهای ارتباطی عجب شیر پستهای بازرسی را جهت دستگیری سربازان فراری افزایش داده است و در نتیجه دژیانی و عناصر مزدور رژیم روزانه تعداد زیادی سرباز فراری را از گوشه و کنار شهر و با در مسیرهای تردد به شهر دستگیر و به زندان پادگان که گنجایش ۶۰۰ نفر را دارد روانه میسازند و از آنجا که زندان پادگان مملو از دستگیر شدگان گشته، رژیم با اجبار عده زیادی را مجدداً به آسایشگاه منتقل نموده است. به همین منظور در پادگان نیز برای اینکه مانع فرار سربازان گردد بر کنترل و بازرسی افراد پرسنل پادگان هنگام ورود و خروج شدیداً افزوده است.

در میان سربازان پادگان عجب شیر یک فضای انقلابی ای حاکم است. و با توجه به اینکه در این روزهای اخیر بیشترین دستگیریها از جوانان کرد بوده، سربازانی که قصد فرار و پیوستن به نیروهای مبارز در کردستان را دارند، سئوالات بی شماری را از همین جوانان کرد در مورد سازمانهای

کرده اند که سربازان باید خودشان علائم و نوارهای نظامی مخصوص لباس سربازیشان را تهیه نمایند.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در ارتش بخشی را با عنوان دواشر سیاسی - عقیدتی بوجود آورده که با تبلیغات ارتجاعی تحت عنوان "آموزشهای سیاسی - ایدئولوژیک" و در واقع با نشر سموم فکری، سربازان و پرسنل ارتش را هر چه بیشتر در جهت پیشبرد اهداف سرکوبگرانه اش توجیه مینماید. کار عمده این دواشر برگزاری دعای کمیل و نمازهای اجباری و اجرای مراسم صبحگاه جهت دعا به حال خمینی مزدور و برقرار نمودن کلاسهای باصطلاح سیاسی - عقیدتی، برای پرسنل ارتش، بخصوص سربازان میباشد. این مؤسسات ضمن انجام وظایف فوق، وظایف اساسی دیگری همچون تفتیش عقاید و کنترل و بازرسی و دخالت در خصوصی ترین امور سربازان و پرسنل ارتش را نیز بعهده دارند. اخیراً داوره سیاسی - عقیدتی پادگان عجب شیر، طی بخشنامه ای اعلام نموده که کلیه سربازان و پرسنل باید ریش بگذارند و همین مسئله شدیداً موجب ناراضی پستی پرسنل ارتش در کلیه سطوح آن گردیده است. در پادگان عجب شیر که نمونه ای از مراکز اصلی آموزشی رژیم میباشد، سربازان به شیوه های مختلف با رژیم جمهوری اسلامی به مخالفت برمیخیزند. مثلاً در حالیکه داوره سیاسی - عقیدتی هنگام مراسم صبحگاه ویبا سخنرانی سردمداران مزدور، سربازان را مجبور به دادن شعار و یا تکبیر گفتن مینمایند. بیشتر اوقات، سربازان بعنوان اعتراض و اسیران ناراضی از تکرار این شعارها خودداری کرده و یا فقط لبانشان را میچسبانند و گاهی در میان جمع ۳۰۰-۴۰۰ نفری که نماز اجباری میخوانند، هنگام تکبیر گفتن، صدای ۲۰ نفر هم به گوش نمیرسد. و با در مراسم صبحگاه بعد از اینکه به حال خمینی خائن باصطلاح دعا میکردند از ۸۰۰۰ نفر صدای ۱۰۰ نفر بلند شد که آمین میگفتند. در نتیجه مسئولین داوره سیاسی - عقیدتی برای واداشتن سربازان به اجرای اینگونه مراسم کذایی به زور و کتک متوسل گردیده و سربازان و پرسنل ارتش را با چک و تپیا، به نماز جماعت اجباری میکشانند تا با صدای بلند تکبیر بگویند و با اینکه برای کاشتن تخم نفاق بین سربازان اعلام کرده اند که هر کسی در مراسم با صدای بلند تکبیر و آمین و... بگوید مرخصی تشویقی به

گزیده‌هایی از راد یو صدای چریکها

تاریخ پخش

از راد یو صدای چریکها

۶۵/۱۱/۹

جنگ امپریالیستی

ایران و عراق

و تراژدی جناب سنا تور

اخیرا در روزنامه " کریستین ساینس مانیتور " مقاله‌ای به قلم " چارلز پرسی " رئیس پیشین کمیسیون روابط خارجی سنای آمریکا در باره مسائل خاورمیانه و از جمله جنگ ایران و عراق به چاپ رسیده که بدون تردید رجوع به پاره‌ای از نکات مندرجه در آن و شکافتن بعضی از زوایا پیش حاوی نکات قابل تاملی است. البته با گذشت شش سال از جنگ ضد خلقی و ویرانگر دولتین ایران و عراق و نتایج و عواقب فد مردمی و خانه خراب کن آن، امروزه بیش از هر هنگام محت تحلیلهای چریکهای فدائی خلق در رابطه با ماهیت امپریالیستی این جنگ بر توده‌ها آشکار گردیده است. ما از همان آغاز در میان انواع تئوریهای تسلیم طلبانه درون جنبش، که هر یک با شکلی متفاوت و لسی مضمون واحد، توده‌ها را بدفاع از میهن سرما به داران وابسته و سلاخی شدن در راه منافع آنان و اربابان شان تهییج و ترغیب مینمودند، با شجاعت انقلابی ماهیت ارتجاعی و امپریالیستی این جنگ را نمایانده و به کارگران و زحمتکشان توضیح دادیم که بر خلاف تبلیغات امپریالیستها، که خود را در این جنایت، با صلاح بیطرف میخوانند، بواقع چه کسی پشت سر چه کسی ایستاده است و چه کسانی از برکات این جنگ استفاده میبرند. برای توده‌های تحت ستم ما امروزه دیگر به آشکارا مشخص شده است که تنها کسانی که از برپایی و تداوم چنین جنگ ویرانگری سود میبرند، همانا امپریالیستها و سگان زنجیریشان هستند و مضرات مرکب از این جنگ نیز تماما بر شانیه‌های کارگران و توده‌های زحمتکش سنگینی میکند. برای ناخوش و تأکید بر احکام فوق همانطور که گفتیم، رجوع به

تاریخ پخش از راد یو صدای چریکها ۶۵/۱۱/۱۷

کنترل و هدایت جنگ ایران و عراق در دست کیست ؟

و قانون بر بستر شرایط تاریخی - مشخص وقوع جنگها باید بکار گرفته شود و بدون در نظر گرفتن اوضاع اقتصادی - سیاسی آن شرایط و ویژگیهای آن مقطعی که جنگها در آن اتفاق میافتند، توانایی درک پاسخ درست را نخواهیم داشت و نتیجه‌ای جز اغتشاش فکری و سردرگمی پدید نخواهد آمد. در پرتو چنین شناختی است که میتوان دست با دستهای کنترل و هدایت کننده هر جنگی را شناخت و هرگونه روابط و مسائل فرعی و جانبی را نیز بدرستی تشخیص داد.

بر این اساس، برای درک ماهیت جنگ ایران و عراق و در نتیجه ویژگیها و خصوصیات آن، باید به شرایط مشخص تاریخی که این جنگ در آن جاری است و اهداف و منافع سیاستهایی که این جنگ در جهت پیشبرد آنها قرار دارد توجه نمود، تا نقش واقعی سازماندهندگان و مجریان این جنگ ویرانگر بدرستی مشخص گردد.

در عصر امپریالیسم و در شرایط تاریخی که سلطه امپریالیستی بر بخشهای وسیعی از جهان استقرار دارد و امپریالیستها با استثمار و غارت و چپاول نیروی کار و منابع خلقهای تحت ستم به زندگی انکلی خود ادامه میدهند و بخش وسیعی از کشورها را تحت سلطه خود قرار داده و آنها را به بازار فروش کالاها امپریالیستی تبدیل کرده‌اند. در شرایطی که تمامی جوامع تحت سلطه با هزارویک‌رشته مرئی

این سوالی است که از ابتدای جنگ ایران و عراق مطرح بوده و هست و پاسخ درست به آن نه تنها برای طبقه کارگر، بلکه برای هر فرد، هر خانواده و هر قشر و طبقه اجتماعی و خلاصه برای همه خلقهای ما که در جنگی ویرانگر همه هستی و منابع انسانی و اقتصادی خود را از دست میدهند لازم و ضروری است. اما دسترسی به پاسخ صحیح بدون درک ماهیت این جنگ، اهداف و نتایج آن امکان پذیر نمیباشد. بدون تشخیص درست ماهیت و مضمون واقعی جنگ و در نتیجه بدون تشخیص سیاست، طبقاتی که قبل از وقوع جنگ آژندارک میدیدند تا منافع و اهداف خود را حفظ و متحقق سازند دسترسی به آن پاسخ نیز میسر نیست. وقتی این سیاستها شناخته شده، اهداف آن طبقات و نیروهای اجتماعی آشکار و برملا گردید، آنگاه میتوان بروشنی شکل دیگر پیشبرد آن سیاست، یعنی جنگ را شناخت. جنگ یعنی طریق دیگر پیشبرد سیاست، طبقاتی استراتژی و تاکتیک و قانونمندیهای خاص خود را دارا میباشد که بجای خود باید مورد توجه قرار گیرد، راه و روش خاصی که در هیئت جنگ، منافع و اهداف اقتصادی - سیاسی همان طبقات و نیروها در دوره آرامش را باید برآورده سازد. این است کلید و قانون شناخت هر جنگی. اما این کلید

بقیه در صفحه ۲



جنگ امپریالیستی

ایران و عراق و ...

مقاله آقای چارلز پرسی خالسی از لطف نیست. چراکه مسلماً نظرات و ایده‌ها و آمار و ارقامی که گاه در محافل تبلیغاتی مختلف، از زبان طراحان سیاستهای جناحهای گوناگون امپریالیسم جهانی نقل میشود، بیانگر ماهیت نظرات و عملکردهای آنان و خط حرکتشان در رابطه با منافع امپریالیستها در صحنه بین‌المللی و بخصوص کشورهای تحت سلطه نیز میباشد.

بطور مثال همین جناب چارلز پرسی که سابقاً سناتور جمهوریخواه، یعنی همین جناح غالب در دستبگانه حکومتی آمریکا نیز بوده‌اند در مقاله‌اش عنوان میکند:

"ما فراموش کرده‌ایم که تا زمانیکه صلح در دسترس نیست، در خاورمیانه پرنده‌ای وجود نخواهد داشت و جملگی طرفهای درگیر بازنده خواهند بود."

و به این ترتیب با این سخنان قمارشان، در عین حال که میکوشند گرگ منشی و درنده‌خویی امپریالیستها را پنهان سازند، به مانند دایسه مهربانتر از مادر، با سوزوگسداز اینطور جلوه میدهند که گویا ایشان و سایر راهزنان هم‌کیش در دولت آمریکا، بواقع دلشان برای صلح در خاورمیانه میسوزد. همان صلحی که امپریالیستها نه تنها در خاورمیانه بلکه در اقصی نقاط جهان کمر بسته نابودی آن بسته‌اند و بی‌شک امروز کمتر جنگ جنایتکارانه‌ای را در دنیا میتوان یافت که ردها و دستان کثیف چارلز پرسی و سایر همپالکیها پیش، یعنی خدمتگذاران سرمایه جهانی، در آن پیدا نشود. اما گذشته از این، جناب سناتور در این افاضات ناخواسته بر واقعیتی هم انگشت میگذارد و تاکید میکند که در جنگ ضد خلقی ایران و عراق در خاورمیانه، جملگی طرفهای درگیر بازنده خواهند بود. اما همانطور که خود نیز اعتراف میکند "فراموش کرده است" اضافه کند که تنها برنده واقعی این جنگ امپریالیستها و انحصارات و شرکتهای چند ملیتی

مزید خوانی از
وادیو صدای چریکها

فارت کردند که به بهای خون هزاران انسان بیگناه قربانی شده در این جنگ، با تا مین تسلیحات مرکب از برای دو طرف، سودهای هرچه بیشتری را به کیسه سیری ناپذیر خود میافزایند؛ و فراموش کرده‌است که بگوید امپریالیسم و مزدورانش و از جمله خود ایشان از طراحان و سازماندهندگان این جنگ ویرانگر و امپریالیستی بوده‌اند و آقای سناتور بدون شک بر این مسئله به روشنترین وجهی آگاهی دارند. چراکه ایشان با زهم در ادامه مطلب به همان حقیقت انکارناپذیر منتها در شکلی دیگر اشاره میکند به اینصورت که:

"در خاورمیانه‌ای که پررونق‌ترین صنعتش جنگ است، چگونه میتوان انتظار دیگری داشت؟ بلکه! هر رونق‌ترین پیشه برای جنایتکارانی نظیر چارلز پرسی و حکومتهای امپریالیستی و دولت‌های مزدوری نظیر جمهوری اسلامی در خاورمیانه همانا جنگ است؛ و در مخیله چنین موجودات وحشی و خونخواری اساساً سودا و معامله بر سر جان و سرنوشت صدها هزار انسان قصابی شده و با آماده بلاخی در خاورمیانه و ایران و عراق یک‌ایر بدبختی و در حد "انتظار" است.

جدا از نکات فوق آنچه که در مقاله چارلز پرسی از همه جالبتر مینماید آمار و ارقامی است که او راجع به مخارج جنگ ایران و عراق و تلفات انسانی آن اظهار داشته است. او چنین میگوید:

"علاوه بر ۲۵ هزار کشته در جنگ، مقامات ایرانی تخمین میزنند که در ۵ سال اول جنگ، اقتصاد ایران ۳۵۵ میلیارد دلار متضرر شد. یعنی رقمی در حدود ۵ هزار میلیون دلار در ماه. ظاهراً عراق در این مقایسه وضع بهتری دارد. تنها ۱۰۰ هزار عراقی کشته شدند و عراق ماهانه بیست و ۶۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد دلار متضرر شده است. ایران و عراق در سال جاری مجموعاً ۱۵ تا ۱۶ میلیارد دلار صرف جنگ کرده‌اند. رقمی بیش از آنچه که

لبنان برای بازسازی تنها دارد. رقمی بیش از آنچه که بانک جهانی در سال جاری به دیگر مالک و ام خواهد داد حتی رقمی فراتر از کمکهای اقتصادی و نظامی آمریکا در سال جاری."

برای نشان دادن این جنایت تاریخی یعنی جنگ ایران و عراق، همین آمار سرودم بردیده و تحریف شده فوق، خود گویاترین سندند. صد البته که همگان و از جمله جناب سناتور بخوبی میدانند که ارقام سرسام‌آور فوق‌الذکر تنها بیانگر بخش کوچکی از ارقام نجومی و واقعی خسارات مادی و تلفات این جنگ امپریالیستی است؛ و این عنصر جنایت‌پیشه و مهره امپریالیستها خیلی حسابگرا نه و آگاهانه این ارقام را درز گرفته است. چراکه تمامی ارقام یادشده یعنی مجموعه خساراتی که در اثر این جنگ به توده‌های محروم و ستمدیده دو کشور وارد شده، مستقیماً به جیب ایشان و سایر همپالکیها ایشان سرازیر شده و در واقع ایشان در یک کلام، از خون و جان و مال صدها هزار انسان بیگناه و قربانی شده، امرار معاش میکنند. بلکه تنها در یکسال ۱۶ میلیارد دلار ضرر زیان خلقهای ایران و عراق، همان رقمی است که باید در کیسه امپریالیستها و انحصارات و شرکتهای چند ملیتی، آثر یافت.

اکنون دیگر بیش از هر زمان روشن شده است که نظام اقتصادی که جناب سناتور پرسی و سایر اربابان و هم‌ملکانش برای آن سینه‌چاک میدهند یعنی سیستم امپریالیستی، با بحران عمیق اقتصادی و سیاسی عمیق گشته است. و این جنایتکاران بین‌المللی، بحران و رکود و عقوبت‌ناشی از آنرا بی هیچ دغدغهای با انواع حربها و سیاستهای کثیف و ضد خلقی از جمله جنگ، بر سر کارگران و زحمتکشان کشورهای تحت سلطه سرشکن میکنند. هزاران هزارتن از توده‌های محروم و زحمتکش را در میدانهای دهشتناک جنگ قتل عام میکنند تا آخرین مدل از سلاحهای مرکب از خریدار داشته باشد. خانه‌های آنها را بر سرشان ویران میکنند تا سرمایه‌های را کدشان امکان حرکت و سودآوری هر چه بیشتر

مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران و عراق

جنگ امپریالیستی

ایران و عراق و ...

داشته باشد و در یک جمله خون توده‌ها را می‌کند تا بیکسر پوسیده و کندی‌شان به آخرین لحظات حیات ننگینش ادامه دهد. و تازه با بیش‌تر تمام از زبان مزدوران جناح‌ستکاری چون چارلز بریسی اعلام میکنند که: "با توجه به عظمت ابعاد سرازیدی انسانی در خاورمیانه این رقم‌هاچندان بزرگ جلوه نمی‌کنند." غافل از آنکه دیر نیست روزی که خلق‌های بها خاسته ما تاوان بخشی از جنایتهای کثیف جناب سناتور و سایر سردمداران امپریالیسم و مزدوران‌شان در منطقه را از آنها بازستانده و نابودشان سازند.

تاریخ پخش از راد یو صدای چریکها

۶۵/۱۱/۲۳

اعتراف به اشتباه
از سوی ریگان برای
ماستمالی واقعیتها

در حالیکه سران امپریالیسم آمریکا بعد از باصطلاح افشای روابطشان با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی گفته بودند دیگر هیچگونه رابطه‌ای با این رژیم ندارند و کوشیده بودند ابعاد روابط خود با جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر محدود ساخته و آنرا صرفاً به ۱۸ ماه گذشته محدود نمایند و در حالیکه سردمداران مزدور و ریاکار جمهوری اسلامی هرگونه رابطه با آمریکا را انکار میکردند و موصی نخست وزیر ارتجاع، فریبکارانه اعلام میکرد که: "ما دستهای خون‌آلود آمریکا را برای تجدید روابط با ایران بموقع داغ کردیم" (اطلاعات اول دیماه) و با "دست آمریکا بخون تکتک شهدای ما آغشته است" (همانجا) حال معلوم شده است که باز هم ملاقاتی بین نمایندگان جمهوری اسلامی با دولت آمریکا در حدود ۶ هفته پیش در فرانکفورت صورت گرفته است و به این وسیله باز هم برده دیگری از دروغهای

گزیده‌هایی از

راد یو صدای چریکها

بیشمار سردمداران فریبکار در کشور کنار رفته و ریاکاری آنها بیشتر از گذشته روگردیده است.

در شرایطی که ریگان رئیس‌جمهور آمریکا طی مصاحبه‌ای با شبکه‌های تلویزیونی آمریکا اعلام کرده بود: "هدف آنقدر مهم بوده که همه تلاش‌هایی که صورت گرفته لازم بوده‌اند، اما در این میان ما مرتکب اشتباهات زیادی شدیم" و به این وسیله کوشیده بود که در مقابل مخالفین خود در موضع مطلوب‌تری قرار گیرد بهال با شدت یابی تضادهای درونی طبقه حاکمه در آمریکا و افشای دیدار تازه نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا، ریگان مجبور میشود بار دیگر به صحنه آمده و باز هم به "اشتباهات" بیشتری اعتراف نماید.

اینکه چه مسائلی سران آمریکا را واداشته به "اشتباهات زیادی" در اینمورد اعتراف نمایند، و با چرا باره ملاقات ۶ هفته پیش افشاء گشته و سردمداران آمریکا مجبور به اقرار در این زمینه گردیده‌اند را طبعاً بایستی در اوچگیری تضادهای جناح‌های مختلف امپریالیستی جستجو نمود که ریگان را واداشته با توسل به این مانور و تاپید بکسری اشتباهات زیر پوشش مهم بودن "هدف" همه تلاش‌های صورت گرفته در روابط فیما بین جمهوری اسلامی و آمریکا را توجیه نماید.

اوچگیری این تضادها آنقدر شدید است که در وضعیت بحرانی‌ای که آمریکا در آن بسر میبرد بیش‌تر هر لحظه و هر زمان ممکن است مسائل تازه‌ای از این رابطه از سوی جناح‌های مختلف طبقه حاکمه در آمریکا افشاء شده و بنوبه خود بحران موجود را تشدید نماید و از آنجا که ریگان گفته‌است "مسئولیت تمامی اشتباهات را شخصاً بعهده می‌گیرد" این مسئله بدون شک با افشاگریهای جدید به بحران موجود

ابعاد جدیدتری خواهد بخشید. اگر زمانی تمام کاسه‌کوزه‌ها را بوسر جان بپوشند کستر ویا سازمان سیا (C.I.A) و این شخص با آن ارگان می‌انداختند و میکوشیدند چنین وانمود سازند که شخص ریگان در این رابطه دچار اشتباهی نشده‌است، اینبار اوچگیری تضادها آنقدر شدت یافته که ریگان مجبور گردیده خود شخصاً مسئولیت عواقب رابطه با جمهوری اسلامی و فروش اسلحه به آن، و باصطلاح اشتباهات رخ داده در این رابطه را بعهده بگیرد. زیرا کار بجایی رسیده است که دیگر نمیشود افکار عمومی مردم آمریکا را با انداختن بار مسئولیت مسئله بر عهده این یا آن اداره، یا فلان رئیس و مرئوس و با توسل به استعفا ی این شخص با آن شخص فریب داده و سرکرم نمود. بخصوص که در این میان جناح مخالف ریگان فعالانه بر علیه رقیب در قدرت، خود دست به افشاکاری میزند. و هر روز چشمه تازه‌ای از شاکارهای حریف را رو مینماید، گرچه این امر مشخصی است که این افشاگریها صرفاً در رابطه با تسویه حساب‌های درونی طبقه حاکمه آمریکا بوده و به مفهوم مخالفت جناح مقابل ریگان با داشتن رابطه بسا ایران و با فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و غیره نمیباشد، زیرا که تمامی جناح‌های امپریالیستی چه امریکائی و چه غیر آن مرتباً از ایران بعنوان مهمترین مهره شطرنج در یکی از استراتژیک‌ترین مناطق جهان نام برده و میبرند. و اتفاقاً ریگان هم در آنجا که میکوید هدف آنقدر مهم بوده که تمامی کارهایی که انجام شده لازم بوده‌اند بر همین اهمیت استراتژیک ایران در منطقه و نقشی که جمهوری اسلامی در اجرای سیاستهای امپریالیسم در منطقه بر عهده دارد انگشت‌گذاشته تا به این وسیله ضمن فریب افکار عمومی، رقبایش را نیز خلق سلاح نماید.

در رابطه با ملاقات ۶ هفته پیش نمایندگان جمهوری اسلامی با نمایندگان آمریکا در فرانکفورت که اخیراً افشاء گردیده است شولتز وزیر امور خارجه

برای وصل ارتباط با سازمان
به پایگاه‌های چریکهای فدائی
خلق ایران در کردستان
قهرمان مراجعه نمایند.

رفقای هوادار!

اعتراف به اشتباه

امریکا صمن ناشد این مسئله تاکید نمود که از سوی وزارت امور خارجه دستور قطع مذاکرات با نمایندگان جمهوری اسلامی در فرانکفورت صادر شد، ولی علیرغم این دستور "سازمان سیا" به مذاکرات خود با نمایندگان ایران ادامه داد.

جدا از صحت ادعای شولتز مبنی بر دستور قطع مذاکرات و جدا از اینکه این سخنان با چه هدف و انگیزه‌ای مطرح شده است ولی همین اظهارات شولتز بخوبی بیانگر شدت اختلافات جناحهای گوناگون هیئت حاکمه امریکا میباشد که علیرغم دستورات رسمی وزارت امور خارجه از سوی سازمان سیا این دستورات نادیده گرفته شده و ملاقات جدیدی بین امریکا و جمهوری اسلامی علیرغم میل وزارت امور خارجه صورت گرفته و ادامه یافته است.

این اختلافات هرگونه که پیش رود نشان از یک امر مسلم و تردیدناپذیر دارد و آن اینکه جناحهای مخالف ریگان قصد دارند تا ضمن اتمام اعمال غیر قانونی دولت ریگان و کلاً جمهوریخواهان، افکار عمومی امریکا را در زمانیکه انتخابات ریاست جمهوری در امریکا نزدیک میشود در جهت عدم ملاحظیت آنها سوق داده و راه را برای بی اعتبار نمودن هر چه بیشتر شخص ریگان - در چارچوب سیستم موجود - و شکست جناح او در انتخابات هر چه بیشتر هموار سازند.

بنابراین چه موسوی نخست وزیر ریگان و رژیم اعلام کند که "ما نسبت به امریکا کینه‌ای مقدس داریم" (اطلاعات اولدی) و یا خمینی فریبکارانه کاخ سفید را کاخ سیاه بنا دهد و به هر وسیله‌ای برای انکار رابطه با امریکا متوسل شود، رشد تفادها واقعیات هر چه بیشتری در رابطه با وابستگی این رژیم به امریالیسم را عیان خواهد ساخت. و اتفاقاً تمامی خیمه‌شب‌بازیهایی رفسنجانی از نشان دادن انجیل امضاء شده بقلم ریگان گرفته تا پاسپورت‌های ایرلندی مقامات امریکائی و اراجیف دیگری که طی محابیه‌های گوناگون با خبرنگاران مختلف مطرح نموده است همه و همه بازتاب همین جنگ قدرت در بین جناحهای امریالیسم امریکاست، امری که اتفاقاً در زمان انتخابات چند سال پیش که باعث شکست کارتر و

گزیده‌هایی از

آرشیو صدای چریکها

پیروزی ریگان گشت نیز خود را بخوبی نشان داد و آشکار گردید که شکست کارتر بر اثر عدم آزادی گروگانهای امریکایی در ایران، به اعتبار وعده‌و وعیدها و زدوبندهای جمهوریخواهان با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، در رابطه‌ای تنگاتنگ قرار داشته است، و اعمال مزدوران جمهوری اسلامی از این جنگ قدرت در میان اربابانش، نشأت گرفته بود.

پس خیمه‌شب‌بازیهایی رفسنجانی و اراجیف خمینی پیرامون شکست امریکا در رابطه با جمهوری اسلامی را باید بمنابا همه‌تلیفات دروغین دیگر این رژیم در نظر گرفت و مسائل موجود را در چارچوب فوق بررسی و تحلیل نمود چراکه سرنوشت این جنگ قدرت در بین جناحهای مختلف امریالیسم هرچه باشد سناسنهای مورد اجرای جمهوری اسلامی نیز بر آن اساس تعیین خواهد گردید. در نتیجه نیابستی این خیمه‌شب‌بازیهایی را بحساب عدم وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امریالیسم گذاشت. آنطور که امریالیست‌های صمی دارند جلوه دهند. بلکه اتفاقاً باید آنرا بمنابا دلیل دیگری بر سرسپردگی هر چه بیشتر این رژیم به امریالیسم ارزیابی نمود.

امریالیست‌ها در طول این ماجرا همیشه کوشیده‌اند که ثابت نمایند جمهوری اسلامی رژیمی مستقل بوده و آنها گویا خواسته‌اند بخاطر اهمیت استراتژیک ایران با آن "تجدید رابطه" نمایند در حالیکه واقعیت زندگی روزمره نشان میدهد که رابطه ایران و امریکا هیچگاه واقعا قطع نگردیده که حال بخواد تجدید شود و اتفاقاً خود خمینی و رژیم ددمنش اش را همین امریکا روی کار آورد و تاکنون نیز شرایط ادامه عمر ننگین آنرا میسر ساخته است.

مرک بر امریالیسم و سگهای زنجیرش!
مرک بر فریبکاران و دغلسکاران!



از صفحه ۲۱

کنترل و هدایت جنگ...

و نامرئی بدرجات مختلف در سیستم جهانی امریالیسم تنیده شده‌اند و رژیمهای اینگونه جوامع، رژیمهای وابسته به امریالیسم میباشد که مجری و پیش برنده سیاستهای امریالیستی محسوب میشوند. و بوروکراسی و ارتش در این کشورها جز ابزار و وسایلی در خدمت حفظ و مداوم سلطه امریالیستی نبوده و نیست، و بالاخره در شرایطی که بحران ژرف و عظیمی در این سیستم جهانی امریالیستی را گرفته است و در مداوم این بحران هر روز حلقه‌های ضعیف‌تر این زنجیره جوامع امریالیستی، هرچه بیشتر فرو میریزد و با انقلابات راهشیمخ‌نویین خلقهای تحت‌تسم، آزادی خود را میبایند و با رهائی هر خلقی از نظام موجود، امریالیست‌ها بکقدم به مرگ محتوم تاریخی خود نزدیک میشوند. یکی از مهمترین وسایل فاشق آمدن و تخفیف بحران امریالیستی، برپایی جنگهای امریالیستی از سوی امریالیست‌هاست. جویره اگر در نظر آوریم که بعد از جنگ جهانی دوم و بخصوص با تجربه جنگ ویتنام، امریالیست‌ها بخصوص امریالیسم امریکا میکوشند از دخالت مستقیم در کشورهای تحت سلطه تا حد امکان بپرهیزند و در نتیجه در جهت منافع خود، از طریق رژیمهای وابسته‌ای همچون جمهوری اسلامی اهداف خود را پیش میبرند، بهتر میتوان به واقعیت برپایی و مداوم جنگهای نظیر جنگ ایران و عراق پی برد، اوضاع و شرایط عمومی که وقوع این جنگ را ایجاد کردند چه در کل خاورمیانه و چه در ایران را، در بستر چنین تحلیلی میتوان در دو زمینه بهم تنیده بین المللی و داخلی بدینگونه برشمرد:

غلبه بر بخشی از بحران امریالیستی از طریق ملیت‌آریزه کردن کسل خاورمیانه و در نتیجه فروش کسلان کالاهای تسلیماتی گوناگون چه به کشورهای منطقه و چه به دو کشور در حال جنگ و تحکیم موقعیت سیاسی و نظامی امریالیست، سرکوب جنبشهای انقلابی و متروقی منطقه و بدست آوردن سود سرشار ناشی از سرمایه‌گذاریهایی که برای با مصالح بازسازی ویرانه‌های

←

کنترل و هدایت جنگ ...

جنگ صورت میگیرد و خواهد گرفت و غلبه کردن بر بحران اقتصادی اجتماعی جامعه ایران که ناشی از بحران جهانی سیستم امپریالیستی بوده و سرکس کردن تمامی بار بحران بر کرده توده ها از طریق اخراجهای وحشیانه، کم کردن و قطع برخی تولیدات و سوق دادن تولیدات و بودجه ها در زمینه های کاهش دهنده بحران، سرکوب جنبش انقلابی وسیع و عمیق توده ها، بازبازی و افزایش ارگانهای سرکوبگر و تجدید سازمان و تقویت روحیه ارتش، نابودی نیروهای جوان و فعال جامعه بمثابه ذخیره های انقلاب و غیره اهداف و خواسته های امپریالیسم یعنی سرمایه داری انحصاری بودند که به این وسیله پاسخ درخور خود، یعنی پریایبی جنگ را از سوی امپریالیستها یافتند.

امپریالیستها بر اساس تجربیات تاریخی و منافع آنی خود مناسبت ترین راه حل این معضلات و مشکلات سرمایه جهانی و وابستگی آنها در پریایبی و تداوم جنگ کنونی می بینند. در نتیجه جنگ ایران و عراق در توافق امپریالیستها و رویزیونیستها و بر علیه منافع انقلاب خلقهای ایران و عراق و در بعدی وسیعتر کل منطقه خاور میانه سازمان یافت. بدین گونه جنگ وسیله و طریقی شد که این سیاستهای نظام امپریالیستی به پیش برده شود و وسیله ای گردد برای پاسخ به همه آن منافع و اهدافی که شمرده شد.

پس جنگ ایران و عراق سازمان یافت تا به منافع امپریالیستها و بورژوازی وابسته بدانها خدمت کند. و این امر میبایست از طریق رژیمهای وابسته اجرا شود تا بیطرفی ظاهری امپریالیستها حفظ گردد و دستمان خون آلود آنها از انظار پنهان بماند. بر این اساس دیگر آنچه دستاویز پیشبرد این سیاست قرار میگرفت اهمیتی نداشته و ندارد چرا که برای آغاز جنگ همیشه میتوان موضوعاتی چون اختلافات مرزی و یا رسیدن به قدس از راه کرپلاراً طرح و تبلیغ نمود.

بنابراین جنگ ایران و عراق که از جانب جمهوری اسلامی در پوشش جنگ "حق بر علیه باطل" و یا "اسلام بر علیه کفر" تبلیغ میشود، در واقعیت

گزیده هائی از

واژه های چریکها

در خدمت منافع امپریالیستها و برای حل معضلات و بحرانهای آنها، و بر علیه خلقها و انقلاب توده ها است که مازمان نیافته است. بر این اساس، ماهیت امپریالیستی و ارتجاعی این جنگ، جنگی که در خدمت منافع و سیاستهای امپریالیستهاست آشکار میگردد. و درست بر این اساس نیز طولانی بودن آن و تداومش، تساهل بر آوردن اهداف انحصارات امپریالیستی و طبقات وابسته به آنها، با تاکتیکهای متنوع قابل توضیح میباشد.

ما این حقایق را بارها و بارها در نشریات سازمان ابراز کرده و بر آن پای فشرده و آشکار کرده ایم. و سیر وقایع نیز در طول بیش از ۶ سال، به روشنی هرچه تمامتر تحلیلها و گفته های ما را در باره ماهیت امپریالیستی جنگ، طولانی بودن آن، نقش بحران زدای آن و نیروها و دستهای کنترل کننده آن به اثبات رسانده است.

اکنون نیز نگاهی گذرا بسه تاکتیکهایی که در جنگ بکار گرفته میشود و یا حتی گفته های ناخواسته و از روی ناچاری دولتمردان کشورهای امپریالیستی، و بویژه آنچه که در پیرامون دیدار مک فارلین و آشکار شدن روابط باصلاح پنهانی جمهوری اسلامی و آمریکا بر زبانها، جاری میشود، آن مواضع و تحلیلها را با روشنی هر چه بیشتری مستدل میازد.

بر اساس تحلیل ماهیت امپریالیستی جنگ، بروشنی میتوان تاکتیکهایی که در طی این جنگ امپریالیستی بکار گرفته شده است را توضیح داد و به این وسیله نیز نشان داد که هدایت و کنترل جنگ توسط امپریالیستها صورت میپذیرد. ندادن امکانات و سلاحهای برتر و پیچیده به جمهوری اسلامی و داشتن آن در بکارگیری تاکتیک امواج انسانی و در مقابل تحویل سلاحهای مدرن و پیشرفته هوائی و زمینی به عراق، کنترل بمباران شهرها و مناطق مسکونی و تخریب و قطع آن در لحظات انفجاری مبارزات توده ها، تخریب و نابودی کنترل شده و هدایت شده منابع و مبادین نفتی و تا سیسات اقتصادی دو طرف، بنحوی حساب شده و بکارگیری سلاح شیمیایی

و بی تفاوتی عملی جامع امپریالیستی و بازهم در اختیار نهادن این سلاح به نیروهای درگیر، استفاده از جنگ در جنگ قیمتهای نفت در اوپک و غیره همگی گویای نقش امپریالیستها در کنترل و هدایت جنگ است.

و در این چهارچوبه و محدودیتهاست که مجریان این جنگ به اجرای وظیفه خود مشغول بوده و ضمن پیشبرد سیاستهای امپریالیستی با هباهوهای ضد امپریالیستی به فریب توده ها همت گمارده اند. واقعیتها بیوشنی نشان میدهند که این امپریالیستها هستند که کنترل جنگ را در دست داشته و در کنفرانسهای رنگارنگ جهانی خود نیز، درباره آن به بحث و فحش میپردازند، تا از درهم ریختگی سریع و وسیع اوضاع در خاور میانه در خلاف جهت منافعشان جلوگیری نمایند.

در ضمن دادن اطلاعات گمراه کننده از طرف سیا (C.I.A) به دو طرف جنگ، برای جلوگیری از پیروزی یکطرف بر طرف دیگر، که اخیراً از سوی نشریه نیویورک تایمز در حواشی دبسدار مک فارلین و بیامدهای آن افشاء گردیده و حتی توسط مسئولین دولتی عراق نیز بنحوی تأیید شد بروشنی یکی از راهها و شیوه های این کنترل را فاش میازد. بهر حال هر روز که میگذرد سیر وقایع، تاکتیکهای بکار گرفته شده، ابعاد نجومی و غول آسای فسروش تسلیحات گوناگون و پیچیده ای نظیر سیستمهای دفاع هوائی و غیره، میزان خرابیهای که جنگ به بار آورده، نقش امپریالیستها و اسرائیل که حتی توسط رسانه های امپریالیستی نیز برخی جوانب آن آشکار گشته است، بر ماهیت امپریالیستی این جنگ و هدایت و کنترل آن توسط امپریالیستها و توافق و همکاری رویزیونیستها در این رابطه دلالت کامل دارد.

حال که این جنگ در جهت اهداف امپریالیستها و منافع آنها سازمان یافته و جریان دارد و بر ضد اهداف و منافع خلقهای ماست و فوج فوج از توده های تحت ستم و بویژه جوانان مادرسلخهای آن قربانی میشوند، حال که تمامی معائب و بدبختی آن بردوش توده های کارگر و زحمتکش شهری و روستایی قرار دارد و بار توان فرسای چندین ساله آنها با تحمیل انواع مالیاتها و اخاذیها و بمبارانها و قربانیسی دادنها بردوش میکشند، این وظیفه خلقهای ماست که هر چه فعالیت در

بغیه در صفحه ۱۰

زندگینامه رفیق شهید قاسم سیادت از اعضای کادر مرکزی سازمان

در مبارزه، به مرکزیت سازمان پذیرفته شد. از جمله عملیاتها و درگیریهای رفیق قاسم مواردی بانک ملی زنجان، درگیری با مزدوران رژیم شاه در خیابان فرست و پمپ بنزین شهساز و فرماندهی یورش به مرکز قرارگاه پلیس را میتوان نام برد.

رفیق قاسم پس از حدود ۴ سال زندگی و مبارزه مخفی و شرکت دردهها عملیات قهرمانانه، سرانجام در روز قیام خلق در جریان حمله برای تصرف رادیو تهران در میان ارک که رهبری یکدسته از چریکهای فدائی خلق را بر عهده داشت، در راه پلههای ساختمان رادیو مورد اصابت گلوله قرار گرفت و شهادت رسید. شهادت رفیق قاسم در ۲۲ بهمن و در روز قیام خلق و درست ۸ سال پس از آغاز مبارزه مسلحانه بوسیله بارانش در جنگهای سهاکل، بروشنی تداوم مبارزه رزمندگان سهاکل و تا شهادت عظیمش را در مبارزات تودهها و در جریان قیام بهمن نشان میدهد. اگر در سهاکل چریکهای فدائی با خون خود راه مبارزه را به خلق نشان میدادند، حال ۸ سال پس از آن روز تاریخی، رفیق قاسم در پیشاپیش تودهها، در جریان تصرف رادیو تهران بروشنی میدید که پیام آن رزمندگان چگونه واقعیت یافته و شرایط برای تودههای شدن مبارزه مسلحانه آماده گردیده است.

کرامتی یاد خاطره
رفیق شهید قاسم سیادت



در سنگر بود سیادت

در سنگر بود سیادت

در سنگر خلق

در سنگر چریکهای فدائی خلق بوده سیادت

در خانواده ای تنگدست

پدری افلیج

کودکانی گرسنه و ژنده پوش

در لرستان دلاوران زاده شد سیادت

در مرحله ای فقیر میگشت

کت و کفی و دفتر نداشت سیادت

بقیه در صفحه ۳۲

بلکه ماهیانه کمک خرجی هم برای مادرش میفرستاد. در این دوره فعالیتهای سیاسی اش شدت یافت بطوریکه سه بار توسط عمال ساواک در تبریز دستگیر شد، لیکن چون مدرکی از او نتوانستند بدست آورند مجبور شدند او را آزاد کنند. بار سوم دستگیری، تحت شکنجههای وحشیانه قرار گرفت و پس از ۲۶ روز تحمل همه اذیت و آزارهای دژخیمان ساواک، بر اثر فشار دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تبریز به اتعاق چند دانشجوی دیگر آزاد گردید. با پایان تحصیلات، دوره نظام وظیفه خود را در شیراز و بعد خرم آباد به انجام رسانید.

در بهمن ۵۲ با همزم غسود مینا طالب زاده شوشتریان که دانشجوی سال سوم رشته حسابداری مدرسه عالی بازرگانی بود ازدواج کرد و پس از پایان خدمت نظام در کارخانه کارشن البرز در شهر صنعتی قزوین و سپس در کارخانه کاشی پارس مشغول به کار شد و در نتیجه درک هر چه روشنتری از شرایط زندگی طبقه کارگر، که او را در راه آرمانهایش بها خاسته بود بدست آورد.

در این سالها با توجه به آغاز مبارزه مسلحانه توسط چریکهای فدائی خلق و ایمان رفیق قاسم به مبارزه مسلحانه بمثابه تنها راه رسیدن به آزادی، در ارتباط با چریکهای فدائی خلق قرار گرفت و بعطت مذاقت و آگاهی و ایمانش خیلی زود به عضویت سازمان پذیرفته شد.

در اواخر فروردین ماه سال ۵۴ با یگانش مورد یورش ساواک قرار گرفت. در یک نبرد نابرابر در خیابان زیبای تهران همسرش مینا طالب زاده شهادت رسید و رفیق قاسم با عزمی آهنین زندگی مخفی خود را آغاز نمود.

رفیق قاسم در طول زندگی پر بار مبارزاتی اش در عملیات و درگیریهای زیادی شرکت داشت و بعطت آگاهی و خصال انقلابی اش، پیگیری و جسارتش

رفیق شهید قاسم سیادت در سال ۱۳۲۵ در شهر بروجرد در یک خانواده فقیر متولد شد. پدرش فلج بود و او دومین فرزند از خانواده ۵ نفریشان بود. رفیق قاسم دوره ابتدائی را در دبستان ۱۵ بهمن بروجرد با موفقیت به پایان رساند و سپس در دبیرستان پهلوی (دکتر شریعتی کنونی) دوره اول متوسطه را گذراند و در دبیرستان بحرالعلوم در رشته ریاضی در خرداد سال ۱۳۴۵ موفق به اخذ دیپلم گردید. با استیضاح برادر بزرگش در یکی از بانکها وضع مادی خانواده نسبتاً بهتر شد و قاسم در ۱۵ بهمن ماه سال ۲۵ توانست در رشته مشاور و راهنمایی دانشمندی عالی تهران به تحصیلات خود ادامه دهد. در این سال بود که او در محیط دانشگاه با مسائل سیاسی و اندیشههای علمی آشنائی یافت و از آنجا که خود با فقر بزرگ شده بود و طعم تلخ آسرا با تمام وجود احساس کرده بود با اشتیاق تمام در جهت درک علل واقعی فقر و بدبختی تودهها و راههای معوی و نابودی این شرایط دهشتناک کوشید. او فجایعی را که توسط حمله وحشیانه رنجرها و عمال سرسپرده رژیم وابسته به امپریالیسم شاه در دانشمندی عالی در همین سال صورت گرفت از نزدیک مشاهده نمود و از آن درس گرفت. با آشنائی هر چه بیشترش با مارکسیسم لنینیسم و با توجه به تجربیات زندگی اش، هدف خود را هر چه روشنتر و قاطعانه تر تعیین نمود و با عزمی راسخ در راه مبارزه بر علیه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته به آن گام گذاشت.

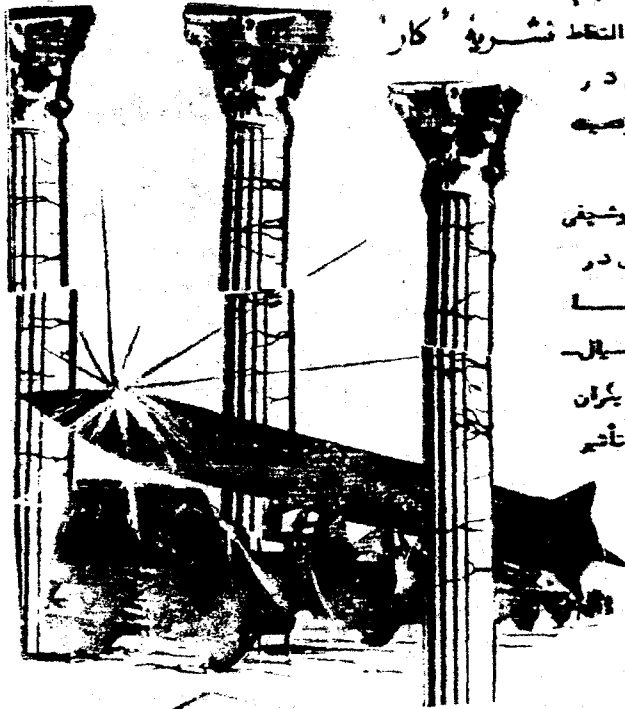
در مهرماه سال ۴۷ دانشمندی را ترک نموده و در رشته مهندسی برق دانشکده فنی دانشگاه تبریز به ادامه تحصیل پرداخت. با توجه به وضع مالی خانواده اش در سال دوم اقامتش در تبریز برای تامین هزینه تحصیلاتش شروع به تدریس نمود و با تلاش فراوان نه تنها مخارج خود را تامین میکرد

گفته‌ها و نکته‌ها

بدون شرح

علاوه بر این مانند همه امپریالیستها شوروی نیز سعی دارد نیروهای پایانه خود را تنوع بخشیده بوق و شکرهای ستاد شوروی از لابلای ستونهای و با جلب نیروهای جدید توسعه دهد تا قادر باشد با شکست یکی بلافاصله دیگری را برای انجام "وظایف" علم کند. سازمان چریکهای فدائی خلق از همان ابتدای تأسیس خود بحالت التکلف مشهوره "کار" ریشخند ارش و وسط نشینی در جریان حادثین مبارزات دو خط در جنبش کمونیستی بین‌المللی در دهه ۶۰ یعنی مبارزه خط انقلابی برهبری مائوسونه دون علیه روتزیونیسم خروشچیفی و موصیه امپریالیستی شوروی در جریان همیشه یکم از هدهدهای این سیاست شوروی بوده است.

حتی مرزندی احد زاده و نابدل و دیگران تحت تاثیر مبارزه مائوسوب روتزیونیسم خروشچیفی چنان همه جانبه و محکم نشد که راه را برای جدائی کامل تشکیلات از طرفداران دولت شوروی در "سپنخا" باز کند. آنها و ادامه دهندگان خطشان بر محور مبارزه مسلحانه با طرفداران شوروی همزیستی کردند و تاکنون نیز نتوانستند بطور غنی و قاطعانه موقعیت سوسیال-امپریالیسم شوروی و خطرات آنرا برای جنبش ما فاش کنند و در کارزار افشاگرانه‌ای که توسط دیگران علیه این بلوت امپریالیستی پس از انقلاب ۵۷ برآه انداخته شد و در جنبش تسودهای تأثیر مهمی داشت سهم نداشتند.



صفحه ۲

انتشارات اتحادیه کمونیستهای ایران (سریداران)

شماره ۲۵ ریبال

کمیته کردستان

حقیقت

شماره ۱۰۲۵ ۱۳۵۹ بهمن

سرسال

**برگ بر آنهایی که
بخواهند بر سر این
جنگ سازش کنند!**

از اسناد کماطلا معلوم میگردد که از آنجایی که سازمان امر - کانی دارای ارسنسلط در فروسین سگاسی که کمند ۲۷ در صفحه ۲

نظریه با مسئله جنگ می - ند. و اکنون رزمه - ناحی باعسائی تا عراق و - ن دادن به جنگ آورده باکر اسائی - محسی سنا همان حسری که اسرخا ساسادگاسی در مده سه سکند - فرمیسان ان کا کمه مالا سکورد. بر و مده ناحی و ساسا بران با و ای اسبران

درباره توطئه علیه رئیس جمهور (اطلاعیه)

دست جمعی ۱۲ مرداد توسط عناصری ارتجاعی انداران حزب - النهی با اطلاعهای کرم و سرده سرول رشن جمهور علیه دولتها دادند. وی را سرور ساساند. سی صدر رشن جمهور رنورطی ساسی به مردم گفت که میخواهند سجان اوسا بندگند مردم سهران! برای حمایت از رشن صدر و مغاند ساسا ساسان ساس که سنی او با س حسمت و اسمدت حزب خاکسم هند. در اطراف سرول اسان جمع سوید و امریکه ساسی را خود بدست گرفتند.

۱۲ مرداد اتحادیه کمونیستهای ایران

اعزام گروهی از اعضا و هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران - گیلان به جبهه‌های جنگ

از آنجا که رتبه از سرحد پس مؤدودای پیش - اتحادیه کمونیستهای ایران در پیش لورد شرکت همه اطلاع و هواداران فریض را برای دفاع از انقلاب و سمن اعزام نموده و طرده ملاتن جنگ در کتا رهدههای مؤدود و دیگر رهروای انقلابی و سمن پرست به بهرین راند ستها و زمین مؤدود. ریشی پرودا سگاس است. ادا مد و گسرفی این جنگ تنها وزگا و ده. لورد شرکت روز افزون توده‌های مردم و تسلیم سگاسی آنان را در جنگ جبهه ساسا جبهه‌های امپریالیسم افکار رزمیها ده. یکتبه در صفحه ۲۱

صفحه ۲۲
حقیقت
شماره ۵۵

صفحه ۹
حقیقت
۱۲۷

اتحادیه کمونیستهای ایران
کمیته گیلان
کمیته گیلان
کمیته گیلان
کمیته گیلان

حقیقت

شماره ۱۰۳

پایان سخن: آن فدائی و این فدائی!!

اکثری می‌تواند بود
ز با این همه آقا کرده اند:
دوره کنونی که
ربیع مبارک طغیان گهرمان
ما با نام شما و نام ما با نام
بها و فدایی گره گسوده
است.

ما کارها را چه که آیا واقعا
تا ربیع مبارک مبارزان سرور
ایران با نام شما فدایی
گره خورده است یا نه! ولی بیگ
نکتته را میدانیم و آن اینکه بیرون
آن فدایی که در میان سرور
بچه برای خود جای باز کرد
با این "فدائی" زمین کسا
آسمان انقلاب است.

آن فدایی آنکه به شما
ربیع پیوسته و با و دانده شده. آن
که شما را خوار کرد. آنکه با نام
و کار و آثار را خدزاده و پویسان
و تا بدیل بر سر زبانها افتاده
در هدایت با ساز فلک و سلطنت
پوی با دشمنان مردم متولد
شد. ولی این "فدائی" بسا
نگد مال ساختن از مسکن آن
فدایی. با بر سر کسب دارن
سنت انقلابی آن فدایی اولی
ما زنی و زده پسته پندیده میکنند!

پایه در صفحه ۲۲

فدائی

آن فدائی در طمان غلبه
استنداد دو معلمان حاکم بر جامعه
وسرای آزادی مردم سرور در
آمدن و این فدائی با آزادی
سنت کرده و سر ستم در معانی
سپروهای مستند و آزرده آن
فدائی با تمام غلبه خاص
روبروی سرور و معنی. با سر
امراض علم سار و ره غلبه
نور با سرور و معنی با سر
خرمه سار و گداز. و این
فدائی با سر ستمی در
مقاتل و سرور و سرور با همه
شور با همان سرور با سرور
بدهد و ندرت با هم و این
گزارهای و معنی سرور و معنی
سازمندان خود را ستم
فدائی قطع کرد. پس آن فدائی
بی و این فدائی که ستم
بیرون است که سر ستم و
حیات. پس ما و سرور و
روبروی سرور.

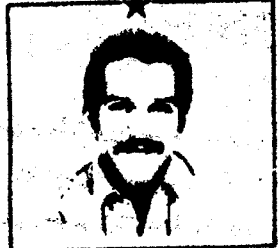
آن فدائی خرمه با سر
کی بود که در سر ستم
رحمانی در سر ستم. و این فدائی
بی گرم ستمی است که در
سور و سرور گداز. انقلاب ایران
مرومی ندارد. فدائی معنی
سحابی است با سرور و انجمنی
سوده ای حول در ستم
معنی ستم.

آن فدائی و این
فدائی انقلاب و مردم سرور
ولی این فدائی معنی
فدائی رو بر سرور و سرور
است!

حقیقت

شماره ۱۱۳ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۶

در رتای



رفیق شهید قاسم صراف زاده

رفیق ابوالقاسم صراف زاده عضو کادر رهبری اتحادیه
کمیونتهای ایران در راه جبهه جنگ شریک شهیدان

نوشتید

با ما در سال ۱۳۲۸...
میرزا با نام صراف زاده...
کمیونتهای ایران...
شماره ۱۱۳

پیام رهبری اتحادیه کمیونتهای ایران به
مناسبت شهادت رفیق قاسم صراف زاده

۱	قاسم شفیق (نام اصلی قاسم صراف) (۱۳۲۸/۷/۱)
۲	نام مادر (۱۳۲۸/۱/۷)
۳	نام پدر
۴	تاریخ تولد
۵	تاریخ شهادت (۱۳۲۸/۱/۷)
۶	مکان شهادت
۷	مکان دفن
۸	مکان تدفین
۹	مکان خاکسپاری

کتابها و نشرها

شماره ۹۲
۱۳۴۹
پیرامون نقطه نظرات ضد میهنی و ضد
مازیستی. بیکار
هم نوانی با امپریالیستی
نتیجه محترم چپ نهائی

برای مقابله با تجاوز
ارتش موزون عراق
مستحقان را مسلح
شودید.

برافراختن پرچم اتحاد ملی و مقاومت
توده ای در برابر تجاوزگران تنها پرچم
انقلابی و شعار دفاع از انقلاب و میهن
تنها شعار انقلابی در جنگ کنونی است.

صفحه ۴
حقیقت
شماره ۹۲

نگنده‌ها و نکته‌ها

حقیقت

شماره ۹۳ ۱۲ مهر ۱۳۵۹

سیاست شکست طلبی و جنگ داخلی
فصل در عراق می باشد

مخبره

در خدمت منافع کمونیستها و نیروهای
استلابی ایران و عراق در برابر سیاست
فدائیان طلبی و مقاومت فعال در ایران و

صفحه ۵
حقیقت
۹۱۵

جنگ ایران و عراق و موضع گیری ارتجاعی انحرافکاران 'چپ'

تبدیل برآمدها و مصری - انکاره ما در اینجا به سازمان -
ایران و عراق بیک جنگ تمام - های پیکار را "ارتجاعی" -
عیارشان ملت فهرمان سناو "وحدت انقلابی" و همبستگی
ارترسنا و ورکارست عسراي "اعلیت عداوت ان طلق" می -
که برضو گفته ابرو در مسناو باشد که طبعی او این انحرافکاران
به عمد یا بومی انقلاب ایران کاران را بستن داده و بخواهد
عمل میکند، تزیلی نمکسه به برطرف ان عداوت که پس و عد
انحرافکاران "چپ" اصطلاح منی سیاسی صورت طلبی است
سجاسی خود را بنمایان گدارند بهیبه در معصه ۲

تجاوز اشرار بعثی به ایران و سیاست امپریالیسم آمریکا

تجاوز گسوده ارتسین
بشورسی عداک ایران
۲۷ شهریور ۱۳۵۹ جنگ ایران
و عراق در مرحله عمومی
پدخسه مردم انقلابی ایران
بشورسویهای انقلابی و
بب برت بدوسی است
وری ترماسه و فاشنیسی
بم بعثی در عراق را نوظنه
بیریالیم آمریکا طسرح
بی شده و راشتکنش و بناس
ب دروبایی کرشد و مبارزه
ب بیرون رادن است
ب دریس را کام مسمسار
است ارتسا و ردهای انقلاب
ب عدال میهن مرپروا دا صسه
بمیر انقلاب شکومسما ایران
بسه از این روملت ایران
به کارکریممان ایران و
بکسانی که دل درگرو آوا همی
بخلل ایران دارند، بسسود
بعثی عشیارانه عداک با
بسی امپریالیسم آمریکا

نکاتی درباره سیاست رذیلانه ابر قدرت شوروی در پرتو تجاوز اشرار بعثی به ایران

مهره واقعی بر سر
شوری میسایست عورت
بالبسی و اسماگر در پر سو
جنگ ایران و عراق
طسهای میهن ما ستر ارتسین
آکلهفت ما ها بود که
حکومت ایران او شوروی منی
حراس که صورتی سلحه عراق
رافغ کند (شوری سانسسی
۱/۵ میلیون دلار سلحه و زرم
بعثی عراق تحویل میداد اولی
ترتیب اثری ار حاسات شوروی
داوه شده و منی ثوبه - اسری
طبعی است روزاول مهرماه
بسسی درست روزس او را جور -
گستوده انوار بعثی به ایران
ساون تمام تکربنی طاقسی
به سگوشا میکنند و سوسب
"دوستی و محبتت او" بود
بنن دو زرم "کدامیرا لیست"
بغیبه در معصه ۶

تجاوز عراق و مسئله ارتش

عنده حمله تاجورکاره
ارتش شوروی عراقی به عداک
میهن مان، در همین حال عداک
عسماگر میهن ما که در روزی
تا ماهی روزو سانی تسرا
در مورد مسئله ارتش، در واقع
یکی از مایلی که جمعا بعثه
سیاسی جامعه گداره و خود را
طسکردهمین مسئله ارتسین و
نوعه بررور عسرو طای مشعلیت
سیاسی جامعه میهن برداشته
تجداسی از ایتا است که بر او صله
بغیبه در معصه ۸

کیشان

نکته ۹ آورده ۱۳۶۵
شماره ۱۴۸۹۷
۲۲ شهریور ۱۳۵۹
۳۰ نوامبر ۱۹۸۷

تمایز مردم بطورده
عدم فاطمیت قوه قضائیه و
برخی موارد عدم صلاحیت

انجمن اسلامی اعانت کرده و
فضایی نموده است و هنگامی
که از او شکایت می شود،
دادسرا بجای رسیدگی به
شکایات و دلجوئی از
حزب اللهی ها از منهم با احترام
پذیرائی نموده و پیگیری
پرونده را به تاخیر می اندازد
که از نهایت همان لوث شدن
موضوع است.

ناطق گفت: **چشمه مستضعفان**
است که قوه قضائیه با تمایز
محترم فریمان احمد آناد و
شخصی از کشتان برخوردار کند
ساعت یازده شب از را بدون
دعوت قبلی به هنگام ظهر
برنامه رادبوگی در محل صسه
و سیما ۷ بدون آراک حکم
جلب کرده و وی را ساعت
دو نیمه شب داخل زندکائی
می کنند که عده ای قاچاقچی
و یاقق در آکبا صسه ای
اتهام یگ تمایزده ایقتد سگین
و مهم است که نیمه شب باید
جلب شود، آن هم بدون آراک
حکم و با آن وضع زنده
چنانکه که بریاست محترم
مجلس عرض کنم کسی که
جرم سیاسی سنگین داشته باشد

اسماعیل فدائی

نماینده مردم سرزند اراک
آخرین ناطق قبل از دستور

تمایزده مردم در بند اراک خطاب به بنیاد مستضعفان گفت:
بنیاد مستضعفان که خود باید الگو باشد، چرا یکباره حقوق
کارمندان را از چهار هزار و پانصد تومان به پانزده هزار تومان
برای دیپلمه ها و هجده هزار تومان برای لیسانسها بالا برده
است؟ و چرا برای راه اندازی کارخانه پروتسین لرستان باید از
درآمد مستضعفان در آن استفاده کند؟ مگر اراک، اطرافش فقر
و فلاکت وجود ندارد؟ همچنین در خصوص خرید کالا از خارج
افزود: بنا بود با نظارت مجموعه ای از وزرای محترم، تمام
خریدها از طریق وزارت بازرگانی از خارج صورت پذیرد اما نه
تنها نشد، بلکه وضع دفاتر عریض و طویل مختلف در خارج از
کشور به نحوی است که ارزش فراوانی می بلعد و احياناً غیر از
ضررهای مادی، زیانهای معنوی نیز به بار می آورند.

دوشنبه ۱۵ دیماه ۱۳۶۵
صفحه ۵
شماره ۲۸۸

مهرگان



سال چهارم
شماره پنجاه و هشتم
۱۵۰ ریال



بایک قطعه اسکناس صد تومانی چه چیزهایی میشود خرید؟!؟

فتوکی برایتان میگفتند اما امروز
کاغذ زیراکس قدرتش از کاغذ اسکناس
بیشتر شده بنابراین با پرداخت
صد تومان بیش از بیست و پنج برگ
فتوکی برایتان نمیگیرند.

اگر خیال سفر و زیارت
دارید، بعضی اتوبوسهای درب و
داغان با این پول شمارا از ترمینال
جنوب تا مشهد میبرند، اما به یاد
داشته باشید که موقع برگشتن از
ترمینال تا منزل باید حداقل دو
برابر این پول را کرایه تاکسی
بپردازید.

اگر شما خواننده عزیز هم
مثل بنده هنگام مطالعه نیاز به
عینک دارید و نمره عینکتان بالا
رفته لاید لازم است شیشههایش را
عوض کنید، با صد تومان یکی از
شیشههای عینکتان را عوض میکنند.

در این صورت باید موقع مطالعه
چشمی را که شیشه را عوض
نکردماید ببندید و فقط از چشمی
که شیشه عینکتش تازه است استفاده
کنید. با این ترتیب هم در خرج

کردن پولتان صرفه جویی کردهاید و
هم در مصرف چشمتان و بعد از ده
سال خواهید دید از چشمی که
استفاده نکردماید نو مانده عین
جنس آکبند که تازه از لای زورق

در آورده باشند. دست آخر اگر
دلالتن خواست صد تومان را در
هیچکدام از راههایی که عرض کردم
خرج کنید لطف کنید پنج تومان
هم بآن اضافه کنید، حالا با پرداخت
صد و پنج تومان میتوانید هفت ماه
مجله نگاهیهون بخرید، بخوانید و
بخندید. خدا حافظ شما.

حسن خروس

شد. مکانیک دیگر با این پولها
حاضر نیست بیاید اتومبیلتان
بباید. درست مثل عیادت بیمار
است در مطب پزشک که با عیادت
در منزل زمین تا آسمان تفاوت دارد.

اگر بخواهید اتومبیلتان تمیز
شود، ممکن است کنار خیابان با
صد تومان آنرا روشویی کنید، تمیز
کردن داخل اتاق و موتور اتومبیل
بمدهه خودتان خواهد بود. اگر

هوس کردید نان و پنیر میل بفرمائید
بدانید که با صد تومان میشود ۸۳۳
گرم پنیر اعلای سبزی خرید، ولی
پول نان و سبزیاش را باید از جای
دیگر تامین کنید.

زیانم لال اگر بخواهید کره
با اصطلاح شهری بخرید "چون کره"
قالبی پاستوریزه مدتها است که
نایاب است "میتوانید باندازه"

دویست و پنجاه گرم کره در فریزرتان
جا نگهدارید و یقین داشته باشید
که با صد تومان دویست و پنجاه گرم
جسی شبه کره که قدری هم چرب
است بشما خواهند داد.

در صورتیکه مایل باشید
پولتان را در زمینه مواد گوشتی و
پروتنینی بکار اندازید. یک کیلو
مرغ آزاد یا سیصد و سی و سه گرم
گوشت فیله "البته بی استخوان"
خواهید توانست بخرید.

همچنین در مورد شیرینی جات
با خرما، صد تومان باندازه یک
کیلو ونیم از این اجناس قدرت خرید
دارد. کاغذ ولوازم التحریر هم
ارزان نیست دو تا دفتر شصت برگ
و یک خودکار را به صد تومان میدهند.
تا چندی پیش با پرداخت
صد تومان پنجاه برگ زیراکس یا

راستی هیچ فکر کردماید که
وقتی یک اسکناس صد تومانی در
جیب دارید، چه چیزهایی میتوانید
بخرید؟!؟

بباید دیگر صد تومان چقدر
کارآئی دارد؟

اگر تا بحال فکر نکردماید، ما
بجای شما این کار را کرده ایم و
برایتان شرح میدهم.

اگر اتومبیل دارید و کویس
بنزین هم در جیبتان هست میتوانید
سی لیتر بنزین معمولی بزنید و در
صورتیکه اهل بذل و بخشش و انعام
دادن نیستید، ده تومان هم برایتان
باقی میماند. البته با صد تومان
بنزین سوپر بنزی توان زد چون اصولاً
بنزین سوپر وجود ندارد. اما با
ده تومان باقی مانده میشود دوبار
باد چرخها را تنظیم کرد.

اگر خواستید باز هم در همین
زمینه خدمتی به اتومبیلتان بکنید
فادر خواهید بود با صد تومان یک
لیتر ضد یخ بخرید لازم به گفتن
است که رادیاتور اتومبیل شما
حداقل به چهار لیتر ضد یخ نیاز
دارد تا در زمستان موتور آن یخ
نزند بنابراین یک لیتر ضد یخ کمی
شکم رادیاتورتان را ولرم خواهد
کرد.

اگر اتومبیلتان اتفاقاً جلو
در مکانیکی خاموش کرد، مکانیک
احتمالاً حاضر خواهد بود با دریافت
صد تومان پنج دقیقه وقتش را تلف
کند، اتومبیلتان را ویریت و احتمالاً
اگر عیب اساسی نداشته باشد روشن
کند. میگویم جلو در مکانیکی، باین
علت است که اگر فقط با صافه دویست
متر با دکان مکانیکی ماشین خاموش

تختگاهها و بنگاهها

پنجمین شماره آذر ماه ۱۳۶۵
۲۷ ربیع الاول ۱۴۰۷ - شماره ۱۲۸۹۲

کیشان

● سخنان نماینده کرج
عبدالمجید شرعینند نمایند
جدید کرج در مجلس شورای
اسلامی دومین سخنران قبل از
دستور جلسه امروز مجلس بود.
وی در ابتدای سخن خود
گفت: از مردم کرج انتظار
مراقبت، انتقاد و حمایت دارم.
وی با اشاره به فرارسیدن
پنجاهمین سالگرد شهادت سید
حسن مدرس به بیان گوشههایی
از حیات فردی اجتماعی و
سیاسی وی به عنوان الگوی
نمایندگی پرداخت و گفت:
پویندگان راه شهدا باید همیشه
بمانند "مشیی فرست طلب
و ریاست پرست و بنده ذلیلاً
توطئه و کارشکنی و تهسو
دروغ بر این ملت مسلط نشوند
آنان که در تقسیم کار همیشه
کارهای آب و نان دار و سهل
و ساده و گرم و نرمش را آور
بنت جبهه را برای خود و
فرزندان و استگان وصلهوا کرده
مخواستند و جبهه و جنگ و
مهلول و منحوج شدن و
گرسنگی و محرومیت را برای
دیگران و اگر روزی هم برای
عوامفریبی و ریا و خودنمایی و
از روی درمآندگی سری به
جبههها بزنند، در حالی که
دهها کیلومتر سازه جبهه جنگ
بپور هستند، در کار تاکی
استاده و عکس میگیرند - که
در شهرها هنگام برخورد با
مشتریان نا آگاه دکان خود
آنان را فریب دهند که متا
هم مرد جنگیم و به جبهه
میرویم.



تشدید بمباران شهرها و مناطق مسکونی

در بهمن ماه با تشدید جنگ امپریالیستی ایران و عراق، بار دیگر تاکتیک وحشیانه و جنایتکارانه "جنگ شهرها" در ایجاد وسیع بکار گرفته شد و در نتیجه شهرهای بسیاری تحت بمبارانهای شدید و وحشیانه قرار گرفتند و عده زیادی از مردم ستمدیده به شیوهای قساوت آمیز قربانی این جنگ امپریالیستی گشتند، و با در سرمای طاقت فرسای زمستان خانه و گاشانه خود را از دست داده و آواره روستاها و بیابانهای اطراف شهرهای بمباران شده گردیدند. آمار کشته‌ها و زخمیهای این بمبارانهای وحشیانه علیرغم کوشش جمهوری اسلامی برای کم جلوه دادن آن بی اندازه زیاد بوده و بیانشگر ایجاد جنایتی است که به این وسیله بر خلقهای ستمدیده ما تحمیل گردیده است.

تاکنون شهرهای بسیاری در دو کشور ایاج این حملات قرار گرفته‌اند و کودکان و دانش‌آموزان بسیاری، وحشیانه قربانی اهداف پلیس امپریالیستها و سگهای زنجیرشان در این جنگ ویرانگر شده‌اند.

ما بار دیگر ضمن محکوم کردن جنگ امپریالیستی ایران و عراق و بویژه تاکتیک جنایتکارانه "جنگ شهرها" یعنی بمباران شهرها و مناطق مسکونی از سوی دو طرف درگیر و به هر بهانه که صورت گیرد و ضمن آنکه به بستگان و خانواده‌های قربانیان این بمبارانهای وحشیانه بار دیگر صمیم قلب تسلیت می‌گوئیم اعلام می‌کنیم که تنها راه خاتمه دادن به این جنگ ویرانگر گسترش مبارزات توده‌ها بر علیه جنگ در جهت رشد و گسترش

جنگ انقلابی خلقها بر علیه این جنگ امپریالیستی است.

"جنگ شهرها" در ضمن بیانگر سیاستهای ارتجاعی رژیم است که بجای دفاع از شهرها و ایجاد پناهگاه برای مردم بی‌دفاع بی‌شرمانه ساختن پناهگاه را بر عهده خود مردم گذاشته و همچنان در جهت منافع امپریالیسم بر طبل جنگ میکوبد و عریده‌های پیروزی قریب الفوج سر میدهد. رژیم که بنا به ماهیت ضد مردمی‌اش هیچ مسئولیتی در مقابل حفظ جان و اموال مسرمد برای خود احساس نکرده و همچنان توده‌ها را قربانی منافع و مظاهر اربابان امپریالیستش در این جنگ ویرانگر نموده است.

در جریان دوره جدید "جنگ شهرها" شهرهای بغداد، بصره، سلیمانیه، خانقین، زورباطیه، چوارته، اماره، علی‌غریبی و... از سوی جمهوری اسلامی و شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم، کرمانشاه، سنندج، شیراز، اراک، ارومیه، دزفول، سنقر، همدان، ایلام، خرم‌آباد، دورود، ملایر، تویسرکان، بانه، کاشان، خمین، اهواز، ماهشهر، میاندوآب، دهلران، سوسنگرد، تفرش، آشتیان، پل دختر، بروجرد، قروه، زیوه، مریوان، رودبار، مهلباد، پیرانشهر و... از سوی عراق بطور فتوالی و تقریباً هر روز بمباران گردیدند.

در جریان این بمبارانها خسارات زیادی به مردم وارد شد و برای نمونه در مهاباد (میدان حیوانات معروف به میدان خمینی) شدیداً بمباران گردید و حدود ۶۰۰ کشته بجای گذاشت و با در تبریز بمباران خیابان شهناز

یعنی یکی از شلوغترین مناطق شهر حدود ۷۰۰ کشته بجای گذاشت در میان و ارومیه بمباران مدارس فجاج جدیدی آفرید.

لازم به تذکر است که بعضی از شهرهای شرق در طی یکروز چندین بار بمباران شده‌اند و در برخی از شهرها مردم به ما مورین دولتی اجازه ندادند که در کار کمک‌رسانی و انتقال کشته شدگان و مجروحین دخالت نمایند و خود رأساً همه اقدامات لازم را انجام دادند هر بعضی از شهرها مردم بر علیه جنگ به تظاهرات برخاستند و بر علیه رژیم و سیاستهای ارتجاعی‌اش شعار دادند و اکثر شهرها اهالی مجبور به تخلیه شهر شده و در سرمای طاقت فرسای زمستان آواره روستاها و بیابانهای اطراف گردیدند. در شهرهای ارادل و اوپاش از موقعیت پیش آمده استفاده کرده و اموال مردم را غارت نمودند و در بعضی از شهرها ما مورین دولتی از ترس خشم مردم در هنگام بمبارانها و بعد از آن از حضور در ملا عام و جلوی چشم مردم خشمکین خودداری ورزیده و در سوراخهای خود خزیدند. ما بار دیگر ضمن محکوم کردن بمباران مناطق مسکونی به هر بهانه و از سوی هر طرف مردم مبارز ایران را دعوت می‌کنیم که هر چه وسیعتر به جنبش ضد جنگ پیوسته و صدای اعتراض خود را به هر شکل ممکن بر علیه جنگ ویرانگر و خانمانسوز بلند کنند و اجازه ندهند که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بیش از این برای حفظ منافع اربابان امپریالیستشان از قربانی جنگ امپریالیستی نماید. واقعتاً ۷ ساله جنگ کثونی بروشنی نشان داده است که تنها راه پایان دادن به این جنگ امپریالیستی برای مردم ما نابودی رژیم مزدور جمهوری اسلامی و قطع نفوذ امپریالیستها در ایران است.

ما در زیر در میان گزارشات که در رابطه با بمباران شهرها به دستمان رسیده مبادرت به درج چند گزارش کوتاه مینمائیم.

الف - شهر کرمانشاه در جریان بمبارانهای اخیر:

بدنیال بمباران شهر کرمانشاه، مردم این شهر به روستاها و مواکز اطراف شهر و با به شهرهای دیگر بخصوص سنندج روی آوردند. رژیم مزدور خمینی با استقرار نیروهای سرکوبگرش

اخبار...

در نقاط خروجی شهر، کوشید از خارج شدن مردم بهدفاع که تنها راه نجات خود را خروج از شهر میدانستند جلوگیری کند؛ اما علیرغم تمامی این تمهیدات، با خروج بخشی از اهالی، شهر حالت عادی خود را از دست داد و اغلب ادارات و موسسات دولتی نیز تعطیل شدند.

رژیم از ترس گسترش مبارزات فدائی جنگ توده‌های بجان آمده، اجازه تشیع و تدفین قربانیان بمبارانها و کشته شدگان در جبهه را به خانواده‌های آنان ننمیدهد، اخیرا نیز گروهی از مردم جنگزده این شهر که بر اثر بمبارانهای وحشیانه مجبور به ترک شهر شده‌اند در مقابل بنیاد ام‌سور جنگزدگان تهران دست به اعتراض زدند و شعارهایی علیه رژیم و جنگ ارتجاعی سردادند. مزدوران جمهوری اسلامی در ابتدا سعی کردند که با سخنرانی و وعده وعیدهای توخالی مردم را قریب داده و به این اعتراض خاتمه دهند اما هنگامیکه بر اثر آگاهی و مقاومت مردم این حیلۀ آنان کارساز نیفتاد، با فراخواندن مزدوران کمیته‌چی بزور اسلحه و تهدید به دستگیری موفّق شدند اعتراض کنندگان را متفرق سازند.

ب- گزارشی از سنندج :

شهر سنندج در شرایطی آماج هواپیماهای عراقی قرار گرفت که عده زیادی از مردم کرمانشاه به این شهر پناه برده، و مورد حمایت اهالی مبارز و قهرمان شهر سنندج قرار گرفته بودند.

فاحت ۴/۵ روز یکشنبه ۲۸ دیماه، محلات مختلفی از شهر سنندج بوسیله هواپیماهای عراق وحشیانه بمباران گردید. در این حمله هوایی محلات چهارباغ و فیض آباد، خیابان ادب و خیابان ژاندارمری بمباران شدند که موجب کشته و مجروح شدن عده زیادی از اهالی گردید و خانه و کاشانه بسیاری از مردم ویران گشت. در پی بمباران شهر، مردم از همه جا بسوی محلات بمباران شده روی آوردند و اقدام به خارج نمودن کشته‌ها و زخمیها از زیر آوار و ویرانیها و دفن کردن کشته‌شدگان نمودند. در تمام اقدامات فوق، مردم خود پیشقدم بوده و حتی گاها اجازه دخالت به مزدوران رژیم

را نمیدادند. مردم سنندج به دستفروشی که در ادامه جنگ امپریالیستی ایران و عراق، بارها مورد هجوم هواپیماهای عراقی قرار گرفته‌اند، اینبار نیز با خشم و نفرت بر علیه رژیم مزدور خمینی و جنگ امپریالیستی دست به اعتراض زده و با شعارهای خنود نفرتشان را نسبت به جنگ رژیم آشکار ساختند. این اعتراضات در محله پیر محمد و در مقابل بیمارستانها صورت پذیرفت. مزدوران رژیم برای کنترل توده‌ها و از ترس گسترش این اعتراضات تعداد زیادی از نیروهای سرکوبگر را در مقابل بیمارستانها مستقر ساختند. در جریان این اعتراضات در محله پیر محمد ۳ تن از پاسداران مزدور مستقر در شهرپانی توسط توده‌های مردم به هلاکت رسیدند و یکی از ماشینهای مزدوران رژیم که با چند سرنشین از آن محل عبور میکرد مورد حمله مردم خشمگین قرار گرفت و واژگون گشت، اما سرنشینان آن توانستند جان سالم بدر برده و از جنگ مردم بگریزند. در چند نقطه شهر نیز دانش آموزان بر علیه رژیم و جنگ تظاهراتی بر پا کردند. در خیابان ۱۷ شهریوردر جریان تظاهرات وقتی مزدوران سرکوبگر با مقاومت دانش آموزان و مردم مواجه گشتند، بدون آنکه بتوانند کاری انجام دهند، مجبور به ترک آن محل گردیدند. اکنون شهر سنندج تقریبا بحالت تعطیل کامل درآمده است و بجز چند مغازه نانوايي، بقیه مغازه‌ها و ادارات و موسسات دولتی و مدارس و غیره تعطیل شده. مردم سنندج نیز مانند اهالی بقیه شهرهای بمباران شده در این هوای سرد زمستان مجبور به ترک شهر شده‌اند و به روستاها و کنار جاده‌ها و شرکتهای ساختمانی نیمه‌ساز مجاور شهر پناه برده و در آنها اقامت نموده‌اند.

از صفحه ۲۶

در سنگر بود سیادت

خانها و سردارها را دید و نفرت ورزید
سرما به داران را دید و کینه انداخت
وسپیش هنوز با به نینداخته بود
که فریاد زد مرگ بر امپریالیسم
و با رژیم خونخوار درآویخت سیادتی

چون شهاب به قلب دشمن میزد
و چون گوزنی چالاک از دید میگریخت
هنگامیکه هنوز دود اسلحه اش در هوای
سحر تاب میخورد
آتش تندر بود سیادتی

درکوی زیبا، درشهباز
دوشادوش همسر ز منده اش جنگید
و چون درستگر نشست
همسرش را شهید یافت سیادتی

در پمب بنزین شهباز جنگید
و مسلسلش ما شینهای گشتی را غریبال کرد
در خیابان فرصت فریاد زد "زنده یا دلق"
و در کله‌های جاسوسان آتش کشود.
بانک ملی زنجان را معادره کرد
و در قیام بهمن تفنگش در انبوه تفنگهای
خلق به گردش در آمد
به مرکز گشتی های پلیس پورش برد
فرمانده پورش بود سیادتی

آنگاه در میدان ارک سنگر گرفت
و در رگبار رگلوله‌ها چرخید و در خون نشست
سیادتی
شهید بیست و دوم بهمن
اولین فدائی شهید بر دروازه‌های قیام
شهیدی که خوش چون برجی سرخ
روی دریاى مشت گره خورده کارگران در
اهتزاز است



۲۹ بهمن سال ۵۲ رفقا خسرو
گل سرخی و کرامت دانشیان پس
از آنکه بیدادگاههای شاه را بیه
صحنه محکومیت رژیم وابسته
تبدیل کردند در منشانه بیه
جوخه‌های اعدام سپرده شدند

یادشان گرامی و پسر رهرو باد

اخیر...

خشم و نفرت توده‌های شهرارژوم مزدور خمینی و جنگ امپریالیستی به حدی است که مزدوران رژیم جرئت ظاهر شدن در نقاط تجمع توده‌ها و برخی محلات شهر را ندارند. در بعضی نقاط که مزدوران رژیم برای آرام ساختن توده‌ها به توزیع نفت پرداختند با اعتراض وسیع مردم مبارز و پرشور شهر روبرو گشتند و با زمانیکه میخواستند اجساد قربانیان را بسازند در گودالهایی که در قبرستان شهر کنده بودند بریزند با اعتراض شدید مردم نسبت به این اقدام کثیف مواجه گشتند و اهالی، مزدوران را مجبور به ترک قبرستان نمودند.

جمهوری اسلامی آمار کشته‌شدگان این بمبارانهای وحشیانه را در سنج ۲۲۵ نفر و مجروحین را ۲۵۵ نفر ذکر کرده اما طبق اخباری که تاکنون به دست ما رسیده حداقل تاکنون ۲۵۰۰ نفر از اهالی بی‌هتاف شهر سنج قربانی جنگ ویرانگر امپریالیستی گشته‌اند.

در جریان این بمبارانها تاکنون دوبار اهالی شهر بزغلیه جنگ تظاهرات کرده و حداقل ۸ مزدور رژیم را بهلاکت رسانده‌اند.

تبریز

در بمبارانهای اخیر:

در هفته‌های اخیر شهر تبریز در اثر بمبارانهای پی در پی چهره خاصی بخود گرفته است. بوی مرگ و خون در تمامی شهر پیچیده و دیگر از آن جنب و جوش همیشگی خبری نیست. بعضی از نقاط شهر به ویرانه‌های تبدیل گشته و پیرو جوان سیاهپوش و عزادارند حتی کودکان نیز بوی مرگ و خون را احساس میکنند و اینرا در فریادهای دلخراش خود بوضوح تمام نشان میدهند چراکه صدای آژیر و انفجار جسمها لبخند زندگی را از لبانشان محو ساخته است. در جریان بمبارانهای اخیر، معدوده پالایشگاه و کارخانه تراکتورسازی و نیروگاه برق که قرار بود بزودی شروع بکار کند شدیداً آسیب دیدند و عده‌ای از کارگران و کارکنان آنها نیز جزء قربانیان این جنگ لعنتی میباشند. خیابان شهناز و چهارراه سیروس که از پررفت‌وآمدترین

مراکز شهر میباشد، وحشیانه بمباران شده‌اند بطوریکه تا چند روز جمع‌آوری اجساد طول کشید و تاکنون تنها از چهارراه سیروس و اطراف آن ۷۵۰ جسد شناخته شده و به خانواده‌هایشان تحویل گردیده است.

در یک سالن کنفرانس که تعداد زیادی از پزشکان و کادرهای درمانی در آن جلسه گذاشته بودند بر اثر بمباران حدود ۱۵۰ نفر کشته و مجروح شده‌اند.

این ارقام وحشتناک بروشنی علت وحشت و ترس حاکم بر تمامی شهر را آشکار میسازد چراکه با هر صدای آژیر خطری مردم احساس میکنند که ناقوس مرگ نواخته میشود و لحظه‌وداع با عزیزان فرا رسیده است. به همین دلیل با صدای هر آژیر خطری مردم به تکاپو میافتند تا جان خود و عزیزانشان را به هر قیمتی که شده نجات دهند و از آنجا که از پناهگاه خبری نیست بخشی از مردم، شهر را تخلیه کرده‌اند و به شهرهای دیگر و یا به روستاها پناه برده‌اند و آنهایی که چنین امکانی را نداشته‌اند در این سرمای زمستان به اطراف شهر و زیر پله‌ها پناه برده و در نتیجه جاده‌های تبریز به تهران، سلماس و مهاباد، منزلگاه انبوهی از اهالی زحمتکش شهری گشته و خانواده‌هایی نیز از سر لاعلاجی به

زیورمینهایی که خود نیز بخوبی میدانند که در مقابل بمبهای مرگزا پناهگاهی نیست پناه میبرند. در میان مردمی که به شهرهای دیگر رفته‌اند عده‌ای نیز به شهر میانه رفته‌بودند تا از بمبارانهای وحشیانه در امان باشند اما انگار که مردم هر کجسای بروند مرگ نیز بدنشان روان است چراکه با بمباران میانه عده‌ای از اهالی تبریز نیز قربانی این جنایت وحشیانه گشتند. ازدحام مردم برای خروج از شهر باعث افزایش شدید کربله و وسایل نقلیه عمومی گردیده است بویژه که بنزین نیز کوفتی شده و بقیه‌ست کرانی در بازار آزاد خرید و فروش میشود در نتیجه کربله هر تفسر از تبریز به مراغه به بیش از ۵۰۰ تومان رسیده است.

موج انفجارها شیشه بسیاری از منازل را شکسته است و مردمی که صبحها از شهر خارج میشوند و برای بیابان را تحمل میکنند زمانیکه شبها برای استراحت به منزل باز میگردند با نبودن شیشه و سرمای شدید با مشکلات زیادی مواجه میشوند و البته این تنها مشکل نیست چراکه بعضی از خانواده‌ها در بازگشت به منازل خود دیگر وسائل قابل توجهی در خانه خود نخواهند داشت چراکه اراذل و اوباش که عده‌ای از آنها با پاسداران مزدور

۱- ما برای خلق کودکان حق تعیین سرنوشت و حق جدائی قائلیم.

۲- برای تحقق حق تعیین سرنوشت و حق جدائی برای خلق کرد شرایط دمکراتیک جهت بیان اراده آزاد توده‌های خلق کرد لازم است.

۳- برای ایجاد شرایط دمکراتیک مطمئن جهت تجلی اراده خلق کرد در تعیین سرنوشت خود، درهم‌شکستن قدرت دیکتاتوری امپریالیستی و مناسبات اجتماعی وابسته نه تنها در کردستان بلکه در سراسر ایران لازم است.

۴- برای درهم‌شکستن دیکتاتوری امپریالیستی و برانداختن مناسبات اجتماعی وابسته، همانطور که خلق کرد پیش از ۴ سال است با تجربه خود آنها درک میکند، تنها راه یک جنگ توده‌ای طولانی است.

۵- به نسبت آنکه سرزمین کردستان از وجود نیروهای سرکوبگر امپریالیستی پاک میشود، باید با برانداختن مناسبات کهن و برقراری قدرت توده‌ای بر اساس روابط دمکراتیک نوین، نطفه‌های حکومت خودمختار آینده کردستان را به صورت دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان کردستان ریخت.

(از: موضع ما درقبال مسئله ملی در ایران بطورکلی و در کردستان بطور مشخص)

اخبار...

نیز در ارتباط میباشد از شرایط پیش آمده استفاده کرده و امسوال مردم را بسرقت میبرند.

در جریان بمبارانها، مغازه‌ها تعطیل شده و بازار از جنب و جوش میافتد و در نتیجه تهیه مایحتاج اولیه مورد نیاز مردم به سختی امکانپذیر میگردد. قیمتها شدیداً بالا رفته و بعضی از اجناس کمیاب میشود و در نتیجه با رنجیدی بردوش زحمتکشان افزوده میشود. اهالی شهر نه تنها باید با مرگ ونیستی دست به گریبان باشند بلکه باید با کرائی و گرسنگی و آوارگی نیز مقابله نمایند.

از آنجا که وحشت از بمبارانها و تاشیرات موجهای انفجاری تعادل روانی عده‌ای را از بین برده است این مسئله نیز به مشکلات بعضی از خانواده‌ها افزوده گشته. پرستاری از این نوع بیماران در این شرایط آوارگی و دربدری به مشکلی بزرگ تبدیل گردیده است.

این معاشب نفرت و انزجار مردم را از جنگ صد چندان نموده و اهالی شهر با تمام وجود خشم و نفرت خود را از رژیم و جنگ امپریالیستی نشان میدهند.

اینها تصویر کوچکی از زندگی فلاکتبار، در شرایط بمباران و جنگ شهرها در کشور ماست. شهرهایی که آتش جنگ خانمانسوز و امپریالیستی ایران و عراق بر تمام جوانب حیات اجتماعی آن سایه افکنده و شاید بتوان گفت که زبان خود توده‌های زحمتکش، واقمیت و ابعاد آنرا از هر نوشته و گزارشی بهتر بیان میکنند. نمونه زیر گویای روحیه این مردم است. روحیه مرگباری که توسط یک ایرانی و در قسمتی از نامه‌ای که برای دوستانش نوشته، اینچنین تصویر شده است:

" و اینک با فرا رسیدن شب، گسترش تاریکی در عرصه خوف و وحشت برای مردم فرا میرسد و شب بهمراه خود بوی مرگ را به ارمغان میآورد.

وحشت‌نا از مرگ بلکه از چگونه مردن؟ و چرا مردن؟

در این یکنواختی زندگی، بیماران و مرگ و کشتار برای مردم بعنوان یک

تنوع درآمده است و اما چه تنوع رجزآوری که زندگی را از حالت یکنواختی به قهقرای بدبختی سوق میدهد. آری در اینجا مرگ را بشکلی فجیع به توده‌ها تحمیل میکنند و مرگ هر لحظه ممکن است بعنوان میهمانی ناخوانده آنهم در شبانگاه ظلمت میهمان تو شود و یا بهتر بگوئیم تو را میهمان کند و چه مرگی؟! "

اخبار ایران

★ - رژیم مزدور خمینی برای تامین هزینه‌های جنگ امپریالیستی ویرانگر از کیسه مردم از هیچ کوشش و تلاشی در سرکشیه کردن توده‌ها فروگذار نمیکنند و هر روز به راه و شیوه جدیدی توسل میجوید. در همین رابطه علاوه بر اخاذیهای کوناگون و متنوع و منجمله جریمه‌های ساختمانی، اخیراً حلیسه جدیدی را بخدمت گرفته است که طی آن و در رابطه با احداث واحدهای مسکونی، عوارض تازه‌ای بنام عوارض پذیره، از مردم اخذ میکند.

★ - برافرتادام جنگ امپریالیستی و تاشیرات مخرب آن میزان تولید پالایشگاههای کشور به حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است. در حالیکه فرآورده‌های نفتی و سوختی مورد نیاز مردم، بیش از یک میلیون بشکه در روز میباشد.

★ - بدنبال وقوع زلزله در نواحی بندرلنگه و ممسنی، چندین روستا آسیب دیده و مردم این مناطق در فصل سرما، بدون سرپناه مانده‌اند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که همه چیز را در خدمت جنگ قرار داده است و بیش از $\frac{1}{3}$ بودجه کشور را به جنگ ارتجاعی اختصاص داده، تاکنون هیچگونه کمکی به توده‌های محروم و زلزله زده ننموده است.

★ - صدها تن از خانواده‌های زندانیان سیاسی، در اعتراض به شکنجه و فشارهای وارده بر فرزندانشان در مقابل دادستانی رژیم جمهوری اسلامی دست به اعتراض زدند. این اعتراض که چند ساعت بطول انجام میدهد، در روز ۶۵/۱۰/۲۵ صورت گرفت. بدنبال این تجمع اعتراضی و حمایت مردم از آن، مزدوران رژیم وحشت زده شده و از ترس گسترش این مبارزات سریعاً به مقابله با آن برخاستند. در ابتدا مزدوران رژیم کوشیدند تا از طریق مردوری بنام انصاری، خانواده‌های زندانیان را بفریبند. ولی هنگامیکه با اعتراض و افشاکری خانواده‌های مبارز زندانیان سیاسی مواجه شدند، چندین اتوبوس مملو از پاسداران را روانه محل مذکور نمودند. این مزدوران با یورش به خانواده‌ها و به منظور ایجاد رعب و وحشت، تعدادی از خانواده‌های معترض را دستگیر کرده و چشم بسته به زندان اوین بردند. بعداً تعدادی از این خانواده‌ها آزاد شدند. از سرنوشت بقیه دستگیرشدگان اطلاعی در دست نیست.

با ما مکاتبه کنید

خوانندگان مبارز "پیام فدائی" برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظریات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای بنویسید و بکوشید با مکاتبه با نشریه رابطه هرچه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده‌ها و به مجموعه هواداران متکسی باشد.

اخبار ...

★ - بدنبال اعتراض و مقاومت قهرمانانه زندانیان سیاسی در زندان اوین، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، شکنجه و سرکوب زندانیان سیاسی را تشدید نموده است. و اخیراً لاجوردی جنایتکار مجدداً اما بطور غیر رسمی در زندان اوین مشغول به انجام وظیفه جلادیش گردیده است.

★ - جبهه‌های جنگ امپریالیستی اکنون شاهد اعتراض و مقاومت دانش‌آموزان گردیده و دانش‌آموزان خواستار آنند که در جبهه‌های مرک و نیستی فریادی نشوند و به کلاسهای درس و زندگی خود بازگردند. در این میان رژیم نیز به آنان اعلام کرده که در صورتی که برگ تسویه حساب نداشته باشند، به مدارس راه داده نخواهند شد. در گردان امام حسین که اکثریت تشکیل دهندگان آن دانش‌آموزان هستند، در خواست برگ تسویه حساب بعد وسیعی یافته و مزدوران رژیم مجبور شدند برای مقابله با این وضعیت، به محملین قول مرخصی بدهند. اما دانش‌آموزان ضمن سر دادن شعار: "ما مرخصی نمیخواهیم، با مرگ با تسویه" دست به اعتراض زدند. از سوی دیگر بنا به گفته جلال نوری، مدیر کل آموزش و پرورش مازندران، در حال حاضر با دایر شدن مجتمعات آموزشی در خطوط مقدم جبهه، طبق آخرین آمار ۵ هزار دانش‌آموز در این مجتمعات در حال تحصیل هستند.

★ - تلاشهای رژیم مزدور خمینی جهت اعزام اجباری توده‌ها به جبهه‌های جنگ امپریالیستی ایران و عراق همچنان با شیوه‌ها و ترفندهای گوناگون ادامه دارد و اخیراً بنیاد امور مهاجرین جنگی و قیامخانه اعلام کرده است که کلیه آوارگان و مهاجرین جنگی برای اعزام به جبهه‌ها اعلام آمادگی کرده‌اند!! همچنین مسئولین آموزش و پرورش استان تهران در سمینار رؤسای ستاد جنگ آموزش و پرورش اعلام کرده‌اند که دانش‌آموزان پسر دبیرستانها و مدارس راهنمایی تهران و حومه در روزهای ۱۲ تا ۲۲ بهمن به جبهه‌ها اعزام میشوند و با اینکه رژیم بار دیگر دست به فراخوان مجدد مشمولین سالهای ۴۸ تا ۴۶ زده و به کلیه مراکز و ارگانهای بسیج اعلام نموده که تا ۱۵ بهمن اقدام به ثبت

کارباشیخ، حریفان به مدارانشود
نشود یکسره، تا یکسره رسوا نشود

عارف قزوینی
شاعر و ترانه‌سرای آزاده



اول سالجاری از طریق مالیات بدست آمده است. این در حالی است که به گفته همین مزدور درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۵۶، فقط ۱۰٪ بسوده است. این آمار بخوبی نشانگر شدت فشارهای مالیاتی را بر کرده توده‌های رنج کشیده، میهنمان میباشد.

★ - اخیراً انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف تهران از دانشجویان خواسته است که کلاسهای ترم آینده را معوق گذاشته و روانه جبهه‌ها شوند. همچنین به دانشجویان دختر دانشگاه آزاد ابلاغ شده است که شرط ادامه تحصیل گذراندن سه ماه در جبهه‌ها میباشد. در رابطه با سیاست سرمایه‌گیری رژیم، شهرداریها نیز موظف شده‌اند که سهمیه‌ای اجباری جهت اعزام به جبهه‌ها تعیین کنند. آموزش و پرورش کلیه استانهای کشور نیز موظفند سهمیه اجباری تعیین شده که فقط از تهران ۱۴۵۰۰ دانش‌آموز میباشد را روانه جبهه‌های مقدم جنگ امپریالیستی نمایند.

★ - کمبود و جیره‌بندی مسواد سوختی و از جمله نفت و گاز و شیل، به وسیله‌ای برای تشدید فشار بر کارگران تبدیل شده است. برای نمونه در شرکت "ایران پلاسکو" بعلت جیره‌بندی گاز و شیل توسط مدیر عامل ضد خلقی، هوای سالن کار کارگران فوق العاده سرد شده و نه تنها بخاریها، کسه هواکشهای سالنها نیز از کار افتاده است و کارگران زحمتکش این شرکت در یک هوای آلوده و غیربهداشتی و سرد به کار توانفرسا مشغولند و در نتیجه در معرض انواع بیماریهای خطرناک قرار دارند.

★ - در تهران علیرغم شدت سرما، در بسیاری از مواقع برق نیست و اکثر

نام اجباری جوانان نمایند. در همین رابطه، رژیم کارکنان و کارمندان ادارات و مراکز خدمات اجتماعی و درمانی از جمله شرکت مخابرات، شرکت نفت، بیمارستانها، مطبها و دانشگاه را تحت فشار قرار داده تا روانه جبهه‌های جنگ ارتجاعی و ضد خلقی گردند.

★ - از طرف سازمان برنامه و بودجه رژیم فاش شده است که بخش خدمات بیش از پیش متورم شده و نزدیک به ۱۰۰۰ میلیارد تومان نقدینگی در این بخش، در دست سرمایه‌داری وجود دارد که با احتکار و دلال بازی عمل میکنند. در شرایط رشد روزافزون فقر و تنگدستی و بیکاری توده‌های ستمدیده این آمار برونشانی فاصله عظیم فقر و اغنیاء را در جمهوری اسلامی آشکار میسازد.

★ - روستائیان بخش آسارای کرج که فاقد برق هستند و در سرمای زمستان نیز هیچگونه سوختی از دولت دریافت نداشته‌اند، شدیداً تحت مضیقه قرار دارند و روستائیان این بخش میگویند که از اوایل مهرماه تاکنون تنها یک شماره کوپن نفت به میزان ۴۰ لیتر در منطقه داده شده که حتی کفاف سوخت یک ساور را طی اینمدت نمیکند.

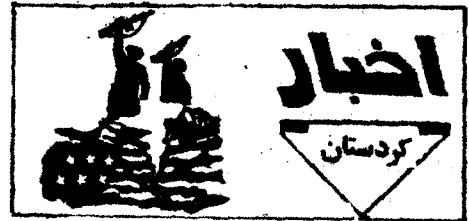
★ - اخاذی از توده‌ها به بهانه‌های مختلف همچنان ادامه دارد، اخیراً از کارگران کارخانه دندی زنجان مبلغ ۲۴۰ هزار ریال، از کارگران و کارکنان کارخانه چرم کیلان بیش از ۵۰۰ هزار ریال و از کارخانه سیمان لوشال حدود ۵۸۰ هزار ریال، رژیم خمینی به بهانه‌ها کمک به سلبزدان و یا جبهه‌های جنگ اخذ نموده است.

★ - میرحسین موسوی اعلام کرده است که ۶۵٪ درآمدهای دولتی در ۹ ماه

اخبار...

مردم زحمتکش برای گرم کردن خانه‌هایشان مجبورند هر لیتر نفت را در بازار سیاهی که در کنترل دولتمردان فد خلقی جمهوری اسلامی است به قیمت هر لیتر هفت تومان بخرند.

★ - با بمباران مداوم و بی دریغی قم، مردم این شهر مجبور به ترک آن شده و اکثراً به سمت تهران می‌آیند. در نتیجه گریه ماشینهای قم - تهران که در شرایط عادی معمولاً حدود ۲۵ تومان بود، به ۵۰۰ تومان برای هر نفر رسیده است.



سردشت:

★ - یورشها و فشار و تضییقات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای تحقق سیاست ارتجاعی تسلیم اجباری در کردستان همچنان ادامه دارد. اخیراً در ناحیه سردشت مزدوران رژیم به روستاهای "گل کند"، "کانی زرد" و "ورده" یورش بردند و از مردم خواستند که با اسلحه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هر علیه جنبش و پیشمرگان خود مسلح شوند. این مزدوران ضمن تهدید و اراغاب، ۵ نفر از روستای "گل کند"، ۳۰ نفر از روستای "کانی زرد" و ۷ نفر از روستای "ورده" را بزور مسلح نمودند تا با اصطلاح به حفاظت و نگهداری از روستاها بپردازند. اما این مزدوران غافل از آنند که خلق کرد همچنان که تاکنون نشان داده است هرگز اسلحه رژیم فد خلقی را بدست نگرفته تا آنرا به سمت فرزندان دلاور نشان رود و اینگونه تلاشهای مدیوحانه رژیم جمهوری اسلامی خللی در امر پشتیبانی خلق کرد از فرزندان پیشمرگان ایجاد نخواهد کرد. در یورش

دیگری که مزدوران به منطقه "باسک کولوسه" سردشت نمودند، تعدادی از جوانان این روستاها را دستگیر و روانه پادگانها نمودند که تعدادی از جوانان دستگیر شده در اولین فرصت موفق به فرار از پادگانها شده و به روستاهای خود بازگشتند. همچنین مزدوران رژیم در منطقه آلان سردشت به تبلیغات فریبکارانه‌ای دست زدند، مبنی بر اینکه هر کس خود را برای سربازی معرفی نماید، در منطقه خودش خواهد ماند و روانه جبهه‌ها نخواهد گردید و با این حیلکه مزدوران رژیم توانستند تعدادی از جوانان روستای بزوه را فریب داده و بخدمت سربازی بکشانند.

★ - در تاریخ ۶۵/۱۰/۲۵ مقر جاشا و پاسداران در روستای "آلواتان" سردشت، بعلت واژگون شدن بخاری دچار آتش سوزی شد. شدت آتش سوزی بعدی بود که ۴ قیضه کلاشینکوف و یک قیضه ژ-۳، ۲ صندوق فشک کلاشینکوف، ۲ صندوق مین فد نفر و ۲ صندوق نارنجک دستی این مزدوران طعمه حریق گشته و منفجر گردید. ساختمان مقر این مزدوران در اثر این آتش سوزی و انفجار بکلی منهدم گشت.

★ - در حالیکه کمبود ابتدائی ترین مایحتاج زندگی در سراسر ایران و بخصوص در کردستان بیداد میکند، رژیم فد خلقی جمهوری اسلامی، مدت ۶ ماه است که از توزیع برنج در سردشت خودداری کرده است. مردم فقیر و محروم این شهر، علیرغم داشتن کوبته‌های مخصوص برنج، هنوز در این مدت رنگ سهمیه برنج را بخود ندیده‌اند.

★ - در روستای "برده سور" سردشت، بین دو گروه از مزدوران محلی رژیم، درگیری رخ داد که منجر به کشته شدن ۲ نفر گردید. این درگیری هنگامی آغاز میشود که جاشا و پاسداران مستقر در پایگاه "نالوس" به منظور آزار و اذیت مردم به روستای فوق یورش می‌برند و اموال برخی از روستائیان را به بهانه همکاری با پیشمرگان غارت و مصادره می‌نمایند، اما بر سر تقسیم اسبوال غارت شده، با یکدیگر درگیر میشوند.

★ - در تاریخ ۱۴ بهمن ماه ساعت ۱۰ صبح رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، از پایگاه جاسوسان روستای "سونی" را خمپاره باران نمود که در نتیجه یکی از اهالی روستای "کیوهو" بنام رسول بشدت زخمی گردید.

★ - با تشدید سربازگیری و تسلیم اجباری جمهوری اسلامی، در روستاهای سردشت، بسیاری از جوانان روستاهای "احمدبریو"، "برده سور" و "بویه" تن به این سیاست ارتجاعی نداده و با فرار از دست مزدوران رژیم، حاضر به برداشتن اسلحه رژیم بر علیه خلق کرد و یا قربانی شدن در میدانهای جنگ امپریالیستی ایران و عراق نشده‌اند.

سنندج:

★ - اخیراً مزدوران رژیم در یکی از میادین شهر سنندج، چند نفر را به اتهام دزدی در ملا عام شلاق زدند. تا با اصطلاح "حشرعی" را در مورد آنان اجرا کرده باشند.

★ - مزدوران رژیم چندی پیش با یورش به روستای "گروج" در "چم شار" سنندج، از اهالی خواستند که مسلح شده و در سپاه مهدی به جبهه‌های مرگ و نمستی بروند. اما اهالی روستا مقاومت نموده و تک تک اقدام بخروج از تجمع آبادی و مزدوران رژیم که در روستا بوجود آورده بودند، نموده و مزدوران را بحال خود رها میکنند. اما چند روز بعد بار دیگر سرکوبگران جمهوری اسلامی به آن روستا مراجعه کرده و اسامی چهل نفر را برای سربازی میخواهند که اینبار مردم بطسور یکبارچه ضمن دادن شعارهایی علیه جنگ امپریالیستی، این تلاش مزدوران جمهوری اسلامی را نیز عقیم می‌گذارند.

سقز:

★ - بعد از بمباران شهر سقز توسط هواپیماهای عراقی که منجر به کشته و مجروح شدن دهها تن ویرانی فراوان گردید، مردم در حالیکه، آواره روستاها و کوهها و نقاط اطراف شهر شده‌اند اما همچنان با روحیه‌ای

زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی می‌جنگد!

←
اخبار...

مبارزه جویانه بر علیه رژیم و جنگ دست به اعتراض میزنند. برخی از اهالی تهیدست که بعلمت عدم امکانات نتوانسته اند جای امنی برای خود پیدا نمایند، بالاجبار شبها به منازل خود برمیگردند. کمبود مواد سوختنی و ما یحتاج اولیه همچنان بیداد میکند. شهر کماکان بحالت تعطیل درآمده، اما برخی از ادارات تحت فشار نیروهای سرکوبگر رژیم باز شده اند، ولی مدارس همچنان تعطیل است. مزدوران رژیم از ترس تجمع و اعتراض مردم بیمارستانهای شهر را به محاصره درآورده اند اما همچنان جرئت ظاهر شدن در سطح شهر را ندارند و بیشتر اوقات به حالت آماده باش در مراکز نظامی و مقرهایشان بسر میبرند. فرماندار شهر و آخوندهای خودفروشی و مرتجع در میان اهالی به تبلیغات و عوامفریبی مشغولند تا اعتراضات توده های مردم را کاهش دهند.

★ - اخیراً رژیم مزدور خمینی تعدادی از زندانیان سیاسی شهر سقز را تیرباران نموده است. این زندانیان پس از تحمل شکنجه های وحشیانه از آنجا که به آرمانهای خلق خویش خیانت نکرده و مقاومت و پایداری خلقهای قهرمان ایران را در مقابل جمهوری اسلامی بنمایش گذاشته بودند، اینچنین وحشیانه به میدانهای تیر برده شدند. اما جمهوری اسلامی باید بداند که خلقهای ما، دیرباز زود انتقام این فرزندان مبارز و دلیر خود را از این مزدوران خواهند گرفت.



چریک فدائی خلق
رفیق شهید
حمید مومنی

مهاباد:

★ - مدتی است که در مهاباد تیر مانند بسیاری از نقاط دیگر میهنمان نان جیره بندی شده است و سهمیه هر خانواده ۱۰ عدد نان تعیین گردیده که برای بدست آوردن آن مردم باید ساعتها در صفهای طویل نانوایشها بایستند و اگر خانواده ای به نان بیشتری نیاز داشته باشد - که چنین نیز هست زیرا غذای اصلی اغلب مردم ایران را نان تشکیل میدهد - با هزار و یک مشکل مواجه میشود و تهیه آن آسان نخواهد بود. علاوه رژیم، کبیریت مورد نیاز خانواده ها را نیز سهمیه بندی کرده است و سهمیه هر خانواده را برای سه ماه یک قوطی کبیریت بزرگ که شامل ۲۶۰۰ عدد چوب کبیریت میباشد مقرر نموده است که در صورت موجود بودن آن، به قیمت هر عدد ۲۰ تومان به اهالی فروخته میشود.

★ - اخیراً جاشها و پاسداران مزدور رژیم فد خلقی جمهوری اسلامی با یورشهای متعدد به روستاهای مناطق " شاریوران " و " کشورک یک " مهاباد به آزار و اذیت و سرکوبی توده ها پرداختند. مزدوران رژیم در این یورشها و سرکوبها، همکاری توده ها با پیشمرگان را بهانه اعمال ضد خلقی خود قرار دادند. در روستای " گزدی باقوب " در " شاریوران " چند جوان را دستگیر کرده و پس از شکنجه های بسیار یکی از آنان را به اتهام اینکه پیشمرگه بوده است تیرباران نمودند. همچنین این مزدوران چند تن از اهالی روستای " اوزنتاش " در " کشورک یک " را دستگیر کردند و وقتی مزدوران در روستای " قالدو زندان " درمدم دستگیری دو تن از اهالی برآمدند، با مقاومت و اعتراض زنان روستا مواجه شدند و پس از زدوخورد با زنان مبارز روستا، ضمن مجروح شدن یک پاسدار مزدور، با آزاد کردن دو تن دستگیر شده حیوانانه مجبور به ترک روستا گشتند.

★ - با همیاران روستاهای " قزل قویی "، " قره قشلاق " و " گاپیس " واقع در منطقه " شاریوران " مهاباد بوسیله عراق، نوجوان ۱۳ ساله ای در روستای " گاپیس " بشهادت رسید و خسارات مالی فراوانی به اهالی محروم و زحمتکش روستاهای فوق وارد آمد.

★ - بر اساس گزارشات رسیده،

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با ایجاد اکیبهای شکار انسان تاکنون حدود ۲۰ هزار نفر از جوانان و اهالی زحمتکش منطقه مهاباد را برای نبرازی دستگیر و روانه پادگانها نموده است.

★ - اخیراً رژیم مزدور خمینی، شبها در مهاباد حکومت نظامی شدیدی را اعمال میکند و هر کسی قصد تردد در ساعات شب را داشته باشد، بوسیله مزدوران رژیم دستگیر میگردد.

۶ - طبق اخباری که از شهر مهاباد رسیده، اجناس مورد نیاز مردم کم و بشدت نایاب گشته و قیمتها آنقدر بالا رفته که مردم توانایی تهیه ما یحتاج اولیه خود را ندارند. همکنون در شهر مهاباد قیمت روغن کپلوشی ۱۵۰ تومان، برنج ۱۰۰ تومان، قند ۸۵ تومان و شکر کپلوشی ۷۵ تومان، بودکاکر بیک هر عدد ۲۵ تومان، بنزین لیتری ۵۰ تومان میباشد.

★ - رژیم مزدور که برای شکار جوانان به هر وسیله ای متوسل میشود اخیراً در مهاباد با مسلح کردن اژدگ و اوباش شهر دست به ایجاد اکیبهای شکار جوانان زده است برای نمونه گروه رحیم مراد که در هشت کپلومتی شهر مهاباد پایگاهی برای دستگیری جوانان ایجاد نموده و به اشکال گوناگون برای شکار جوانان دام میگستراند.

نقده:

★ - در پی کمبود شدید مسواد سوختی بویژه در سرمای طاقت فرسای زمستان اهالی شهر نقده برای تهیه مواد سوختی مورد نیاز خود در مضیقه شدیدی قرار گرفته اند. در نتیجه تاکنون نیمی از درختان میوه این شهر که سالیانه بخشی از مخارج زندگی اهالی را تامین میکرد قطع گردیده است تا بجای نفت و گازوشیل که کمیاب گردیده استفاده گردد.

یانه:

★ - مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، مجدداً اهالی روستاهای اطراف یانه و منجمله بخش " قلعه رشه " را تحت فشار قرار داده اند تا فرزندان مشمول خود را معرفی کنند. این مزدوران همچنین از طریق شورا های اسلامی دست ساز خود اهالی را تحت

← اخبار ...

فشار قرار داده تا مشولین را معرفی نمایند. اما با تمام این اقدامات، توده‌های مردم و جوانان در مقابل سیاست سربازگیری اجباری رژیم مقاومت می‌ورزند.

★ - مزدوران رژیم اخیراً توده‌های زحمتکش روستاهای بانه را تحت فشار گذارده‌اند تا هر خانواده ماهانه مبلغ ۱۰۰ تومان جهت کمک به جبهه‌های جنگ ارتجاعی بپردازند. رژیم در این رابطه از آخوندهای خودفروش نیز استفاده می‌کند، اما مردم مبارز روستاهای بانه متحد و یکپارچه در برابر اینگونه اغذیبا، مقاومت می‌ورزند.

پوکان :

★ - کمبود نفت و گاز و شیل مردم پوکان را دچار مشکلات و مضیقه‌های فراوانی نموده‌است و بسیاری را واداشته‌است که برای رفع نیازهای سوختی خانواده ناچاراً به قطع درختان میوه و یاغات اطراف شهروستا روی آورند. ولی مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به سوءاستفاده از همین وضع مشغولند. در این رابطه آنان تمامی شاخه‌های درختان خیابانهای شهر پوکان را قطع کرده و آنها را با قیمت‌گران به اهالی فروختند. اهالی برای بدست آوردن این هیزمها باید علاوه بر پرداخت قیمت گران، کوبین هم داشته باشند و مدتی نیز در صف طولانی هیزم بایستند.

★ - اخیراً مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، حدود ۱۵۰ تن از اهالی منطقه پوکان را به اتهام همکاری با پیشمرگان دستگیر و روانه شکنجه‌گاهها می‌نمایند. این موج دستگیریها، علاوه بر آنکه درماندگی رژیم مزدور خمینی را در مقابل با جنبش خلق کردآشکار می‌سازد، موجب خشم و نفرت اهالی مبارز پوکان و مناطق اطراف نیز گشته‌است. مردم مبارز پوکان، به‌اشکال گوناگون همدردی و حمایت خود را از دستگیر شدگان ابراز داشته‌اند.

پیرانشهر :

★ مدتی است که ابادی رژیم مزدور خمینی فشار و اذیت و آزار بسیاری سربازگیری در پیرانشهر و روستاهای اطراف را شدت بخشیده‌اند. مزدوران

جاش و پاسدار علاوه بر ایجاد پستهای بازرسی در مناطق ورودی و خروجی شهر و گشت زنی در خیابانها بارها به روستاها حمله ور شده‌اند تا جوانان مشمول را دستگیر و روانه جبهه‌ها سازند، اما جوانان مشمول مقاومت کرده و به کمک اهالی، مخفی می‌شوند و در صورتیکه برخی از آنان دستگیر شوند در اولین فرصت از چنگ آنان گریخته و با از مراکز آموزش نظامی فرار می‌کنند. میزان فرار آنها به حدی است که مزدوران رژیم قادر به مقابله با آن نیستند و هرگونه تلاش و نیرونگ آنان در این جهت نیز اثری ندارد.

رابط :

★ به بهانه حضور پیشمرگان خلق کرد در یک مراسم عمومی در روستای " سونه " جاشهای خودفروخته به این مراسم بیورش برده و قصد داشتند با تفتیش منازل و اذیت و آزار مردم، مراسم را بهم بزنند. که با مقاومت اهالی و اعتراض آنها مواجه گشته و مجبور به بازگشت به پایگاههای سرکوب و جنایت خود گشتند.

اخبار جهان

★ - روزنامه اکسپرس چاپ فرانسه فاش ساخته است که یک شرکت فرانسوی با اطلاع شارل هرنو وزیر دفاع دولت وقت و فرانسوا میتران رئیس جمهور بمدت ۲ سال به رژیم وابسته ساسه امپریالیسم جمهوری اسلامی، اسلحه می‌فروخته و ارزش این تجهیزات را ۷۰ میلیون لیره استرلینگ ذکر کرده است. کمپانی فرانسوی " لوشهر " محموله‌های بزرگ حاوی گلوله‌های توپ را که ظاهراً و رسماً به مقصد پرتغال، برزیل، تایلند و یوگسلاوی بارگیری می‌شده را به ایران تحویل داده است که یکی از اقلام فاش شده آن ۴۵۰ هزار گلوله توپ می‌باشد. علیرغم آنکه هر روز خریدهای پنهانی و گوناگون تسلیحاتی و لوازم جنگی مورد نیاز جمهوری اسلامی، از امپریالیستها رو می‌شود، رژیم مزدور خمینی با ادعای مستخره نه شرقی، نه غربی، به خیال خام خود سعی در فریب توده‌ها دارد و امپریالیستها نیز با تمام سندهای

کلانی که از فروش تسلیحات و تداوم جنگ ایران و عراق بحیب می‌زنند، ادعای مضحک " بیطرفی " در این جنگ را تکرار می‌کنند. افشای این خبر بخصوص تبلیغات ریاکارانه جمهوری اسلامی و فرانسه را هرچه بیشتر آشکار می‌سازد.

★ - بدنبال اعتصاب ۲۲ هزار نقره اتحادیه فولادکاران کارخانه‌های فولادسازی امریکا که طولانی‌ترین اعتصاب توصیف شده‌است، کارگران راه آهن لانگابن نیز علیه شرکت راه آهن دست به اعتصاب زدند.

★ - در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت راجیو گاندی، بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تن از کارگران هندوستان دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زده‌اند. این اعتصاب به درخواست رهبران اتحادیه‌های کارگری انجام گرفت که معادن ذغال سنگ، بنادر، بانکها، شرکت‌های بیمه و کارکنان برخی از پروازهای داخلی هواپیمایی را دربر گرفته است.

★ - ۱۵ هزار تن از کارکنان تلفن و ارتباطات انگلستان در اعتراض به اخراجهای کارگری و برای افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار، دست به اعتصاب زدند و بخشی از خطوط تلفنی انگلستان را مختل نمودند. اما دولت تاجر به درخواستهای اعتصابیون جواب رد داد. و بدنبال این اقدام دولت تاجر، هزاران نفر دیگر از کارکنان سایر بخشها، به‌نشانه همبستگی با کارکنان تلفن، دست از کار کشیدند. با طولانی شدن و گسترش اعتصابات در این بخش، مدیریت انحصار بسزرگ بریتیش پریکوم پیشنهاددهای جزئی به اعتصابیون داد که اعتصابیون این پیشنهادات را رد نمودند.

★ - بدنبال مرگ یک دانشجو، که در زیر شکنجه و بدست پلیس مزدور کوره جنوبی روی داد وزیر کشور و رئیس پلیس این کشور، به منظور انحراف افکار و احساسات توده‌ها و تسریس از گسترش مبارزات آنان از مقامهای خود استعفا دادند.

★ - صدها تن از ساکنان اردوگاه فلسطینی واقع در حومه نابلس، در اعتراض به خشونت‌های پلیس اسرائیل، دست به تظاهرات زدند که با زهم با یورش نیروهای سرکوبگر و پلیس مزدور اسرائیل روبرو گشتند. این مزدوران

اخبار ۰۰۰

سعی داشتند با تیراندازی تظاهرات را برآکنده سازند، در دانشگاه "النجاح" نیز تظاهرات مشابهی صورت گرفت که پلیس اشغالگر اسراشیل، تظاهرکنندگان را وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار داد.

★ - تعداد ۱۰ هزار نفر از دهقانان و کشاورزان فیلیپین در برابر کاخ ریاست جمهوری آن کشور دست به تظاهرات زدند. دهقانان فیلیپین خواستار انجام اصلاحات ارضی و تقسیم زمینهای مارکوس، دیکتاتور سابق و مزدور امریکا و اطرافیانش بودند. دولت مزدور آکینو، بمنظور مقابله و سرکوب دهقانان، تفنگداران دریایی را فرا میخواند و با کشودن آتش به روی دهقانان و کشاورزان، ۱۲ تن را کشته و بیش از ۱۰۰ تن را مجروح میسازد. این واقعه بار دیگر چهره کثیف مزدوران تازه بقدرت رسیده امپریالیسم را نشان میدهد که در هر حال چه بارنگ و لعاب با اصطلاح دیمکراتیک و چه غیر آن، وظیفه‌ای جز سرکوب مبارزات توده‌ها و خدمت به اربابان ندارند.

★ - بدنبال بحران عمیق اقتصادی که امپریالیسم امریکا را فراگرفته، این دولت جهت رفع کمبودهای مالی و تامین کسری موازنه پرداختهایش، ارزش دلار را بازم کاهش داده است. این کاهش در ژاپن و آلمان غربی تا شیرات شدیدی بجای گذاشته است. در همین رابطه وزیر دارائی دولت امپریالیستی ژاپن گفت که افزایش نرخ "ین" به ضرر اقتصاد ژاپن است و ژاپن در نظر دارد که امریکا و کشورهای دیگر را برای انجام اقداماتی به منظور تثبیت ارزش دلار تحت فشار بگذارد.

★ - ریگان، رئیس جمهور امریکا، در بیانیه‌ای ضمن باامطلاح محکوم کردن جنگ ایران و عراق و گسترش آن، به ایران هشدار داد تا به گفتگوهای صلح تن ندهد. بدین ترتیب بار دیگر امپریالیسم امریکا کوشید تا رباکارانه دستهای خونین خود در این جنگ را مخفی سازد. کوشش ریگان برای بیطرف جلوه دادن امریکا آنهم در شرایطی که امریکا بیثباتی یکی از نامین کنندگان اصلی صلاح برای جمهوری اسلامی شناخته شده است، تلاش مذبحانه‌ای بیش نبوده و نیست.

★ - در ادامه کشمکش و شدت یابی تظاهرات جناحهای مختلف هیئت حاکمه امریکا، بازم از زبان وزیر امور خارجه امریکا فاش گردید که پس از باامطلاح دستور قطع فروش تسلیحات به جمهوری اسلامی، در ماه گذشته نمایندگان ایران و امریکا بار دیگر در لندن دیدار و مذاکره داشته‌اند. در همین رابطه سخنگوی کمیته ویژه سنای امریکا گفته است که درباره گزارشات وزارت امور خارجه مبنی بر دیدار نمایندگان امریکا و جمهوری اسلامی، دست به تحقیق خواهد زد. در همان حال روزنامه دیلی تلگراف مینویسد: در همان روزی که ریگان در پیام رادیوئی اش تاکید میکرده تلاشهای برقراری رابطه با اصطلاح میانه‌روهای رژیم قطع شده است، در همان روز یعنی ۶ دسامبر، یک ملاقات بین نمایندگان امریکا و رژیم جمهوری اسلامی در لندن صورت گرفته است.

★ - در پی افشاکری جناحهای مختلف امپریالیسم امریکا بر علیه یکدیگر، سخنگوی وزارت دفاع امریکا اعتراف نمود که تعداد ۲ هزار موشک ضد تانک تاو به رژیم مزدور خمینی فروخته است. این سخنگو افزود که مسئول فروش این وزارتخانه قیمت این موشکها را اشتباها ۲/۵ میلیون دلار کمتر از قیمت واقعی محاسبه نموده است.

★ - چند هزار تن از توده‌های ستمدیده شیلی در پایتخت آن کشور بر علیه پینوشه، دیکتاتور مزدور امپریالیسم دست به تظاهرات زدند. آنان با سردادن شعارهایی، خواستار کناره‌گیری فوری پینوشه، جلا و اعاده دمکراسی در کشور شدند. پلیس مزدور شیلی به مقابله با این تظاهرات پرداخت.

★ - هزاران تن از کارگران چاپخانه گروه امپریالیستی نشریات "نیوز اینترنشنال" که منجمله روزنامه‌های "تایمز" و "ساندی تایمز" را در اختیار دارد بمناسبت سالروز اخراج ۵۰۰۰ تن از همکاران کارگروشان دست به تظاهرات زدند. پلیس مزدور انگلستان در حمایت از انحصارات امپریالیستی صنعت چاپ دست به سرکوب خشونت آمیز کارگران مبارز زد. کارگران مبارز نیز با به آتش کشیدن یک کامیون و پرتاب کوکتل و با چوب

و سنگ به مقابله برخاستند. در این جریان ۶۲ نفر از کارگران دستگیر و حدود ۱۵۰ پلیس زخمی گردیدند.

★ - بنابه گزارش اطلاعاتی سنای امریکا، که درباره ماجرای ایران - کنترا منتشر شده، گفته شده است که از "رادیوی صدای امریکا" - بخش فارسی - به منظور ارسال پیام برای سرمداران جمهوری اسلامی استفاده میشده است.

★ - در پی سخنان جرج شولتز که گفته بود: "بعد از تماس ۶ هفته پیش نمایندگان امریکا و جمهوری اسلامی که در ماه دسامبر در فرانکفورت به عمل آمده است، او دستور قطع تماسها را داده". هاشمی رفسنجانی در محاسبه با سی.بی.اس. این سخنان را دروغ خواند و گفت: "آقای شولتز شخصی به نام "دن بار" را فرستاده بود که با ما موران خریدها، با همان دلایلها مذاکره کند و طرحی هم آورده بود". اما از سوی دیگر بنابه گزارش نیویورک تایمز هاشمی رفسنجانی تاریخ آخرین ملاقات را سه هفته قبل از محاسبه اش ذکر نموده است! از سوی دیگر هفته نامه "آبزرور"، در مقاله‌ای پیرامون این ملاقاتها نوشته است که در یکی از این دیدارها آخوند کرویسی نایب رئیس مجلس ضد خلقی نیز شرکت داشته است.

★ - کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد طی گزارشی بار دیگر بر بدرفتاری و شکنجه‌های گسترده و اعدام زندانیان سیاسی در رژیم مزدور خمینی تاکید کرده است. همچنین در این گزارش آمده است که رژیم جمهوری اسلامی، هیچگونه عقیده مخالفی را که حتی به مقدار کمی از خط رسمی حکومتی منحرف باشد نیز تحمل نمیکند. رسوایی رژیم مزدور خمینی در اعمال سرکوبها و ایجاد خفقان بقدی است که با تمام کوششهای محافل امپریالیستی، اینگونه مجامع نیز قادر به مخفی ساختن آن نیستند.

★ - روزنامه الاهرام چاپ مصر فاش ساخت که رژیم خمینی به سودان پیشنهاد کرده است در ازای عدم شرکتش در کنفرانس سران اسلامی در کیویت، نفت مجانی دریاقت نماید. اما دولت سودان این پیشنهاد را رد کرده است. این اقدام اوج دناکت و پستی رژیمی را مبرساند که به قیمت محرومیت توده‌های مردم در مصرف مواد سوختی

اخبار...

در این سرمای طاقت فرسا، در راه اهداف اینگونه مواد سوختی مسرود نیاز مردم را بیدل و بخش میکند.

★ - یک سختگوی پلیس دانمارک اعلام کرد که: پلیس ۶ تن خاویار ایرانی به ارزش یک میلیون و چهار صد هزار دلار را در مرز این کشور بسنا آلمان غربی که در زیر بار هندوانه مخفی شده بود کشف کرده است. بعد از تحقیقات پلیس دانمارک، مقامات جمهوری اسلامی میگویند که این خاویار بایستی به ایران بازگردانده شود. پلیس دانمارک اعلام داشته که پرونده این ماجرا باید در دادگاههای دانمارک رسیدگی شود، اما بدلیل طولانی شدن تحقیقات پلیس این خاویارها را به جراح گذاشته است. با توجه به اینکه سران دزد و فاسد جمهوری اسلامی خود از بزرگترین قاچاقچیان خاویار در جهان هستند، از ترس کشیده شدن به دادگاههای دانمارک و آفتشای چهره کشیشان در نزد افکار عمومی فظا دنبال ماجرا را نگرفته و اینک پلیس دانمارک نیز که ظنمعا باید جداوند این قاچاق کار سران رژیم میباشد. از جیب خلقهای زحمتکش ایران دست به جراح آنها زده است. لازم به توضیح است که اخیرا طی جلسه کارشناسان شیلات مازندران که در تاریخ ۸ بهمن ماه در پابلسر برگزار گردید فاش شد که سالانه حدود ۲۰۰ تن خاویار بصورت قاچاق صادر میشود. حال آنکه میزان مدور خاویار توسط شیلات و بطور قانونی سالانه فقط حدود ۲۰۰ تن است. همین اعتراف مزدوران شیلات مهر تایید دیگری است بر قاچاقچیگری سران دزد و فاسد جمهوری اسلامی.

★ - یک هفته نامه انزلی فاش ساخت که یکی از بزرگترین کارخانجات آن کشور به رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، اسلحه فروخته است. این هفته نامه از قول یک ناخدای کشتی افزود که کشتی حامل سلاحها را کسه ظاهرا به مقصد لیبی بارگیری شده بود. در بندر عباس تخلیه نموده است.

★ - بنا به گزارش وزارت تجارت بین المللی و صنعت ژاپن، ایران در سال گذشته ۲۴۶۷۸ دستگاه ژانیت بنا کامیون و ۴۸ دستگاه اتومبیل مواری از ژاپن خریده است و همچنین شرکت اتومبیل سازی تویوتای ژاپن اعلام

کرد که ایران در سالجاری ۹ هزار دستگاه وانت از این شرکت خریداری نموده است. این اخبار فقط گوشه ای از نوع و حجم خریدهای رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از انحصارات امپریالیستی را نشان میدهد که طبعا در جهت شعله ور ساختن جنگ ارتجاعی ایران و عراق و برکردن جیب اربابان به آن اقدام شده است.

★ - فلسطینیان تاکن "رام الله"، "نابلس" و "بلات" مجددا در کرانه باختری رود اردن، تظاهرات گسترده ای در اعتراض به خشونت های پلیس مزدور اسرائیل بر پا کردند و ماشین و زینت دفاع اسرائیل را که در حال با زوری از منطقه بوده است زیر باران سنگ قرار داده اند. این تظاهرات با زهم با تیراندازی و ضرب و شتم مردم توسط پلیس مواجه گشت. همچنین هزاران تن از ساکنان اردوگاه "جبلنه" واقع در نوار غزه به تظاهرات پرداخته و شعار خروج قوای اشغالگر را بر دادند که در اثر تیراندازی پلیس، یک جوان ۱۷ ساله زخمی و دهها تن بازداشت گردیدند.

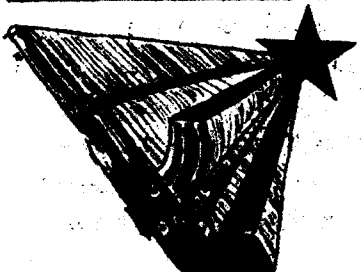
★ - روزنامه واشنگتن پست فاش ساخته است که آمریکا چندین نوشت اطلاعات نظامی مربوط به عراق را به رژیم مزدور خمینی داده است. قبلا نیز اعلام شده بود، امویکا به دولت عراق اطلاعات نظامی مربوط به ایران را میداده است. بعلاوه روزنامه کریستین ساینس مانتیور نیز گفته است. اطلاعات نظامی پیرامون مواضع عراق در جبهه ها و غیره، توسط سرهنگ اولیور نورث در اختیار منوچهر قربانی فر - دوست میرحسین موسوی - قرار میگرفته. این افشاگریها بخوبی نشان میدهند که چگونه امپریالیستها و یویژه امپریالیسم امویکا به طرق کوناگون و منجمله با دادن اطلاعات نظامی در کنترل و هدایت جنگ میکوشند.

★ - نزدیک به ۴۰۰ تن آواره ایرانی، در مقابل دفتر نمایندگی کمیسیون پناهندگان سازمان ملل در کراچی، به مدت نامعلومی متحصن شده اند. این هموطنان آواره خواستار رسیدگی به وضعیت نابسامان و نامشخص خود میباشند. رژیم مزدور پاکستان با توجه به روابطی که با جمهوری اسلامی دارد آنان را بعنوان پناهنده به رسمیت نمیشناسد. کمیسیون سازمان ملل نیز به وضع آنان رسیدگی نمیکند.

از صفحه ۴۱

روز شمار بهمن ماه

- ۱۳۶۰/۱۱/۱۹ - شهادت مجاهد خلق موی خیا بانی و همزمانش
- ۵۷/۱۱/۲۱ - میتینگ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت رستاخیز سپاه گل - درگیری بین همافران انقلابی و نیروهای گارد جاویدان شاه و آغباز قیام خونین و قهرمانانه خلق و شرکت سازمان چریکهای فدائی خلق در قیام
- ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ - قیام شکوهمند خلقهای ایران بر علیه طغیان امپریالیسم و سگهای زنجیریش
- ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ - شهادت چریکهای فدائی خلق رفقا: بابک سیلابی (با دکان عشرت آباد) خروپنا هسی (کلانتری ۶ تهران) و قاسم سیادتسی عضو کمیته مرکزی سازمان (مرکز رادیو) در طی شرکت در قیام قهرمانانه خلق
- بیست و دومین (۱۰ ژانویه) تولد بوتولت پرشت
- ۱۳۵۷/۱۱/۲۶ - شهادت محمدحسین کریمی از رهبران کوبله
- ۱۳۵۲/۱۱/۲۹ - شهادت رفقا خسرو کلسرخ و کرامت الله دانشیان
- ۱۳۵۶/۱۱/۲۹ - قیام مردم تبریز بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه
- ۱۳۵۸/۱۱/۲۹ - شهادت رهبران شورا های دهقانی ترکمن بخوا، شیر محمد درخنده توماچ، عبدالحکیم مختوم، طواق محمد و احدی و حسین جرجانی و پیداشدن پیکرهای شکنجه شده آنان در بین مینودشت و چمن بند (جنگل گلستان) در مسیر گنبد بجنورد



شهادت بهمن ماه چریکهای فدائی خلق ایران



" هزاران هزار شهید ، جان خود را در راه منافع خلق
قهرمانانه فدا کرده اند ، بگذار درفش آنها را برافرازیم و
در راهی که با خون آنها سرخ شده است ، به پیش رویم !"
(ما توتسه دون)

رفقا :

- ۵۱/۱۱/۲۳ پوران بداللی
- ۵۱/۱۱/۲۳ بهروز عبیدی
- ۵۲/۱۱/۱ ابراهیم پوررمائی خلیق
- ۵۲/۱۱/۱۷ یوسف زرکار
- ۵۳/۱۱/۱ سمید پایان
- ۵۲/۱۱/ فتحعلی پناهیان
- ۵۲/۱۱/۶ فاطمه افدرنیا
- ۵۲/۱۱/۶ مجید پیرزاده جهرمی
- ۵۲/۱۱/۶ جعفر محتشمی
- ۵۲/۱۱/۶ مسعود پرورش
- ۵۲/۱۱/۶ مصطفی نقیق همدانی
- ۵۲/۱۱/۱۷ کاووس رهگذر
- ۵۲/۱۱/ حمیدرضا هزارخانی
- ۵۲/۱۱/۱۸ حمید مومنی
- ۵۲/۱۱/ محمدعلی خیروی اردبیلی
(داداشی)
- ۵۵/۱۱/۶ انوشه فضیلت کلام
- ۵۵/۱۱/۹ کیومرث سنجری
- ۵۵/۱۱/ حسن جان فرجودی
- ۵۵/۱۱/۱۳ حسین چو خاچی
- ۵۵/۱۱/ جعفر پشامی
- ۵۵/۱۱/ فردوس آقا ابراهیمیان
- ۵۵/۱۱/ محمد کاسه چی
- ۵۵/۱۱/ محسن نوربخش
- ۵۷/۱۱/۲۲ قاسم سیادتی
- ۵۷/۱۱/۲۲ مهدی اقتدارمنش
- ۵۷/۱۱/۲۲ بابک سیلابی
- ۵۷/۱۱/۲۲ خسرو پناهی
- ۵۷/۱۱/۲۲ محمدجواد عرفانیان



نام نمین

در پی سرخ انقلاب پرولتاریا جاویدان گشته است

در سالروز دو روز بزرگ تاریخی باید از اولین شهید
سازمان مجاهدین خلق ایران احمد رضائی که در سال ۵۰
در نبرد رویاروی با مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم
شاه بشهادت رسید و مجاهدین گرانقدر موسی خیابانی و
اشرف ربیعی و جمعی دیگر از شهدای مجاهدکده در ۱۹ بهمن
۶۰ بشهادت رسیدند یاد کرده و خاطره جانبازیهایشان را
گرامی بداریم .

روز شمار بهمن ماه

- ۱۳۰۲/۱۱/۱ (۲۱ ژانویه ۱۹۲۴) درگذشت آموزگار کبیرپرولتاریا لنین
- ۱۳۱۲/۱۱/۱ درگذشت شاعر ملی و مردمی عارف قزوینی
- ۱۳۴۰/۱۱/۱ حمله چریکها بر شاه مزدور به داد تشجویان مبارز و زدنشگاه تهران
- ۱۳۲۲/۱۱/۲ تشکیل جمهوری خودمختار کردستان
- ۱۳۵۷/۱۱/۸ کشتار مردم تهران توسط بختیار و نوکران او
- ۱۳۵۰/۱۱/۱۱ شهادت احمد رضا شیبی

اولین شهید سازمان مجاهدین خلق ایران
- ۱۳۱۸/۱۱/۱۴ شهادت دکتر تقی ارانی
پوسپله مزدوران رضا شاه جنایتکار
- ۱۳۲۷/۱۱/۱۵ تیراندازی ناموفق در آراش بموی شاه خاش
- ۱۳۵۴/۱۱/۱۸ شهادت حمید مومنی از رفقای ارزنده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
- ۱۳۵۷/۱۱/۱۸ پایان ما موریت ژنرال هوپزر امریکائی در ایران
- ۱۳۵۸/۱۱/۱۸ دستگیری رهبران شوراهای دهقانی ترکمن صحرا توسط

پاسداران ضد خلقی در زمانیکه به همراه هیئت مذاکره کننده رژیم روانه منازل خود بودند
- ۱۳۴۹/۱۱/۱۹ رستاخیز سپاه هکل و آغاز جنبش مسلحانه در ایران
- ۱۳۵۸/۱۱/۱۹ تحمیل جنگ دوم به خلق ترکمن توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و سرکوب بیرحمانه ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و روستائیان به دفاع پوسپله ارتش مزدور

بقیه در صفحه ۴۰

سازشکاران و مضحکه تسخیر سفارت امریکا

خیمه شب بازی تسخیر سفارت امریکا و در نتیجه کروگانگیری کارکنان این سفارت بمب دت ۲۲۲ روز در تهران که منجر به "بحران روابط" امریکا با جمهوری اسلامی گردید باعث "قطع رابطه" رسمی امریکا با جمهوری اسلامی و با صلاح "محاصره اقتصادی" ایران از سوی امریکا گشت. امری که دغلیکاران جمهوری اسلامی همان زمان در چهارچوب بزرگترین مکاری سیاسی خود مردم را به "جشن" گرفتن به این خاطر فراخواندند. حال بار دیگر و این بار پس از گذشت ۷ سال در مسئله مربوط به افشای روابط با صلاح پنهانی امریکا با جمهوری اسلامی مطرح شده است.

مضحکه اشغال سفارت از همان آغاز با هیاهوهای فراوان از جانب طرفین این ماجرا همراه بود و بلاخره نیز با روی کار آمدن ریگان از جمهوریخواهان براس قدرت و بلافاصله بعد از ترک کاخ سفید از سوی کارتر رئیس جمهور قبلی امریکا پایان گرفت. این ۲۲۲ روز اوج مبارزات ضد

امپریالیستی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، اوج وقاحت و چشم‌دردگی سردمداران مزدور جمهوری اسلامی و ضمناً اوج حقارت و حماقت سازمانهای با صلاح پیشرو و پینا هنگی بود که "به به" و "چه چه" کنان بدستمال این مضحکه براه افتادند و با یاری به جمهوری اسلامی در قریب توده‌ها برای این عمل "فدا مپریالیستی" و "قاطع" رژیم مزدور هورا کشیدند، روزه سیاسی گرفتند و به حفاظت از ساختمان جاسوسخانه پرداختند.

برای نمونه با صلاح "فدائیان خلق" در آن زمان نیکه هنوز به "اکثریت" و "اقلیت" تبدیل نشده بودند و قبحانه در این زمینه نوشتند: "وظیفه کارگران و نمایندگان سیاسی آنهاست که از این مبارزه ضد امپریالیستی حمایت کنند. زمانیکه چنین حمایتی نمیشود بطور طبیعی کارگران ناآگاه را متهم به امریکاشی بودن میکنند." [کار شماره ۳۷ شماره ۳۷ شماره ۳۷]

و با سازمان مجاهدین خلق در پیغه در صفحه ۱۴

گواهی باد آبی بندهان

سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان

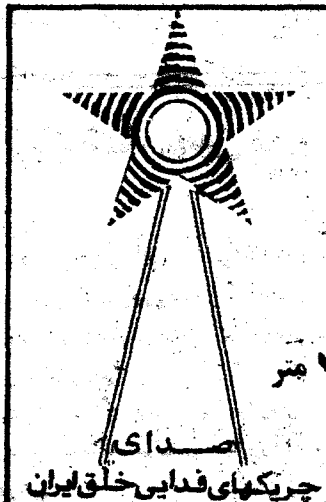
خلق رزمنده کسرد! پیشمرگان قهرمان!

دوم بهمن ماه (آبی بندهان) سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان، یادآور جلوه‌ای از سابقه درخشان مبارزاتی شما میباشد. مبارزاتی که با جانفشانیها و قهرمانیهای توده‌های ستم‌دیده کردستان در آن شرایط مشخص تاریخی، در اعلام جمهوری خودمختار توسط صدقانی محمد و یارانش تبلور یافته. همانطور که میدانید، این شش ماه مبارزات توده‌ها بیش از مدت محدود ۱۱ ماه دوام نیاورد و با یورش ارتش امپریالیستی توسط شاه مزدور درهم شکسته شد. و علی‌رغم استقامت قهرمانانه قاضی محمد و برخی از یارانش که تا بنثار خون خود پیام آور آرمان مبارزه بر علیه ستم ملی گشتند، آن جنبش در

پیغه در صفحه ۱۰

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدایی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید



ساعات پخش
۶/۵ بعد از ظهر و
۱۲ ظهر روز بعد
امواج کوتاه
ردیف‌های ۴۱ و ۷۵ متر

صدای
چریکهای فدایی خلق ایران

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران
با نشانی‌های زیر مکاتبه کنید:



فرانسه
F. S
B. P - 181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

انگلستان
BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق پرهبری طبقه کارگر!